

تا همین یکی دودهه پیش، الگوری تشکیل خانواده در ایران نسبتاً ثابت بود. دختر و پسر همدیگر را از طریق معرفی یا به‌شکل مستقیم می‌یابیدند و می‌پسندیدند، سپس خانواده‌پسران به خواستگاری به منزل دختر مراجعه می‌کردند و با گرفتن توافق پدر و مادر عروس، مراسم نامزدی و بعد هم عقد و ازدواج برگزار می‌شد. پسرهای یاد می‌گرفتند که وقتی ازدواج کردند باید به همسرشان متعهد باشند و چشمشان دنبال دیگران نچرخد. دخترها هم چوری تربیت می‌شدند که با خوب و بد شوهرشان بسازند و توقع زیادی نداشته باشند.

آن‌وقت‌ها زندگی چندان دشوار نبود، مردخانه یک لقمه نان درمی‌آورد و زن، بچه‌ها را بزرگ می‌کرد. نه از ازدواج سفید خبری بود و نه از داستان‌های رنگارنگ خیانت و آمار بالای طلاق.

اما در حال‌حاضر فشار اقتصادی بیشتر شده است و جوان‌ها دیگر به‌سادگی نمی‌توانند مخارج لازم بسیاری از ازدواج را تأمین کنند. همچنین در لاه‌های اخیر به دلایلی مانند استفاده از موادغذایی کاذب از هورمون‌ها و دسترس‌سی به ماهواره و اینترنت، بسیاری از کودکان دچار بلوغ زودرس

***دکتر رسول صادقی-جمعیت‌شناس:احساس ناامنی و نابسامانی اقتصادی در کشور، تشدیدکننده اشکال جدید روابط و زندگی خانوادگی خواهدشد**

***دکتر باقر سار و خانی-جامعه‌شناس:آنچه با عنوان ان دواج سفیدشناخته می‌شود، یک نوع رابطه‌است که در آن شرع، عرف، مددکاری و تعهدات خانوادگی وجود ندارد و با تعریف آن دواج اساسا متفاوت است**
***تطبیق جنسیت در ایران بر خلاف دیگر کشورهای اسلامی مجاز محسوب می‌شود و این پیشگامی مدیون فتوای امام خمینی (ره)است**

می‌شوند. به این‌ترتیب فاصله میان سن‌بلوغ و سن‌ازدواج بیشتر و بیشتر خواهدشد که این موضوع به‌خودی‌خود کنترل‌نیازجنسی‌را دشوارتر می‌کند. از سوی دیگر با افزایش سرعت انتقال اخبار و اطلاعات و آشنایی با سبک‌های متفاوت زندگی در گوشه و کنار دنیا، جوانان ایرانی هم دلشان می‌خواهد تجربه‌های متفاوت داشته‌باشند.

جامعه در گذار از سنت به مدرنیته، تغییراتی گاه بنیادین را در تمامی نهادهای خود تجربه می‌کند و خانواده نیز به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، دستخوش این تغییرات قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان سعی دارند که با رصدکردن این تغییرات، آمادگی مواجهه با پدیده‌های جدید اجتماعی را در جامعه ایجاد کنند.

نشست تخصصی آسیب‌های حوزه خانواده که در جریان سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران در دانشکده علوم‌مجمعاتی دانشگاه تهران برگزار شد، نتیجه تلاش گروهی از جامعه‌شناسان برای تعریف و تحلیل پدیده‌های جدید اجتماعی ایران در حوزه خانواده بود.

در این نشست، دکتر رسول صادقی، عضو هیأت‌علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، در سخنرانی خود با عنوان «نگرش به اشکال نوپدید در حوزه ازدواج و تشکیل خانواده» می‌گوید: بسا روز مدرنیته و ارتباطات و تغییر در ارزش‌ها و اخلاق آرمایی، تغییرات در حوزه خانواده در جوامع مختلف بررسی شده است. به‌عنوان مثال طی این تغییرات در ایران سسن ازدواج در ۲۴ از ۲۹ سال و در زنان از

۲۰ به ۲۵ سال رسیده است. گرایش به همباشی

با زندگی بدون ازدواج در میان برخی گروه‌های مهاجر را از طریق معرفی یا به‌شکل مستقیم و ساکنان شهرهای بزرگ به‌چشم می‌خورد. بر اساس پیمایشی در شهر تهران، نگرش مثبت به این نوع زندگی ۱۸ درصد می‌رسد و در مردان دوبرابر زنان است. هرچه سطح دین‌داری بیشتر باشد، گرایش به زندگی بدون ازدواج کمتر می‌شود و کسانی که از ماهواره و رسانه‌های فرا مرزی بیشتر استفاده می‌کنند، نگرش مثبت‌تری به این شکل از زندگی دارند.

به‌طور کلی برائثر تغییرات اجتماعی و مدرنیزشدن و تغییرات جمعیتی و متابولیسم جمعیتی (کوهورتی) -شاهد تحولاتی در ابعاد مختلف در حوزه خانواده هستیم. احساس ناامنی و نابسامانی اقتصادی در کشور، تشدیدکننده اشکال جدید روابط و زندگی خانوادگی خواهد شد.

روابط فرزنشویی اینترنتی

امروزه بسیاری از زوج‌ها زمان قابل‌توجهی

از روز را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌گذارند. این پرسش وجود دارد که آیا روابط مجازی با روابط حقیقی تفاوتی دارند یا نه و

همین ترتیب برخی افراد با تعدد روابط خود، عمق دلبستگی‌ها را کم می‌کنند. بیش‌فعالن چسبندگی بسیاری نشان می‌دهند و طرد می‌شوند. این جامعه‌شناس با اشاره به نتایج پژوهش خود در یک جامعه آماسری ۲۲۰ نفره از افراد متأهلی که دست‌کم در یک شبکه اجتماعی عضو بوده‌اند، می‌افزاید: سبک دلبستگی به‌طور مستقیم روی پیشروی روابط اینترنتی تأثیر دارد. هرچه این سبک ناپیمن‌تر باشد، گرایش به روابط اینترنتی بیشتر می‌شود. افزایش صمیمیت در روابط اینترنتی، تعهد را کم می‌کند ولی با افزایش تعهد نمی‌توان میزان صمیمیت اینترنتی را تعیین کرد. روابط فرازنشویی اینترنتی و غیراینترنتی از نظر ماهیت تفاوت چندانی ندارند. البته مدل من سوگیری داشت و این موضوع می‌تواند در یک نمونه دقیق‌تر بررسی شود تا بهتر دراییم عوامل موثر بر افزایش تعهد در جامعه ایرانی چه چیزهایی می‌تواند باشد.

تعهدات خانوادگی وجود ندارد و با تعریف ازدواج اساسا متفاوت است. پس در این شکل از همخانگی با نوعی رابطه مواجهیم نه نوعی ازدواج، درحالی‌که ما معتقدیم نوعی خانواده جدید به‌نام خانوادمندی در جامعه‌جديد پروجود آمده که در آن زن تنها یک موجود بیولوژیکی و صرفا برای تولید بچه و غذا نیست، بلکه ذخایر ارتباطی زن و مرد بالاتر است و هردو تصمیمات را با یکدیگر اتخاذمی‌کنند و می‌توانند برای عرف می‌تواند معنای فراوانی این پیشگامی مدیون فتوای امام خمینی(ره) است. ایشان سال‌ها پیش در سال ۱۳۳۴ به روا بودن اصل تطبیق جنس فتوا دادند اما اظهارنظر شما از ازدواج را چگونه تعریف می‌کنید؟ آیا صحه گذاشتن جامعه در آن مطرح است؟ آیا ازدواج تنها وقتی به رسمیت شناخته می‌شود که در مراسمی با صیادی بلند اعلام می‌شود و خانواده‌ها با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند؟ با این تعریف، همبایثی عرف نیست، هر چند فراوان شود.

اما دکتر سیدحسن حسینی، عضو دیگر

ازدواج سفید یا سیاه؟

بخشی از مباحث مطرح شده در نشست آسیب‌های حوزه خانواده به مسأله ازدواج سفید یا زندگی زیر یک سقف بدون ازدواج رسمی اختصاص داشت. دکتر باقر ساروخانی، جامعه‌شناس، به‌عنوان یکی از اعضای هیأت‌مدیره نشست می‌گوید: نم نام این نوع از رابطه را رابطه جنساتی می‌گذارم که در آن فرد به طرف مقابلش می‌گوید یا تو بسه خانه من بیا یا من به خانه تو می‌ایم. ازدواج سفید واژه درستی نیست، این یک نوع رابطه است که در آن شرع، عرف، مددکاری

وی‌ودریار وسخنرانی خاتم‌حسینی‌نیز می‌گوید: فضای مجازی فضای آزاد است و قطعا تبعات آن در یک جامعه آزاد با یک جامعه بسته متفاوت است. در جامعه‌آزاد نیاز به سرکشیدن برای کمتر موده‌مطالعه‌قرار گرفته‌اند. ترنس‌جندر طیف

***سید مرتضی‌موسوی-جامعه‌شناس:احساس ناامنی و نابسامانی اقتصادی در کشور، تشدیدکننده اشکال جدید روابط و زندگی خانوادگی خواهدشد**

زندگی‌های چمدانی!



واریسی آرایش دخترها یا رفتار پسرها وجود ندارد.

یکی دیگر از پدیده‌هایی که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، مسایل مربوط به ترنس‌هاست؛ کسانی که هویت جنسیتی متناقض دارند و روح مردانه‌ای در کالبد زنانه آنها پنهان است یا برعکس.

تطبیق جنسیت در ایران بر خلاف دیگر کشورهای اسلامی مجاز محسوب می‌شود و این پیشگامی مدیون فتوای امام خمینی(ره) است. ایشان سال‌ها پیش در سال ۱۳۳۴ به روا

بودن اصل تطبیق جنس فتوا دادند اما اظهارنظر شما از ازدواج را چگونه تعریف می‌کنید؟ آیا صحه گذاشتن جامعه در آن مطرح است؟ آیا ازدواج تنها وقتی به رسمیت شناخته می‌شود که در مراسمی با صیادی بلند اعلام می‌شود و خانواده‌ها با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند؟ با این تعریف، همبایثی عرف نیست، هر چند فراوان شود.

اما دکتر سیدحسن حسینی، عضو دیگر

به او اجازه چنین کاری را داد. از آن پس مسأله تطبیق جنس از نظر فقهی در ایران تسهیل و باب گفت‌وگوی حقوقی و فقهی درباره آن باز شد. سبیده یادگار درباره تجربه ترنس‌سکشوالی در خائنسواده ایرانی» تحقیق کرده است. وی می‌گوید: مرکز تفل جنسیت در ذهن است و مفهوم آن با مفهوم جنس متفاوت است. گرایش جنس مفهومی کاملاً متفاوت با جنس و جنسیت است. جنسیت یک طیف است که گروه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و در این‌میان ترنس‌جندرها کمتر موده‌مطالعه‌قرار گرفته‌اند. ترنس‌جندر طیف

سبیده یادگار با بیان این موضوع می‌گوید: زندگی این افراد به سه مرحله تقسیم می‌شود که لزوماً نباید هر سه مرحله را بگذرانند اما این مراحل با یکدیگر رابطه دایالکتیک دارند. مرحله اول زمانی است که شکافی بین عینیت و ذهنیت‌خودشان حس می‌کنند. مردم به‌شدت ناآشنای با مفهوم ترنس در میان همدردان آنهاست. مرحله سوم مرحله درمان است.

معمولاً اول در مدرسه و بعد در خانواده متوجه مشکل افراد ترنس‌کشوال می‌شوند. خانواده می‌تواند یک حلقه محافظتی دور فرد ایجاد کند تا از تحقیرها، توهین‌ها و آسیب‌های روانی اجتماعی اقتصادی در امان بماند اما از آنجا که جامعه اغلب به‌سختی این پدیده را قبول می‌کند، خانواده هم به سمت خشونت و طرد فرد ترنس می‌رود. مشکل اینجاست که اگر خانواده رضایت ندهد، این افراد نمی‌توانند به سمت درمان بروند.

***سید مرتضی‌موسوی-جامعه‌شناس:از ویژگی‌های فضای مجازی این است که ارتباطات آن می‌تواند ماندنر روابط و در رو با ثبات و عمیق شود و حتی با سرعت بیشتری ر شد کند**
***سبیده یادگار -جامعه‌شناس:خانواده می‌تواند یک حلقه محافظتی دور فرد ترنس ایجاد کند تا از تحقیر، توهین‌ها و آسیب‌های روانی اجتماعی اقتصادی در امان بماند**

***دکتر سیدحسن حسینی-جامعه‌شناس: اگر طلاق را یک مشکل یا انحراف بدانیم قادر به حل مسایل جانبی آن نخواهیم بود**

این جامعه‌شناس می‌افزاید: تفاوت معناداری میان وضعیت مردانی که می‌خواهند زن شوند و زنانی که می‌خواهند مرد شوند وجود دارد. جامعه و خانواده عموماً ترنس‌های زن را نمی‌پذیرد و آنها تبعیض مضاعفی را تجربه می‌کنند. خانواده‌ها در مراحل درمان، عمل و هورمون‌تراپی نیز بسیار موثر است را فرد بتواند با نقش جدیدش کنار بیاید و هویت خود را بازبایی کند. اکثر ترنس‌های زن ترک تحصیل می‌کنند و این اتفاق روی اشتغالشان تأثیر می‌گذارد. به‌طوری‌که اغلب با آلاچار به سمت روسپی‌گری می‌روند و کیفیت زندگیشان بسیار متفاوت از یک زن روسپی است.

طلاق، مسأله‌ای باسیاه؟

دکتر سیدحسن حسینی، جامعه‌شناس، در سخنرانی خود با عنوان «طلاق به مثابه مسأله اجتماعی» نه آسیب اجتماعی» می‌گوید: جامعه ما طی دهه‌های قبل همواره با پدیده مد مواجه بوده‌است. مد پدیده‌ای ناآورانه و متفاوت از پدیده‌های قبلی خود است اما مدشدن و مدرکدن موضوعات در حوزه آکادمیک جای سوال بیشتری دارد. ما دائماً در سخنان مسئولان سیاسی و فرهنگی گذاران و رسانه‌ها درباره مصیبت‌ا آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه بحث طلاق می‌نویسیم.

وی می‌افزاید: آسیب‌شناسی یک نگاه اندام‌وارانه به جامعه انسانی دارد. امیل دورکیم، جامعه‌شناس بنام فرانسوی، به مطالعه حقوقی برایشان پرداخته است. مانند همبایثی با پاتولوژی(آسیب‌شناختی) تقسیم می‌کند اما از دهه ۶۰-۵۰ میلادی با یک نگاه فرهنگی و نسبیست‌گرا به پدیده‌ها مواجهیم. از هر دو منظر

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۷ - ۱۱ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ - ۲۵ جولای ۲۰۱۸ - سال نود و سوم - شماره ۵۸ - ۲۷

پاتولوژیستک و انحرافات اجتماعی، طلاق یک آسیب یا انحراف به‌شمار نمی‌رود و یک پدیده نرمال است زیرا چه در نگاه ادیان و چه از نظر قانون‌گذاران به‌صورت یک حق برای افراد در نظر گرفته شده است، چنان‌که در اولین قانون مدنی ایران (مصوب ۱۳۱۳) درباره طلاق و حق می‌شود و برابری‌هایی به زنان می‌دهد.

در سال ۱۳۷۲ مجمع تشخیص صحت نظام، مجموعه پدیدهایی به‌شدت حمایت از خانواده اضافه می‌کند و در سال ۱۳۹۲ قانون خانواده وضع می‌شود. نگاه این قوانین نگاهی آسیب‌شناختی است و هرگز نشده که ما ازدواج و طلاق را امری طبیعی بدانیم و فاصله مایل این دو را مدنظر قرار بدهیم و مشکلات پیوند زن و مرد را حل کنیم یا بدانیم با مردان و زنان کودکان بازمانده از طلاق چگونه باید برخورد کرد. اگر خود طلاق را یک مشکل یا انحراف بدانیم قادر به حل این مسایل نخواهیم بود. طلاق برای جامعه‌ای مانند جامعه ما که به ماقبل و مابعد

***سید مرتضی‌موسوی-جامعه‌شناس:از ویژگی‌های فضای مجازی این است که ارتباطات آن می‌تواند ماندنر روابط و در رو با ثبات و عمیق شود و حتی با سرعت بیشتری ر شد کند**
***سبیده یادگار -جامعه‌شناس:خانواده می‌تواند یک حلقه محافظتی دور فرد ترنس ایجاد کند تا از تحقیر، توهین‌ها و آسیب‌های روانی اجتماعی اقتصادی در امان بماند**

***دکتر سیدحسن حسینی-جامعه‌شناس: اگر طلاق را یک مشکل یا انحراف بدانیم قادر به حل مسایل جانبی آن نخواهیم بود**

زندگی زنانشویی زن و مرد توجه نکرده، یک مسأله اجتماعی است.

پرسش و پاسخ

یکی از حضار که خود را استادیار دانشگاه آزاد اراک معرفی می‌کند از دکتر حسینی می‌پرسد آیا اگر میزان طسلاق در جامعه‌ای بالاتر از حد معمول رفت بازهم آسیب تلقی نمی‌شود؟

دکتر حسینی پاسخ می‌دهد: از نظر من طلاق یک حق اجتماعی است و قانون این حق را به شهروند می‌دهد که اتفاقاً وقتی تحقق پیدا کند از جنبه‌های فسادبر انگیزش دور می‌شود. خود طلاق فساد نیست ولی وقتی رابطه‌عاطفی زن و مرد مختل شده باشد، امکان ایجاد ارتباطات خارج از ازدواج بیشتر می‌شود و فساد می‌آورد.

نگار چاپچی از دانشگاه تبریز می‌پرسد: چرا دادگاه بلری را که فرزند خود را می‌کشد محکوم نمی‌کند ولی زن حتی اگر به فرزندش سیلی بزند محکوم است؟ در چنین جامعه‌ای چقدر می‌توان جلوی خشونت‌های خانگی را گرفت؟

دکتر تقی آزاد ارمکی، مدیر نشست، پاسخ به این پرسش می‌گوید: جامعه‌شناسی به ما آموزه می‌دهد که موعیات‌ها توجه کرد کنیم. شما با طرح اتفاق می‌افتد که معنای حقوقی پیدا کرده اما جنبه حقوقی برایشان نشده‌است. مانند همبایثی با پاتولوژی(آسیب‌شناختی) تقسیم می‌کند اما از دهه ۶۰-۵۰ میلادی با یک نگاه فرهنگی و نسبیست‌گرا به پدیده‌ها مواجهیم. از هر دو منظر

ارمان‌زمان‌فشمی

آگهی‌های عمومی مناقصه

سازمان حسابرسی در نظر دارد امور خدمات نظافتی و پذیرایی خود را از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های معتبر و صلاحیت‌دار که در سامانه الکترونیکی (ستاد) ثبت‌نام نموده‌اند، واگذار نماید.

خواهشمند است جهت اطلاعات بیشتر به سامانه الکترونیکی دولت (منافصه‌گر) مراجعه فرمایید.

۲۳۴۵۰

افقی:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

۱- مهم ترین شرکت خودروسازی ایرانی با نام پیشین «ایران تاسیوال» که در سال ۱۳۳۱

۲- لاس‌تیک‌اضافی «در پی‌های در فرآستان» - اسباب بازی کودکان در قدیم

۳- لنگه - از شهرهای بلغارستان - بسنده کردن
۴- رتبه‌ها - اما - تنگ چشمی - نوعی پیچ و آچار
۵- ریاضی دان سوئیسی با نام کامل نوارده - نوعی پیچ - زیر دست
۶- حقوق‌های مایه‌بان و سالیانه - چوایران...تن
۷- زبان شیرین ایرانی - تاپسند شرعی - نظرات
۸- عتکوت سمی - آزاده - پر گوئی - کندر رومی
۹- مذهب - نوعی دیگ - همبازی لورل
۱۰- قورباغه درختی - جمیع هیکل - امارن تانقلی
۱۱- حرکات ورزشی - بد گوئی شعری - فلسفه
۱۲- سنگ سبز قیمتی - جد - شخص نامین - الفت
۱۳- فرابتد، پروازش - در خشنده - قلب
۱۴- سرزمین - از چهار جهت اصلی - دوازده ماه
۱۵- خوش قد و قامت - مکتب داده گرای

عمودی:

۱- نهامت زدن - مجری برنامه نود

۲- دستگاه خود کار - یادبان کشتی
۳- شهر زیارتی - ساخته شده از جنس کریستال - نشان دادن
۴- نزاکت و فرهنگ - فیلسوف بلرده انگلیسی مخالف جنگ و پتنام - شامل همه - جاسوسخانه آمریکا
۵- خودسوداری از پرداخت و چه‌حواله‌وبرات - یادگان تهران - متخرج کوره دود آهن
۶- پدال دوچرخه - جمع حاشیهی - شهری در بوشهر
۷- موسیقیدان آلمانی - زیگفریدس - خطاب تحقیر آمیز - آنت‌فشان ایتالیا
۸- رنگ کاروان - میدان شمال تهران - هر مرتبه و پایه از دربان - ماه قوتالی
۹- غیر قابل تغییر - آشکار شدن - عی سارق!
۱۰- یکاره - وسیله تهیه چای - مقیم
۱۱- وابسته سیاسی - خدای درویش - قانون مغولی
۱۲- پسندیده - ضربه سر - یو دهنده - فارس
۱۳- از سازهای ایرانی - کشور دوگه - شلوار جین
۱۴- برج آه‌نیر فرانسه - پرید و هواخواه
۱۵- میکولوژی - فرایند پذیرش شکست

گزارش

هیأت رئیسه نشست، در جمع‌بندی سخنرانی‌های ایراد شده می‌گوید: علی‌رغم بحثی که همبایثی را عبور از ازدواج از نهاد به رابطه می‌نماید من معتقدم این روابط مطابق با عرف شده و چه‌بسا در این نوع روابط، رابطه‌عاطفی میان زن و مرد بیشتر باشد، به‌ویژه در جوامعی که اختلاط زن و مرد از دوران کودکی وجود دارد.

وی درباره سخنرانی خاتم‌حسینی‌نیز می‌گوید:

فضای مجازی فضای آزاد است و قطعا تبعات

آن در یک جامعه آزاد با یک جامعه بسته متفاوت

است. در جامعه‌آزاد نیاز به سرکشیدن برای

کمتر موده‌مطالعه‌قرار گرفته‌اند. ترنس‌جندر طیف

سبیده یادگار با بیان این موضوع می‌گوید:

زندگی این افراد به سه مرحله تقسیم می‌شود که

لزوماً نباید هر سه مرحله را بگذرانند اما این مراحل

با یکدیگر رابطه دایالکتیک دارند. مرحله اول زمانی

است که شکافی بین عینیت و ذهنیت‌خودشان

حس می‌کنند. مردم به‌شدت ناآشنای با مفهوم ترنس

در میان همدردان آنهاست. مرحله سوم مرحله

درمان است.

معمولاً اول در مدرسه و بعد در خانواده

متوجه مشکل افراد ترنس‌کشوال می‌شوند. خانواده

می‌تواند یک حلقه محافظتی دور فرد ایجاد کند تا

از تحقیرها، توهین‌ها و آسیب‌های روانی اجتماعی

اقتصادی در امان بماند اما از آنجا که جامعه اغلب

به‌سختی این پدیده را قبول می‌کند، خانواده هم به

سمت خشونت و طرد فرد ترنس می‌رود. مشکل

اینجاست که اگر خانواده رضایت ندهد، این افراد

نمی‌توانند به سمت درمان بروند.

این جامعه‌شناس می‌افزاید: تفاوت معناداری

میان وضعیت مردانی که می‌خواهند زن شوند و

زنانی که می‌خواهند مرد شوند وجود دارد. جامعه

و خانواده عموماً ترنس‌های زن را نمی‌پذیرد و آنها

تبعیض مضاعفی را تجربه می‌کنند.

خانواده‌ها در مراحل درمان، عمل و هورمون‌تراپی

نیز بسیار موثر است را فرد بتواند با نقش جدیدش

کنار بیاید و هویت خود را بازبایی کند. اکثر

ترنس‌های زن ترک تحصیل می‌کنند و این اتفاق

روی اشتغالشان تأثیر می‌گذارد. به‌طوری‌که اغلب

با آلاچار به سمت روسپی‌گری می‌روند و کیفیت

زندگیشان بسیار متفاوت از یک زن روسپی است.

طلاق، مسأله‌ای باسیاه؟

دکتر سیدحسن حسینی، جامعه‌شناس، در

سخنرانی خود با عنوان «طلاق به مثابه مسأله

اجتماع

اطلاعات

شاعران ایرانی کشمیر

دکتر سید انوار احمد	بخش چهارم
<div>کلم کشانی هم مانند «قدسی» به عوض نظم اشعاری به مناسب مواقع باهمبخت و مسرت افزا، انعامات گرفت به دست آورد. یک بار بوز «قرن‌العینین» یعنی نوروز و عبدالغفر که همان روز شاه‌جهان از کشمیر به اکبر آباد معاودت نموده بود و بر تخت طاووسی که به منارخ یک کور روپیه فراهم آمده بود، جلوس فرموده و کلم یک قصیده غزّ را تهنیت عیدین و توصیف تخت مذکور به حضور سلطان صاحبقران انشاد کرد. مطلع قصیده هذ به‌قرار ذیل می‌باشد:</div>	
<div>خجسته مقدم نوروز و غرّه شوال</div>	

شاه‌جهان هنرپرور و جوهرشناس بود. این شاهکار شعری وی را قدردانی کرده، پنج‌هزار و پانصد روپیه به‌او ارزانی داشت. وقتی سلطان ترکستان به‌نام شاه‌جهان یک مرقومه اکرده کرد بدین موجب او را هدف اعتراض و ایراد قرار داده بود که به اسم خود عنوان «شاه‌جهان» افزوده است، درحالی‌که حد و حصر مملکت شاه‌هند از مرز هند بیرون تجاوز نکرده است. همین‌که کلم از ایرادگیری والی ترکستان آگاهی یافت، او در جواب این خطاب شعر ذیل را سرود که خیلی شگبک و معنی خیز می‌باشد:

هند و جهان ز روی عدد چون برابر است
بر من خطاب شاه‌جهان زآن مقرر است
شاه‌جهان از بداهت و سرعت ذهن کلم خیلی مسرور گشت و این بیت را در جواب مکتوب سلطان ترکستان فرستاد و شاعر مزبور را به‌جایزای خطیر سرفراز فرمود.

چندی بعد کلم به‌سال ۱۰۳۴ هجری مطابق ۱۶۳۹ در مصاحبت شاه‌جهان به‌کشمیر درآمد و از ظرافت و شادابی سبزه و گلهای این سرزمین و از جلوه‌های طرب‌انگیز این قطعه‌ارض آنقدر شیفته و سحرزده گشته بود که از شاه موصوف برای بقیه زندگانی خود را آنجا گذراندن تقاضا نمود. شاه‌جهان خواهش وی را پذیرفت و سرانجام آنجا ماندگار شد و در نظم‌کردن «شاهنامه‌شاه‌جهانی» خودرا مشغول کرد تا اینکه هجده‌جا به‌سال ۱۰۶۲ هجری مطابق ۱۶۵۱ به‌رحمت حق پیوست. کلم با ظفر خان احسن ربط و قرابت می‌داشت و در ایام اقامت وی در کشمیر ظفر خان او را مورد تقویت و حمایت قرار داد.

فرد نظر از غزلها، کلم مثنوی‌های متعدد سرپاییده است. در خصوص تعریف کتاب ابد قحط دکن، صعوبت راه کشمیر، علاوه بر «پادشاهنامه» که نامکمل مانده، مثنوی‌ها دارد و مانند قدسی و میر الهی در تعریف کشمیر هم مثنوی سروده است. ابیات مختص به مدح ظفر خان احسن از یک مثنوی کلم که درباره تعریف کشمیر گفته شد اینجا نقل می‌کرد:

چمن‌پسرای باغ عدل و احسان
جهان خلق، نواب ظفرخان
سحاب لطف‌او تاشد گهر گل
گل است آشفته از همجشمی خار
چو احسانش به‌حال خلق پرداخت
دل کان و کف دریا تهی ساخت
به حسن خلق او یوسف خریدار
به خاتم داری‌اش، حاتم سزوارو



مجالس شعری که تحت توجهات ظفرخان احسن معقد می‌شد، خیلی جالب و نشاط‌انگیز می‌بود. او خود یک شاعر مینم طراز و نازک‌خیال بود و شعرای را که توسل به دربار او می‌جستند، به دلگرمی حمایت می‌کرد. در بعضی تذکرها یادآوری شده است که روزی در مجلس ظفر خان، صائب تبریزی و میرزا ابوطالب یک‌سختن سرایی می‌کردند. در اثنا شعر گوئی، ظفرخان پیشنهاد کرد که بیتی در وصف لبی که زخم دندان خورده‌اشد، مبرور فکر سخن قرار باید داد. به‌موافقت هدایت‌خان والامقام آلا کلم این مطلع را ازتجالد گفت:

زخم دندان خوب‌تر کرد آن لب پر خنده را

قیمت آری، بیش می‌باشد عقیدت کنده را
جمع حضار مجلس بر این بیت صدای آفرین کردند. سپس میرزاصائب هم یک بیتی در جواب این نکته‌وری به‌قرار ذیل طرح کرد:
باشد به لیش نشن ندانان
نقشی که بد معا نشیند
این بیت هم مورد ستایش و تحسین جمله اهل مجلس شد. کلم را از این جواب صائب تقریباً تحت احساس شکست‌خوردگی آمد؛ ولی حواس خود را جمع کرد و بلا تأخیر این شعر انشاد کرد:

پیش این جوهریانی که در این باره‌ها گفت:

قیمت رشته فزون‌تر بود از گوهر ما
صائب از شعر مزبور خیلی ناراحت شد و آخرالامر این شعر بدایهه را پیش مجلسیان خواند:

تیرمروزی بین که می‌خواهد کلم بی‌زیان

همین‌که این بیت از صائب شنید کلم بی‌حد رنجیده‌گشت. صائب هم آماده به‌تخاص بود؛ ولی سعی صلح‌جویانه ظفرخان از این فتنه مانع آمد.

کلم اگرچه در جمله اصناف سخن طبع آزمایی کرده است و به‌ویژه در مثنوی‌سرایی و قصیده‌گوئی چیره‌دستی او شایسته تحسین می‌باشد و این صنوف سخن لزومات واقع‌هنگاری را به‌کمال هنرمندی به‌لحاجم رسانده است. در واقع‌هنگاری کلم توصیف طبیعت و تصویر اوضاع و الوان موسم‌ها را هدف سخن گوئی قرار داده است. مخصوصاً احوال و کویاف صیف و شتابهار و خزان، سختی و رنج سفر را به‌شبهه مؤثر تبیین نموده‌است. ولی ویژگی‌های هنر سخن‌سرایی او در صدف غزل خوب‌تر می‌درخشد و اختصاصات غزل‌های او مانند غزل‌های شعری معاصر او مبنی بر معنی آفرینی، خیال‌پردازی، تمثیل، ایجاز، ابهام و غیره می‌باشد. یکی از غزل‌های مثلاً درج ذیل می‌گردد:

پیری رسید و موسم طبع جوان گذشت
تاب تن از تحمل رطل گران گذشت
وضع زمانه قابل دیدن دور بود؛ نیست
روپس نکرده‌هر که از این خاکدان گذشت
در راه عشق گریه‌ه خنک از نداشت
صد بار از کنار من این کاروان گذشت
طبعی به هم رسان که به‌ساز به عالمی
با همی که از سسر عالم توان گذشت
در کیشت ما تجسّد ماعنات نیست
در بنبد نام‌ماند اگر از نشان گذشت
بدنامی حیات و روزی بسود بیش
آن‌هم کلام و باتو بگویم چه‌سان گذشت:
یک‌روز صرف بسنن دل شد به آن و این
روز دگر به کند دل زین و آن گذشت

میر الهی

پیر عمادالدین ولد محمود امیر حجت اله حسینی معروف به‌میر الهی اصلاً از همدان بود و در اسدآباد من مضافات همدان تقریباً به سال ۹۹۴هجری مطابق ۱۵۸۵ با به‌عرصه حیات گذاشت. به قصد فراگرفتن علوم فایق و فراتر به شیراز رفت و تحمیباً سه و نیم سال آنجا در تصبيلات اشتغال ورزید. چند عید روی عراق حرکت کرد. میر الهی با فکر و فعالیت نظفقریان قریت می‌داشت و واقعاً از خوف مکافات این فکر و عمل کفرآمیز، خود را نجات‌دادن به‌راه کابل و قندهار به سال ۱۰۶۱ هجری به‌اکره وارد شد؛ ولی کعب بعد به اسباب‌باگریز از اینجا گجبارا به کابل مراجعت کرد؛ ولی بار دوم به سال ۱۰۶۴ هجری به‌اکره ورود کرد. میر الهی به فضل و کمال آراسته بود و ذوق و قریحه شعری وی را تذکر نویسنان مورد ستایش و تحسین قرار داده‌اند.

گلرخسار صفی‌اوا، شاعر، رمان‌نویس، روزنامه‌نگار، پژوهشگر ادبیات عامه و فعال فرهنگی و اجتماعی، از ادیبان نسل چهارم معاصر تاجیک هفتم دسامبر ۱۹۴۷ در روستای پنج، ناحیه کوموسول‌آباد/کاسمال‌آباد (از سال ۲۰۰۳ زاریاباد)، از توابع تاجیکستان، مدتیاً آمد. پس از گذراندن آموزش‌های مقدماتی در زادگاهش، سال ۱۹۶۳ به دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، رفت و تحصیل در رشتهٔ زبان و ادبیات تاجیکی را در دانشگاه ملی آغاز کرد و در سال ۱۹۶۸ دانش‌آموخته شد. فعالیت‌های ادبی، علمی و فرهنگی وی از همین دوره آغاز شد؛ اما ارج آن را باید به سال ۱۹۷۰ مربوط است.

گلرخسار در ۲۳ سالگی (۱۹۷۰) نخستین مجموعه شعرش را در دوشنبه با نام *بنفشه* و با مقدمهٔ باقی رحیم‌زاده (۱۹۱۰–۱۹۸۰)، شاعر تاجیک، به چاپ رساند. در سال ۱۹۷۱ این مجموعه با ترجمهٔ روسی در مسکو منتشر شد. عضویت وی در *کانون نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی و اتحادیهٔ نویسندگان تاجیکستان* از همین سال بود. از آن سال تاکنون بسیاری از آثار منظوم و منثور، ترجمه‌ای و پژوهشی وی در قالب ده‌ها اثر علمی، تحقیقی، ادبی و شعری به دو زبان فارسی و تاجیکی و روسی در کشورهای تاجیکستان، روسیه و ایران به چاپ رسیده است. شهرت گلرخسار در ایران به شاعری است؛ این در حالی است که وی از سال ۱۹۹۰ با انتشار رمان «زنان سبزبهار»، خود را در مقام نخستین بانوی رمان‌نویس در تاجیکستان و خراسان بزرگ (آسیای مرکزی) به اهل ادب شناسانده و با انتشار رمان *سکرات*، در سال

۲۰۰۹ (چاپ به خط فارسی در تهران به سال ۲۰۱۰) ـ که نگارش آن را از زمان چاپ نخستین رمانش آغازیده بود ـ علاقهٔ خود را بر رمان‌نویسی پیکری کرده بود. گزیدهٔ آثار گلرخسار، همانند دیگر ادیبان نامدار تاجیک، به بیشتر زبان‌های جمهوری‌های شوروی و برخی دیگر از زبان‌ها از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، چکی، چینی، اسپانیایی، بلغاری و رومانیایی ترجمه شده است. گلرخسار از فعالان حوزهٔ فرهنگ در تاجیکستان و از زنان تأثیرگذار جمهوری‌های آسیای مرکزی به شمار می‌رود.

گلرخسار و محیط ادبی ایران
هرچند آشنایی نزدیک و گستردهٔ ایرانیان با تاجیکستان را در دورهٔ معاصر باید به زمان فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آن در سال ۱۹۹۱ مربوط دانست، تاجیکان از زمان مهاجرت ابوالقاسم لاهوتی (۱۸۸۷–۱۹۵۷) در سال ۱۹۲۲ به مسکو سپس اقامت در تاجیکستان از سال ۱۹۲۵، ایران معاصر را بیشتر از دریچهٔ نگاه لاهوتی می‌شناختند. پس از شکل‌گیری جمهوری‌های شوروی در آسیای مرکزی (۱۹۲۴)، رفته‌رفته روابط ایران با این منطقه قطع و به مسافرت بسیار محدود هیأت‌های رسمی ایرانی از طریق مسکو ختم شد. با این‌همه، برگزاری نخستین سمپوزیوم شعر فارسی، ۲۸–۲۷ دسامبر ۱۹۶۸/۵۷-۷۶ در شهر دوشنبه در آشکاردن شاعران محیط‌های ادبی فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان با یکدیگر تأثیر عمیقی بر جای گذاشت.

در این همایش شخصیت‌های برجستهٔ ادبی ایران و افغانستان از جمله نائل خالری (۱۲۹۲–۱۳۶۹)، غلامحسین یوسفی (۱۳۰۶–۱۳۹۰)، نادر نادریو (۱۳۰۸–۱۳۷۸)، لطفعلی صورنگر (۱۲۹۷–۱۳۴۸)، نجیب مایل هروی (تولد ۱۳۲۹ش در هرات)، خلیل‌الله خلیلی (۱۲۸۶–۱۳۶۶) و دیگران شرکت داشتند. رستم وهاب در مقدمهٔ کتاب *ابوی جوی مولیان*، شعر معاصر تاجیکی «تهران، انجمن شاعران ایران، ۱۳۶۲) به ارزیابی این همایش پرداخته و در همین آن نوشته است: «موضوع اصلی بحث و بررسی‌ها در آن سمپوزیوم مسائل نظری و علمی شعر نو بود. می‌توان گفت که پس از این همایش، روابط ادبی، به‌خصوص در زمینهٔ تبادل تجارت ادبی و انتشار کتب به‌صورت متقابل وارد مرحلهٔ جدید شد (ص ۲۹). با مرگ استالین (۱۸۷۸–۱۹۵۳) و روی کار آمدن نیکیتا خروشچف (۱۸۹۴–۱۹۷۱) تغییرات شگرفی در سیاست‌های فرهنگی داخلی و خارجی شوروی ایجاد شد. نسل سوم ادبیات تاجیک همسو با شاعران اروپاین سر تا سر نشو و نما دههٔ هشتاد که به «دههٔ هشتی‌ها» معروف هستند، توانستند به آزدی‌های نسبی دست یابند. «فرش خروشچی» تأثیر مستقیمی در شکل‌تاجیک‌دانش و باعث بازگشت شاعران تاجیک به بازخوانی ریشه‌های کهن و افزایش شناخت آنها از جریان‌های فرهنگی جاری در ایران و افغانستان شد. این روند در دهه نود سدهٔ بیستم و با روی کار آمدن میخائیل گورباچف و اجرای دو برنامهٔ پرسترویکا (بازسازی اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوت (فرازی با سیاسی) شدت گرفت و با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ با آوچ خود رسید و مردمان دو سوی چیچون پس از هفتاد سال دوری یک بار دیگر به هم نزدیک شدند.

نخستین آشنایی گلرخسار با شاعران معاصر ایران در آلمان اتفاق افتاد. وی این سفری که به منظور شرکت در «مجالس شعر فارسی» در آوریل ۱۹۹۰/ فروردین ۱۳۶۹ به این کشور رفته بود، در «خانهٔ فرهنگ کابل» یا مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷–۱۳۹۶)، محمود دولت‌آبادی (تولد ۱۳۱۹ش)، هوشنگ گنیشیری (۱۳۷۱–)، بزرگ علوی (۱۲۸۲–۱۳۷۵)، محمدرضا شفیعی کدکنی (تولد ۱۳۱۸ش) دیدار کرد و با تنی چند از بزرگترین شخصیت‌نرین نویسندگان و شاعران معاصر ایران آشنا شد. در آن دیدارها، اخوان یک بیت شعر به گلرخسار تقدیم کرده بود:

به شام ما غریبان چون شفق گل کرد گلرخسار
سما را پر شمیم سر سبیل کرد گلرخسار
اخوان ثالث در گفتگو با «نیای سخن» به این موضوع اشاره کرده است (اخوان ثالث، مرداد و شهریور ۱۳۶۹): «بغیر می‌رسد این گزارش نخستین سند شکتوب دربارهٔ گلرخسار در ایران باشد. بعدتر شفیعی کدکنی در کتاب *احالات و مقامات*، «مید» به این دیدار پرداخته و از احساسات ایران‌دوستانهٔ این شاعر روایتی دلنشین ساخته و پرداخته است. در توکی او روزها باقی‌میرد به برلن شرقی و به دیدار بزرگ علوی که خود از لهیهای شعر در قصبه، در همهٔ شب‌ها می‌خواند. او را دعوت کرد به منزلش برویم و رفیق با خاتم گلرخسار، شاعر تاجیکستانی، روز بسیار خوبی بود [...] احساسات ایرانی خاتم گلرخسار و رای معیارهایی بود که ما در میان خودمان داشته‌ایم و داریم» (شفیعی کدکنی، ۸۳: ۱۳۹۰).

شور و هیجان یاباجنده در نیمهٔ دورهٔ دهه‌تاد که دورهٔ گورباچف، فضای بسیار زاری را در شوروی ایجاد کرد. گلرخسار این بار، و برای بار نخست، با دعوت کانون نویسندگان گودکان و نویسندگان ایران در سوم اکتبر ۱۹۹۰/ ۱۱ مهر ۱۳۶۹ در مقام نمایندهٔ پارلمان شوروی به ایران سفر کرد و با کولاری از خاطرات سبز به تاجیکستان بازگشت. به قول خودش در این سفر، زمینهٔ ملاقات حیاتی از ایران را در شوروی در همین سال آماده کرد. در سالنامهٔ زندگی شاعر به این واقعهٔ این‌گونه اشاره شده است: «میزبانی میزبان ایران، در کاخ گرملین برای آقای هاشمی رفسنجانی و [سید محمود] داعی و هیأت همراه (گلرخسار، ۱۳۹۵: ۱۳۰، ۱۳۱). این سفر انعکاس خوبی در مطبوعات ایران داشت و باعث شد فضای ادبی آن در آستانهٔ فروپاشی شوروی با حال و هوای تاجیکستان بیشتر آشنا شود. نشریهٔ «آدینه» در شمارهٔ ۵۱۵۰ خود گفتگو کوتاه با گلرخسار انجام داد و آن را نام «گفتگو با خاتم گلرخسار شاعر تاجیک» (۱۳۶۹: ۵۷۰) منتشر کرد. روزنامهٔ اطلاعات در تاریخ پنج‌شنبه ۵ مهر ۱۳۶۹، گزارش از دیدار گلرخسار از مؤسسهٔ اطلاعات را با نام «دیدار شاعر پارسی‌گوی نمایندهٔ مردم تاجیکستان در پارلمان مسکو» به چاپ رساند. با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های پنج‌تای آسیای مرکزی، روابط ایران با منطقهٔ سر تصاعدی گرفت و با افتتاح نمایندگی‌های رسمی سیاسی و فرهنگی در میان کشورها و در خلال گسترش روابط اقتصادی، شناسایی شاعران و ادیبان دو کشور از یکدیگر افزایش چشمگیری یافت. چاپ گزیدهٔ اشعار، داستان‌ها، نثرها و مصاحبه‌های ادیبان تاجیک در ایران در دههٔ گذشته استقلال به گونهٔ چشمگیری فضای ادبی ایران را برای حضور همزبانان

ایران‌شناسی

فراموش شده مهیا کرد و در مقابل، میراث ادبی شاعران و ادیبان گوناگون ایران را به آن سوی چینون کوچاند. این تعامل دوجانبه تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری جریان‌های مشترک ادبی در فضای فارسی‌زبانان ایجاد کرده به‌گونه‌ای که پیش‌از ادبی تاجیکان را یک بار دیگر به سرچشمه‌های اصلی آن نزدیک کرد و از این طریق ظرفیت‌های جذبتی را در حوزه‌های صورت و محتوا در اختیار آنان قرار داد. بی‌تردید در قالب ده‌ها اثر علمی، تحقیقی، ادبی و شعری به دو زبان فارسی و تاجیکی و روسی در کشورهای تاجیکستان، روسیه و ایران به چاپ رسیده است.

توصیفاتی که ما از شخصیت شاعر در مقدمهٔ کتاب‌ها و در خلال گفتگوهایش با مطبوعات ایران دیده و خوانده‌ایم، با دیگران وی را به ویژگی‌ها متصف کرده‌اند، نگارندهٔ پیش از هر صفت و ویژگی برای گلرخسار، شورانگیزی و کلام پراحساس» را برجسته یافته است: از اخوان ثالث و شفیع کدکنی گرفته تا علی موسوی گرمارودی و سیمین بهبهانی که هر کدام نخستین مواجههٔ خود را با وی چه پراحساس توصیف نکرده‌اند. این شور و احساس و جذبیهٔ هنری و خرج بیان هنرمندانهٔ تاریخ و فرهنگ مشترک ایرانی‌تباران و فارسی‌زبانان شده، تأثیر جدجندان خود را بر شیفتگان

سیری در زندگی و آثار گلرخسار، بانوی نخست شعر و ادب تاجیکستان



دنیای یگانگی‌ها گذاشته است. تمام زندگی شاعر را می‌توان در همین چند واژه خلاصه کرد: احساس، شورانگیزی، ایرانی‌زادان و وطن‌مشترک آنان.

سیمین بهبهانی در مقدمهٔ کتابش بر مجموعه اشعار شاعر (تهران:نگاه، ۱۳۶۵: ۱۷۰–۱۷۱) پس از ذکر دیدار اخوان با یو در تیرماه ۱۳۶۹ در آلمان و توصیف «کلام پراحساس ولهجهٔ شیرین» وی از زبان اخوان، دربارهٔ شعرهای وی می‌گوید: «از شعرش بگویم: نه غزل است و نه قصیده، نه رباعی و نه قطعه و نه مثنوی و مسقط و نه شعر نیمایی. آمیخته‌ای از همهٔ اینهاست. چیزی که خود آن را آفریده و خاص خود اوست». آنچه در این سروده‌ها به حد کمال آشناست، احساس بسیار قوی اینهاست که در و رابطهٔ همهٔ واژه‌ها را آسان و شورانگیز می‌کند.» (همان، ۱۶۶: ۵۸).

اشارات شاعر در مقدمهٔ کتابش منبعی بسیار غنی برای شناخت دغدغه‌ها، آرزوها، جهان‌اندیشی و خلق و خوی شاعر است. شاعر در «چهارضرب» (همان، ۵۷۶) شخصیت خود را برای مخاطب توصیف می‌کند: مغرور، اما منجیب و بخشنده با قلبی خالی از کینه؛ کسی که هرگز حاضر نیست در مقابل دشمن سر تعظیم خم کند و تسلیم شود. این جنبه از شخصیت شاعر را باید شخصیت اجتماعی و انتقادی شعر دانست که در جای‌جای اشعارش انعکاس یافته‌است. اگر بخوایم براساس همین اشعار تقی‌برای انتشار کتاب *کیتب*، «شاعر دردهای ملی» بسیار بجاست: قسمت در اشک خود غریقند/ اندر آه خود تردیدن/ از سوز مل مردم در/ خود غریزان ویرانه/ برایم نیست یگانه/ ولی نه در حضور میر موشان/ نه به بزم دست‌آموزان شیطان/ نه به دید گشته میهن/ فرزانده‌ها!

شاعر در شعر «اشک توفان» به غرور مردانه‌اش این‌گونه اشاره کرده است: آری، آری، /قصهٔ مردانگی‌ام/ یک جهان نامرد را نان می‌دهد. (همان، ۵۸).

شاعر در «سرنوشت» یکسره به ستایش خود و بیان دغدغه‌های زندگی‌اش می‌پردازد و برای یاکانه فرامردمی‌ها آورد: در عتاب امتحان خودشناسی یا وفا ابیات کردم که در زیر دارها/ در پنجهٔ کفتارها/ بی‌پایک بودن می‌ترانم. / در شنجخ مردم خاکی و در تزویر ناپاکی/ وارث افلاک بودن می‌توانم. (همان، ۵۹).

با این همه می‌داند سرنوشتی «پیشچده» به‌یلا دارد و گریزی از این همه درد برای وی تصور نمی‌توان کرد: شعر درد است/ شعر درد است/ نامهٔ اندوه من/ جوابی آسان و جهان دیگر آسان!/ شاعری گر سرنوشت است/ شاعری گر قسمت است/ قسمتی چون قسمت من/ در بلا پیشچده هست؟ (همان، جا).

از ویژگی‌های دیگری که شاعر در شعرش این خوشنشین قائل شده، عاشقانه‌سراییهای اوست، هرچند این عاشقانه‌ها در مقابل شعرهای اجتماعی شاعر کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کنند: من آن خانه‌به‌دوشم که دوش زبانی بیان همه/ بر آن نشانهٔ من بود/ من آن شاعر غمگن که نامهٔ عاشقانهٔ یک نسل/ شعر عاشقانهٔ من بود (همان، ۵۱۰).

سالنامه زندگی شاعر
این سالنامه بر اساس گفتگوی مفصل شاعر با محمدجواد آسمان در سال ۱۳۸۹ (نیمهٔ جمعیهٔ شعر، تهران: ۱۳۹۳: ۵۸۷)، زندگینامهٔ شاعر مندرج در ترجمهٔ اشعار (تهران:نگاه، ۱۳۹۵: ۳۷۷–۳۷۴) و اطلاعات دیگر استفاده شده در منابع طرح تنظیم شده است: ۱۹۵۳ ـ هفتم دسامبر، تولد در روستای پنج، ناحیهٔ کوموسول‌آباد (نورآباد کنونی) تاجیکستان. ۱۹۵۳ ـ آغاز تحصیل در مکتب‌خانهٔ سنتی روستای زادگاه. ۱۹۶۲ ـ سرودن نخستین شعر با موضوع بهار؛ چاپ نخستین شعر با موضوع تاجیکستان در روزنامهٔ محلی ناحیهٔ قرم در یازده سالگی. ۱۹۶۳ ـ آغاز تحصیل در دانشگاه ملی؛ ریاست محفل دانش‌جویی ادیبان جوان تاجیکستان؛ آغاز روزنامه‌نگاری در روزنامهٔ جوان تاجیکستان. ۱۹۶۹ ـ آشنایی نزدیک با میخائیل شولوخوف، نیکلا تخیچونوف، چنگیز آیماتوف و دیگر شاعران کلاسیک روس در شوروی. ۱۹۷۰ ـ انتشار کتاب بنفشه، نخستین مجموعه شعر شاعر در ۲۳ سالگی. ۱۹۷۱ ـ انتشار ترجمهٔ روسی کتاب بنفشه در مسکو،

برگزیدهٔ پنجدهم همایش نویسندگان شوروی؛ عضویت در کانون نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی.

۱۹۷۲ ـ انتشار کتاب خانهٔ پدر، برندهٔ جایزهٔ ادبی جوانان تاجیکستان.

۱۹۷۳ ـ انتشار کتاب سرود چشمه‌سار، ترجمهٔ برخی از سروده‌های شاعر به فارسی روسی.

۱۹۷۵ ـ انتشار کتاب افسانهٔ کوهی.

۱۹۷۷ ـ انتشار کتاب دنیای دل.

۱۹۷۸ ـ انتشار کتاب نوروز در مسکو، ترجمهٔ برخی سروده‌های شاعر به روسی.

۱۹۸۰ ـ انتشار کتاب اخلاص.

۱۹۸۱ ـ انتشار کتاب آتش شغه؛ انتشار ترجمهٔ روسی کتاب گفتگو سبز در مسکو.

۱۹۸۲ ـ انتخاب به سمت معاونت اتحادیهٔ نویسندگان تاجیکستان (تا ۱۹۸۵).

۱۹۸۳ ـ انتشار کتاب *کیک‌ها* در مهمانی، ترجمهٔ برخی پراحساس» را برجسته یافته است: از اخوان ثالث و شفیع کدکنی گرفته تا علی موسوی گرمارودی و سیمین بهبهانی که هر کدام نخستین مواجههٔ خود را با وی چه پراحساس توصیف نکرده‌اند. این شور و احساس و جذبیهٔ هنری و خرج بیان هنرمندانهٔ تاریخ و فرهنگ مشترک ایرانی‌تباران و فارسی‌زبانان شده، تأثیر جدجندان خود را بر شیفتگان

انتشار ترجمهٔ روسی کتاب بر تو در مسکو؛ انتشار کتاب

سیری در زندگی و آثار گلرخسار، بانوی نخست شعر و ادب تاجیکستان

در این میان، مجموعه نسبتاً کاملی که از اشعار گلرخسار در تهران به خط فارسی و با مقدمهٔ سیمین بهبهانی (۱۳۰۶–۱۳۹۳ش) با نام «مجموعهٔ اشعار» (تهران:نگاه، ۱۳۵۰) به چاپ رسیده، هم از نظر حجم و هم از نظر بخش‌بندی و داشتن تاریخ و مکان سرایش اشعار با بقیه متفاوت است. این مجموعه ۷۵۲ صفحه است و گزیده‌ای نسبتاً کامل از شعرهای شاعر را در فاصلهٔ سالیان ۱۹۷۲–۲۰۱۰، یعنی از بیست‌وپنج تا شصت‌وسه سالگی وی در بر گرفته است. در این مجموعه نیز شاعر در فروپاشی شوروی و دورهٔ پینشاستقلال، دورهٔ شوروی (۱۹۷۲–۱۹۹۰) با انتخاب آگاهانه‌ای که از شعرهای خود داشته، مانند نخستین مجموعهٔ شعر چاپ شده در ایران (تهران: الهی، ۱۳۷۳)، مخاطب را از آشنایی روپارو با اندیشهٔ خود در دورهٔ شوروی محروم کرده است؛ هرچند با توجه به فضای فکری حاکم بر شوروی، می‌توان به‌راحتی به مضامین پرترکار میراث ادبی شاعران این نسل دست یافت. هرچه هست، شاعر در این انتخاب قصد داشته است مخاطب ایرانی را با شاعری آشنا کند که نخست همسو با بسیاری از جریان‌های شعری شکل گرفته‌در فضای شوروی عقایدی داشته و براساس آن عقاید، اشعاری سروده است که با فروپاشی شوروی و تغییر زمانه و به‌تبع آن دگرگونی دستگاه اندیشگی شاعر، تاریخ مصرف آنها نیز تمام شده است؛ بنابراین لزومی ندارد با بازچاپ آنها روح خود و مخاطبانش را بیازارد و برنچاند.

در این بخش فهرست اجمالی کتاب‌های مستقل چاپ‌شدهٔ شاعر یا دربارهٔ شعر و زندگی گلرخسار در ایران به ترتیب سال نشر آورده می‌شود:

– گلچینی از اشعار گلرخسار صفی‌اوا. برگردان از الفیای کریل به فارسی میرزا شکورزاده. تهران: الهی، ۱۳۱۴.

– زادروز درد. تهران: بنیاد نیشاور، نشر بلغ ۲۹۵.

– اشک طوفان: گلچین اشعار گلرخسار صفی‌اوا، شاعر تاجیک. برگردان از الفیای کریل به فارسی میرزا شکورزاده. تهران: میرخانهٔ شورای کنترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۷۲.

– تنهاتر از تنهائی: گلچین اشعار گلرخسار صفی. تهران: الهی، ۱۳۷۵.

– مجموعه اشعار گلرخسار، با مقدمهٔ سیمین بهبهانی، تهران:نگاه، ۱۳۵۲.

– یک پنجره مهر. گزیدهٔ غزل‌های گلرخسار صفی، شاعر تاجیک. گرینش و برگردان از سیریلیک محمدجواد آسمان. تهران: نشر ثالث، ۱۳۷۶. (۱۳۹۵)
– حسنی، طاهره (۱۳۹۵). «نگاهی به شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌اوا، شاعر تاجیک، تهران: نشر قاترن ۱۲۷ص، (۱۳۹۵).

۲-پایان‌نامه

– معنی: یاسمن (۱۳۹۱). بررسی سبک‌شناسانهٔ اشعار گلرخسار صفی‌اوا. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر شیرزاد طایفی. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی. ۲۳۰ص.
– معنی در این پایان‌نامه ۵۵، شعر شاعر در قالب‌های غزل، قطعه، رباعی، مستزاد، سطر، ترجیع‌بند، شعر نو و سپیدار (از سه دفتر شعر تنهاتر از تنهائی، اشک طوفان، گلچینی از اشعار گلرخسار) انتخاب کرده و آنها را با رویکرد سبک‌شناسانه در سه سطح ادبی، زبانی و فکری بررسی کرده است. پژوهشگر ضمن بررسی سبک‌شناسانهٔ شعر، غزل‌گریزه در دو سطح ادبی و زبانی، موضوعات وطنی، عشق، غم و تنهائی، و روحیهٔ ابدولوازه را در سطح فکری یاسمام‌پیشتری یافته‌است. براساس این تحقیق، تبلیغ اصول اخلاقی با رنگ و بوی عرفان، طبیعت، زن و مشکلاتش از دیگر موضوعات برجستهٔ شعر گلرخسار است.
– ظهورآرپیکگی، ناعبد (۱۳۹۴). مقایسهٔ مؤلفه‌های فکری در اشعار پروین اعتصامی و گلرخسار صفی‌اوا. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر طاهره صادقی تحصیلی. دانشگاه لرسان، دانشکدهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشجو در این پایان‌نامه مؤلفه‌های فکری پرچین اعتصامی را در موضوعاتی از قبیل خداجویی، عشق الهی، مسائل مربوط به زنان، مادرانگی، عواطف بشرودستانه، حمایت از محرومان، ستایش دانش و ادب، ستیز با جهل و آشنایی با جهان‌بینی شاعر بررسی کرده است. وی ویژگی‌های فکری گلرخسار را در موضوعاتی از جمله خداجویی، خردمندی، جهل‌ستیزی، مرگ‌اندیشی، و باور به قدرت خلاصه کرده است. پژوهشگر در بخش مقایسهٔ دو شاعر، وطن‌خواهی شاعر تاجیک را از برجستگی‌های شعر وی دانسته و به جدایی از وطن فرهنگی، معنوی، یعنی ایران اشاره کرده است. عشق زمینی، نوستالژی درخت‌نهای، مسائلی زنان و نرجهای آنان، و به‌رهمندی از غایت‌های جسمانی شاهنامه از دیگر ویژگی‌های فکری شاعر تاجیک برشمرده شده‌است.

– گفتگو با خاتم گلرخسار، شاعر تاجیک».(مهر ۱۳۶۹) آدینه (ش ۵۱۰، صص ۷۶).
– نامهٔ شاعران گذشتیم و به حضرت حافظ پیوستم» (مهر ۱۳۶۹) آدینان (ش ۱۰، صص ۵۴، ۵۵).
– «زبان فارسی: زبان شعر» (آبان ۱۳۷۲). کیهان فرهنگی (س ۱۸، ش پایایی ۱۰۳، صص: ۸۶).
– «ابوی جوی مولیان»، تاجیکی آبا دو شعر در فرهنگ. ش ۷، صص ۱۰۰، ۵۱.
– «علم جدید در خدمت صلوح بشر به سمت حقیقت» (فروردین ۱۳۷۳) نشر. ش ۱۱، صص ۵۴–۵۵.
– ژ گفتگو با خاتم گلرخسار شاعر معاصر تاجیکستان(ناستانت ۱۳۷۵). نامهٔ پارسی. ش ۱، صص ۱۰۶، ۱۱۶.

– عجمی، رستم (خرداد ۱۳۸۷). «منشور ادبیات، (دربارهٔ کتاب گلرخسار صفی‌اوا و چند شعر از او). شعر. ش ۵۷، صص ۴۵–۴۶.

– طایفی، شیراز و یاسمن نعمتی (۱۳۹۳). «بررسی تحلیلی مشخصه‌های زبانی اشعار گلرخسار صفی‌اوا» هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، زنجان. انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. مشاهده در تاریخ ۱۰ آفرورد ۱۳۹۶

– اکبری بیرق، حسن و مریم اسدیان (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی کاربرد اسطرره و کهن‌گن را در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی اوا (شاعر تاجیک)».

پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس. دورهٔ ۳، ش ۱، صص ۱۵۴–۱۸۵.

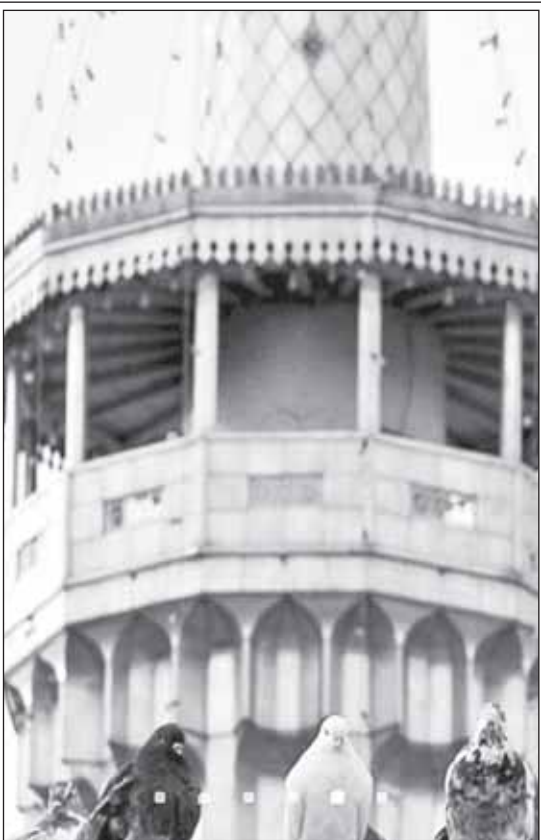
– «ملات مدرن تاجیک: گفتگوی محمدجواد آسمان با گلرخسار فارسی شاعر تاجیک» (آبان ۱۳۹۳) نشر. ش ۷۲، صص ۵۴، ۸۷.

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۷ – ۱۱ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ – ۲۵ جولای ۲۰۱۸ – سال نود و سوم – شماره ۲۷۰۵۸

هوشیاری

آذرباد مهر سپندان گوید: هر چه برای خود نیکو ندانی، به دیگر کس مکن. از هر آن کس که با خشم و کین به تو نزدیک شود، دوری گزین. از مردمان کینه‌ور که بر جایگاه قدرت باشند، پرهیز. در کيفر مردمان تندروی مکن.

اندروزا



بورس آتی سکه به فعالیت خود

ادامه می دهد

مدیرعامل بورس کالا گفت: بورس آتی سکه به فعالیت خود ادامه می دهد و خبر متوقف شدن آن کذب است.
سودا سلطانی نژاد در گفتگو با خبرنگار خبر صدا و سیما، افزود: بورس آتی سکه یک بازار رسمی و قابل کنترل است و هر بازاری که مدیریت ریسک مشتریان را بر عهده دارد ممکن است محدودیت هایی را برای آن اعمال کنیم اما این محدودیت ها بعد از مدتی برداشته می شود. وی ادامه داد: اخذ موقعیت های فراینده خرید و فروش در بازار آتی سکه یکی از همین محدودیت هایی است که برای مدتی متوقف می شود ولی اتفاق ویژه ای در مورد بازار نینگاهد و متوقف شدن کامل بازار یک خبر کذب است.

سلطانی نژاد گفت: در همه جای دنیا بازارهای مشتقه ضربه گیر و نوسان گیر بازارهای نقد هستند چون در بازارهای آتی عموم معاملات منجر به تحویل کالا نمی شود و این بازارهای مشتقه کمک می کند بسیاری از تسهیلات بازار خشتی شده و مانع از ورود سفته بازار به بورس می شود.
مدیرعامل بورس کالا افزود: با کنترل بازارهای آتی باید به این بازارهای رسمی جهت دهی شود تا افراد سفته باز به جای اینکه در بازارهای رسمی کار کنند در این بازارهای کنترل شده خرید و فروش کنند و باید از شایعات در مورد این بازارها بپرهیزیم.

وی گفت: تقویت بازارهای رسمی و بورس باعث می شود تا ما اطلاعات دقیقی در مورد خرید و فروش های بازار به دست آوریم و تصفیه این بازارها به ضرر ماست.

سلطانی نژاد خاطر نشان کرد: برنامه ای برای بسته شدن بازار آتی سکه نداریم و با تقویت بازارهای آتی رسمی از هر چ و مرج بازار جلوگیری نمی‌کنیم.خبر دیگر اینکه عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: ورود زعفران در بورس کالا باعث شده تا فعالان این صنعت و زعفرانکاران رفته رفته با بورس و مزیت های آن آشنا شوند که به مرور با افزایش حجم معاملات و حضور فعال تر بخش خصوصی شاهد رشد اشتغالزایی، افزایش کیفیت و بردنمایزی و حمایت از کشاورزان از مسیر بورس کالا خواهیم بود.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، علی اکبری عضو کمیسیون کشاورزی مجلس به مزیت های عرضه زعفران در بورس کالا اشاره کرد و گفت: ایران، بزرگترین تولیدکننده زعفران در جهان است و سهم ۹۰ درصدی تولید این محصول را در اختیار دارد اما هنوز نتوانسته به جایگاه اصلی خود دست پیدا کند و نیض بازار این محصول را در اختیار بگیرد؛ در این میان عرضه این محصول در بورس کالا در مرحله نخست یک قیمت شفافی از زعفران نمایان کرده که رفته رفته با رشد حجم معاملات نقدی و آتی شاهد اثرات مثبت این موضوع برای زعفرانکاران و صنعت زعفران کشور خواهیم بود.

اکبری معتقد است، عرضه زعفران در بورس کالا در ایجاد زنجیره تولید نقش به سزایی ایفا می کند و باعث می شود تا دسترچ زعفران کاران به جای واسطه ها به خود آنها برسد؛ همچنین طی سال های اخیر در عرضه سایر محصولات کشاورزی در بورس کالا نیز غفلت شده و باید با استفاده از این سازوکار مدرن و شفاف و ساختار سنتی بخش کشاورزی فاصله بگیریم.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس ادامه داد: با عرضه طلای سرخ در بورس کالا، مانع حاصل از اشتت، دانست، پرداخت و بازاری به تولیدکنندگان این محصول برمی گردد که به نظر می رسد حضور بخش خصوصی در بورس کالا به منظور توسعه بازار زعفران کمک کننده خواهد بود.

اکبری تصریح کرد: در شرایط فعلی بازار زعفران، شفاف سازی قیمت و استانداردسازی این محصول مورد نیاز است که می توان با حضور برندهای مختلف فعال بخش خصوصی در بورس کالا به این مهم دست یافت.

بازار در یک نگاه

مجموع حجم معاملات	۱/۱۰۹ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۷۱۱/۳۳۸ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۸۱/۷۱۹ معامله
ارزش بازار	۴/۱۳۸/۵۵۴ میلیارد ریال

آگهی مدیران به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان شرکت فراز پنداران آریاموج (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۵۶۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۰۳۵۳	
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فراز پنداران آریاموج (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۵۶۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۰۳۵۳، دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت در روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۴ در محل مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالموعود(واقع در پارک ۳۳ طبقه ۱۰ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند. حضور وکلا یا نمایندگان سهامداران محترم با ارائه وکالتنامه یا برگه نمایندگی میسر خواهد بود. دستور جلسه: بررسی وضعیت فعلی شرکت و استازای اقدامات آن.	
هیات مدیره شرکت فراز پنداران آریاموج (سهامی خاص)	

آگهی مدیران به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان شرکت فراز پنداران آریاموج (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۵۶۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۰۳۵۳	
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فراز پنداران آریاموج (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۵۶۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۰۳۵۳، دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت در روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۴ در محل مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالموعود(واقع در پارک ۳۳ طبقه ۱۰ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند. حضور وکلا یا نمایندگان سهامداران محترم با ارائه وکالتنامه یا برگه نمایندگی میسر خواهد بود. دستور جلسه: ۱. استماع گزارش هیات مدیره و بازرسین درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۱/۳۰. ۲. استماع گزارش هیات مدیره و بازرسین درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۱/۳۰. ۳. بررسی و تصویب ترازنامه و صورت حساب عملکرد سود و زیان در مورد عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۱/۳۰. ۴. انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی البدل شرکت برای سال مالی ۱۳۹۷. ۵. تعیین روزنامه گزیر انتشارشماره ۲۹ طبقه ۴ مراجعه فرمایند. ۶. تصویب ترازنامه و صورت حساب مجمع عمومی عادی بهطور فوق العاده باشد؛ درصاحیت مجمع عمومی عادی بهطور فوق العاده باشد؛	
هیات مدیره شرکت فراز پنداران آریاموج (سهامی خاص)	

آگهی مدیران به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان مروراید گوهارد	
بدینوسیله از کلیه اعضای محترم تعاونی دعوت به عمل می‌آید، در جلسه مجمع عمومی عادی بهطور فوق‌العاده (سه‌ماهه) نوبت اول که رأس ساعت ۱۰ صبح روزپنجشنبه مورخ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ در محل مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالموعود(واقع در میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان طاهرخانلی، خیابان بوعلی‌شمالی، کوی الزهرا) بلاک ۲۵ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.	
دستور جلسه:	
۱. استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسین درخصوص عملکرد سال ۱۳۹۶ الف: همراه داشتن کارت عضویت برای جلوگیری از ورود افراد غیر عضو به مجمع ضروری‌است.	
ب: تعداد آرای وکالتی برای برای عضو اصلی ۱ رأی و برای عضو غیر اصلی یک رأی خواهد بود.	
ج: به منظور تنظیم و تأیید و کالتنامه وکیل و موکل بایستی بسه اتفاق دیگری منحصرا به مرکز شرکت تحویل نمایند کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۳:۳۰ بعد از ظهر رسالت طلوع جنوب شرقی، هشت‌متری اول بلاک ۵ مراجعه نمایند.	
د: کلیه افراد کاندیدای بازرسین حقیقی و حقوقی حاکم یک هفته پس از انتشار آگهی یا ارائه تصویر مدرک تحصیلی مرتبط، شناسنامه، کارت ملی، آخرین حکم کارگزینی و اصل برگه عدم سوء پیشینه و یک قطعه عکس پرسنلی به دفتر تعاونی مراجعه اقدام به ثبت نام نمایند.	

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان مروراید گوهارد	
بدینوسیله از کلیه اعضای محترم تعاونی دعوت به عمل می‌آید، در جلسه مجمع عمومی عادی بهطور فوق‌العاده (سه‌ماهه) نوبت اول که رأس ساعت ۱۰ صبح روزپنجشنبه مورخ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ در محل مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالموعود(واقع در میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان طاهرخانلی، خیابان بوعلی‌شمالی، کوی الزهرا) بلاک ۲۵ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.	
دستور جلسه:	
۱. استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسین درخصوص عملکرد سال ۱۳۹۶ الف: همراه داشتن کارت عضویت برای جلوگیری از ورود افراد غیر عضو به مجمع ضروری‌است.	
ب: تعداد آرای وکالتی برای برای عضو اصلی ۱ رأی و برای عضو غیر اصلی یک رأی خواهد بود.	
ج: به منظور تنظیم و تأیید و کالتنامه وکیل و موکل بایستی بسه اتفاق دیگری منحصرا به مرکز شرکت تحویل نمایند کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۳:۳۰ بعد از ظهر رسالت طلوع جنوب شرقی، هشت‌متری اول بلاک ۵ مراجعه نمایند.	
د: کلیه افراد کاندیدای بازرسین حقیقی و حقوقی حاکم یک هفته پس از انتشار آگهی یا ارائه تصویر مدرک تحصیلی مرتبط، شناسنامه، کارت ملی، آخرین حکم کارگزینی و اصل برگه عدم سوء پیشینه و یک قطعه عکس پرسنلی به دفتر تعاونی مراجعه اقدام به ثبت نام نمایند.	

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان مروراید گوهارد	
بدینوسیله از کلیه اعضای محترم تعاونی دعوت به عمل می‌آید، در جلسه مجمع عمومی عادی بهطور فوق‌العاده (سه‌ماهه) نوبت اول که رأس ساعت ۱۰ صبح روزپنجشنبه مورخ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ در محل مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالموعود(واقع در میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان طاهرخانلی، خیابان بوعلی‌شمالی، کوی الزهرا) بلاک ۲۵ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.	
دستور جلسه:	
۱. استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسین درخصوص عملکرد سال ۱۳۹۶ الف: همراه داشتن کارت عضویت برای جلوگیری از ورود افراد غیر عضو به مجمع ضروری‌است.	
ب: تعداد آرای وکالتی برای برای عضو اصلی ۱ رأی و برای عضو غیر اصلی یک رأی خواهد بود.	
ج: به منظور تنظیم و تأیید و کالتنامه وکیل و موکل بایستی بسه اتفاق دیگری منحصرا به مرکز شرکت تحویل نمایند کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۳:۳۰ بعد از ظهر رسالت طلوع جنوب شرقی، هشت‌متری اول بلاک ۵ مراجعه نمایند.	
د: کلیه افراد کاندیدای بازرسین حقیقی و حقوقی حاکم یک هفته پس از انتشار آگهی یا ارائه تصویر مدرک تحصیلی مرتبط، شناسنامه، کارت ملی، آخرین حکم کارگزینی و اصل برگه عدم سوء پیشینه و یک قطعه عکس پرسنلی به دفتر تعاونی مراجعه اقدام به ثبت نام نمایند.	

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان مروراید گوهارد	
بدینوسیله از کلیه اعضای محترم تعاونی دعوت به عمل می‌آید، در جلسه مجمع عمومی عادی بهطور فوق‌العاده (سه‌ماهه) نوبت اول که رأس ساعت ۱۰ صبح روزپنجشنبه مورخ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ در محل مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالموعود(واقع در میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان طاهرخانلی، خیابان بوعلی‌شمالی، کوی الزهرا) بلاک ۲۵ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.	
دستور جلسه:	
۱. استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسین درخصوص عملکرد سال ۱۳۹۶ الف: همراه داشتن کارت عضویت برای جلوگیری از ورود افراد غیر عضو به مجمع ضروری‌است.	
ب: تعداد آرای وکالتی برای برای عضو اصلی ۱ رأی و برای عضو غیر اصلی یک رأی خواهد بود.	
ج: به منظور تنظیم و تأیید و کالتنامه وکیل و موکل بایستی بسه اتفاق دیگری منحصرا به مرکز شرکت تحویل نمایند کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۳:۳۰ بعد از ظهر رسالت طلوع جنوب شرقی، هشت‌متری اول بلاک ۵ مراجعه نمایند.	
د: کلیه افراد کاندیدای بازرسین حقیقی و حقوقی حاکم یک هفته پس از انتشار آگهی یا ارائه تصویر مدرک تحصیلی مرتبط، شناسنامه، کارت ملی، آخرین حکم کارگزینی و اصل برگه عدم سوء پیشینه و یک قطعه عکس پرسنلی به دفتر تعاونی مراجعه اقدام به ثبت نام نمایند.	

انتشار صکوک رهنی کرمان موتور

صکوک رهنی کرمان موتور با دریافت مجوز انتشار از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار، با نرخ ۱۶ درصد، عمر سه ساله و پرداخت های هر سه ماه یکبار به شیوه حراج از طریق شرکت فراپورس ایران عرضه خواهد شد.
ضمن این اوراق، بانک آینده(سهامی عام) است و شرکت تامین سرمایه تمدن نیز مسئولیت پذیره نویسی و ناشی از فروش اقساطی این شرکت است که به شرکت واسطه مالی آبان دوم (با مسئولیت محدود) واگذار می‌شود و سپس شرکت کرمان موتور با منابع حاصل از انتشار این اوراق، مواد اولیه و قطعات مورد نیاز خود را خریداری خواهد کرد.

فراهم شدن شرایط عرضه نفت در بورس

از سوی دیگر مدیرعامل بورس انرژی از تمرکز این بازار بر روی پذیرش فرآوردههای نفتی و به ویژه پالایشگاهی به عنوان هدف اصلی در دوره جدید خرد داد و گفت؛ با توجه به محدودیت تجربی و ارزی، امسال در مسیر توسعه بورس انرژی، پذیرش فرآوردههای نفتی با تمرکز بر فرآوردهای پالایشگاهی مورد تأکید است.

سدیعلی حسینی، به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) گفت: این اقدام اکنون با پذیرش همه فرآوردههای پالایشگاهی آیدان، ستاره خلیج فارس و دو فرآورده جدید پالایشگاه اراک شروع شده که در نهایت به افزایش تعداد پذیرش، رشد حجم نفت و فرآوردههای نفتی و درازای، این طرح دودتر اجرایی شود.

به گزارش ایرنا، دکتر شاپور محمدی درباره طرح دولت برای فروش نفت خام در بورس، افزود: عرضه نفت کوره و سایر فرآورده های نفتی در بورس انرژی از مدتها پیش در حـال انبـجا و بنابرین فروش نفت خام در بورس انرژی نیز امکان پذیر است.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار افزود: همانند قراردادهای معاملات آتی سکه، امکان انجام معاملات آتی (نفتدزیر) نفت خام در بورس انرژی فراهم است. دکتر محمدی با بیان اینکه از نظر بازار سرمایه مانعی در عرضه نفت خام به بورس وجود ندارد، اضافه کرد: امکان فروش داخلی و فروش خارجی، ارزی و ریالی نفت وجود دارد.

سخنگوی سازمان بورس و اوراق بهادار یادآور شد: تاکنون با بانک مرکزی و وزارتخانه های نفت و وزارت امور اقتصادی و دارایی مذاکره و مکاتباته هایی را این باره انجام داده ایم.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار به تأخیر چند سساله برای آغاز این طرح اشاره کرد و گفت: به نظر می‌رسد اکنون بیش از هر زمان دیگری، شرایط اجرای آن فراهم شده است.یادآور می شود ایده راه اندازی بورس نفت نخستین بار در اواخر دهه ۱۳۷۰ و در چارچوب سیاست های برنامه سوم توسعه کشور مطرح شد.

حسینی ضمن اشاره به پیشرو بودن بورس انرژی در تأمین مالی صنعت برق از فراهم شدن امکان انتشار گواهی ظرفیت برای نیروگاههای برق کشور از طریق بورس انرژی خبر داد و گفت: به لحاظ ظرفیت سازی، ابزار گواهیـی ظرفیت با هدف تأمین مالی

اقتصادی

انتشار صکوک رهنی کرمان موتور

صکوک رهنی کرمان موتور با دریافت مجوز انتشار از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار، با نرخ ۱۶ درصد، عمر سه ساله و پرداخت های هر سه ماه یکبار به شیوه حراج از طریق شرکت فراپورس ایران عرضه خواهد شد.

ضامن این اوراق بانک آینده(سهامی عام) است و شرکت نامین سرمایه تمدن نیز مسئولیت پذیره نویسی و بازاریگردانی این اوراق را بر عهده دار است. ضمناً، شرکت کارگزاری کارآمد (سهامی خاص)، عاملیت فروش و شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه عاملیت پرداخت این اوراق را بر عهده دارند.

سازمان بورس و اوراق بهادار، موافقت اصولی انتشار صکوک رهنی شرکت کرمان موتور (سهامی خاص)، را به ارزش ۷ هزار میلیارد ریال صادر کرد. به گزارش روابط عمومی شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه، دارایی مبانی انتشار در صکوک رهنی شرکت کرمان موتور (سهامی خاص)، مطالبات ناشی از فروش اقساطی این شرکت است که به شرکت اسطی ایفان دوم (با مسئولیت محدود) واگذار می شوند و سپس شرکت کرمان موتور با منابع حاصل انتشار این اوراق، مواد اولیه و قطعات مورد نیاز خود خریداری خواهد کرد.



سرویس خارجی:خبرگزاری رويترز در گزارشی اعلام کرد: «گينگ استیو بن» -مشاور سابق و استراتژیست ارشد پیشین ترامپ با تأسیس سازمانی سیاسی به دنبال تضعیف و فروپاشی کامل اتحادیه اروپاست.

رویتزر با بیان این که استیو بن که به دلیل گرایش های راست افراطی اش از سوی ترامپ اخراج شد و اکنون به کمک پوپولیست‌ها و ملی گرایسان مخالف اتحادیه اروپا رفته است، گفت:وی به کمک «رجیم قسام» مشاور «نایجل فراز» رئیس پیشین حزب استقلال پادشاهی متحد انگلیس که از مخالفان سرسخت اتحادیه اروپا بوده، سازمانی در بروکسل پناهی پلیتک تأسیس کرده که هدف نهایتی آن از کار انداختن این اتحادیه است. در تحوّل دیگر، «هایگو ماس» وزیر خارجه دانمارک و رئیس‌التنگتین اقتصادی رئیس‌جمهوری آمریکا، ضمن فراخواندن اروپا به پیگیری رویکرد واحد در برابر واشنگتن گفت:اتحادیه اروپا در برابر تهدیدها کوتاه نمی‌آید. وی افزود:نیادوام که همه مسائل به وسیله اجماع حل

آمریکا: از نبرد طالبان علیه داعش در افغانستان حمایت می کنیم

سرویس خارجی:فرمانده نظامیان آمریکایی در افغانستان ازحمایت واشنگتن ازنبرد طالبان علیه گروه تروریستی تکفیری داعش در این کشور خبرداد.

ژنرال «جان نیکلسون» با بیان این که حملات طالبان علیه داعش در افغانستان تأثیرگذار بوده است، گفت: آمریکا از درگیری طالبان با داعش حمایت می‌کند. وی با بیان این که آمریکا از حضور داعش در افغانستان گران است و تمامی تلاش خود را برای از بین بردن این گروه تروریستی انجام خواهد داد، گفت: ما طالبان را ترغیب به درگیری با داعش می‌کنیم زیرا این گروه باید نابود شود.

ژنرال «جوزف وتل» فرمانده ستاد مرکزی ارتش آمریکا نیز اعلام کرد: زمان آن رسیده است تا پاکستان برای تشویق طالبان در راستای انجام مذاکرات صلح با دولت افغانستان اقدامات عملی را انجام دهد. در این حال، «اشرف غنی»رئیس‌جمهوری افغانستان اظهارداشت: عربستان در روند صلح، شریک استراتژیک کابل بوده و خواستار همکاری ریاض برای دستیابی به این روند هستیم.

این در حالی است کهمنتش چهار جانبه صلح افغانستان با حضور مقامات امنیتی ملی این کشور و آمریکا، عربستان و امارات دبیروز در ابوظبی آغاز به کار کرد.

در تحوّل دیگر، مقامات امنیتی افغانستان اعلام کردند: بر اثر حملات هوایی جنگنده های ارتش افغانستان به ولایت «فراه»، «هلا اوره» فرمانده مشهور طالبان به همراه ۱۴ تن از اعضای این گروه کشته و شش تن دیگر نیز زخمی شدند.

سرویس خارجی: نشریه آمریکایی «فاین‌پالیسی» در مطلبی به پیروزی «بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه و شکست دولت ترامپ در آن اعتراف کرد.

«استیون کسوک» خبرنگار فارین‌پالیسی در مقاله نوشته است: بشار اسد برنده شد و شایسته‌است درباره‌اینکه چرا ایالات متحده برنده نشد، تأمل شود. وی نوشت: استیو بن، مدیرعامل جاری، نیروهای ارتش سوریه پرچم خودرسان را بر فراز شهر جنوبی خودبرافراشتند و جشن گرفتند. به‌آنکه هنوز خونریزی‌های بیشتری در راهاند اما نمادگرایی‌های موجود در این حادثه چیزی نیست که به سادگی فراموشی شود.

این رسانه آمریکایی با یادآوری اینکه ناارایی‌ها در سوریه از مارس ۲۰۱۱آغاز شده‌اند نوشت: بشار اسد، مردی که قرار بود با گذشت زمان سقوط کند، با کمک‌های روسیه، ایران و حزب‌الله توانست کنترل سوریه را در دست گیرد. فارین‌پالیسی نوشت: کمربت شدن قدرت و نفوذ آمریکا به سوریه آن را به نحو عریان به نمایش گذاشته و تسریع کرده تحوّل است که محافل سیاسی کمتر می‌توان توجیه کرده‌اند، چون قرار نبود اتفاق بیفتد.

خبر دیگر اینکه یک مقام اسرائیلی اعلام کرد که تل‌آویو پیشنهاد می‌دهد، بمب‌های پرتابی‌نیروهای همپیمان سوریه در ۱۰۰ کیلومتری جولان اشغالی را رد کرده است. حالی که اظهارات مشخصی درباره نتایج دیدارهای مقام‌های روس

آغاز انتخابات پارلمانی پاکستان؛ حزب تحریک انصاف شانس اول پیروزی

سرویس خارجی: انتخابات پارلمانی پاکستان امروز در حالی از ساعت صبح به وقت محلی آغاز شد که بر اساس نظر سنجی های انجام شده حزب تحریک انصاف به رهبری «عمران خان» شانس اول پیروزی را دارد. در همین رابطه، خبرگزاری «کسپرس نیوز» گزارشی اعلام کرد: برپرسی دقیق کارشناسان سیاسی ما از این است که شمارش معکوس برای تکیه زدن

صاحب امتیاز: شرکت ایرناچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سید محمود عدالی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران- بلوار میاد- خیابان مصدق جنوبی (نقته جنوبی سابق)
ساختمان اطلاعات- کدپستی ۱۵۲۹۵۲۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریه ۲۲ ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
تلفن آگهی‌ها ۲۱ و ۱۹ ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۱۷-۲۲۲۵۸۰۲۲
نشانی اینترنت: http://www.etellaat.com
پست الکترونیکی: etellaat@etellaat.com
منشور اخلاقی: http://www.etellaat.com/ftp/manshoor.pdf

اردوغان: روح هیتلر در جان رهبران اسرائیل ظهور کرده است

قانون کشور یهود در پارلمان رژیم صهیونیستی، تصویب این قانون را لکه ننگ دیگری در کارنامه سیه این رژیم در استمرار اقدامات نژاد پرستانه آن دولت، متن نامه دکتر زهرا مصطفوی دختر کتر گرامی اسام خمینی (ره) و دبیرکل اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی حامی حقوق مردم فلسطین و همچنین رئیس و دبیرکل جمعیت دفاع از ملت فلسطین به شرح زیر است:

جناب آقای رجب طیب اردوغان رئیس جمهور محترم ترکیه و رئیس سازمان همکاری اسلامی: ما سلام

روح هیتلر!
رهبر نازی‌های آلمان!
در برخی از مقامهای اسرائیل ظهور کرده است. وی همچنین گفت رژیم صهیونیستی به دلیل حملات کور به نوار غزه و هدف قرار دادن غیرنظامیان باجنگنده، تانک و دیگر جنگ‌افزارهای سنگین، «دولتی تروریستی» است. رئیس‌جمهوری ترکیه گفت قانون «کشور یهود» در رژیم صهیونیستی در خیر بد دیگری، ترامپ در توتنی نوشت: هنگامی که اخبار جعلی می‌شنویم که از نشست هلسینکی به شکل منفی گرفته می‌شود. شما باید به خاطر داشته باشید که من هیچ امتیازی نداده‌ام.

«نیکي هيلي» سفير آمريکا در سازمان ملل متحد اما نگراني‌ها درباره ملاقات ترامپ با پوتين در هلسينكي را کم‌اهميت دانست و تاکيد کرد: روسيه هرگز قرار نيست دوست ما باشد؛ زيرا ما به اين کشور اعتماد نداريم و در حقيقت است. اين در حال است که کاتچ سفيد با بيان اين

که گفته است قانون «کشور يهود» هتته گذشته در پارلمان رژيم صهيونيستي تصويب شد، اين رژيم را عملا به رژيمي آپارتايد تبديل مي‌کند و با ناديدۀ گرفتن جمعيت

فلسطيني‌هاي ساکن فلسطین اشغالي، اسرائيل را کثوري يهودی و قدس اشغالي را پايختن آن توصيف می‌کند. با تصويب اين قانون، فلسطيني‌ها عملا از حقوق کثري در مقايسه با يهوديان برخوردار خواهند بود. همانگونه که اطلاع داريڊ کنتس (پارلمان رژيم صهيونيستي) در روز پنجشنبه ۲۹/۴/۱۳۹۷موافق با ۱۸۷/۳۰۰میلادی پس از چندین ساعت بحث و درگیری، قانون قوميت اسرائيل را کثوري يهودی و قدس اشغالي را پايختن آن توصيف می‌کند. با تصويب اين قانون، فلسطيني‌ها عملا از حقوق کثري در مقايسه با يهوديان برخوردار خواهند بود.

و تحت، همانگونه که اطلاع داريڊ کنتس (پارلمان رژيم صهيونيستي) در روز پنجشنبه ۲۹/۴/۱۳۹۷موافق با ۱۸۷/۳۰۰میلادی پس از چندین

صغيفی (۶۲٪ از ۱۲۰) به تصويب رساند. اگر چه تصويب اين قانون در چند ماه گذشته و وزارت خارجه انگليس نسبت به فراوانی کشور يهود که اخيرا پارلمان رژيم صهيونيستي را با تصويب تير منجر به نگراني کرد، وزارت خارجه انگليس با اين ادعا که پاييدۀ بلندمدت اسرائيل به برابري بيان تمامی يهوديان، یکی از قوی‌ترين نمادهای دموکراسی است، تاکيد کرد، ما به عنوان دوستان اسرائيل، نسبت به اين قانون جديد که ممکن است اين پاييدی را از بين ببرد، نگران هستيم.

نامۀ دکتر زهرا مصطفوی به اردوغان

رئيس و دبیرکل جمعيت دفاع از ملت فلسطین در نامه ای به رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه و رئیس دوره ای سازمان همکاری اسلامی با اشاره به تصویب قانون کشور یهود در پارلمان رژیم صهیونیستی، تصویب این قانون را لکه ننگ دیگری در کارنامه سیه این رژیم در استمرار اقدامات نژاد پرستانه آن دولت، متن نامه دکتر زهرا مصطفوی دختر کتر گرامی اسام خمینی (ره) و دبیرکل اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی حامی حقوق مردم فلسطین و همچنین رئیس و دبیرکل جمعیت دفاع از ملت فلسطین به شرح زیر است:

جناب آقای رئیس:
پاراسان این قانون نژادپرستانه یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از شهروندان فلسطینی از حقوق خود خاصه حق شهروندی محروم و حق تعیین سرنوشت از آنان را سلب می‌کند. به موجب این قانون، ملت فلسطین در نامه ای به رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه و رئیس دوره ای سازمان همکاری اسلامی با اشاره به تصویب قانون کشور یهود در پارلمان رژیم صهیونیستی، تصویب این قانون را لکه ننگ دیگری در کارنامه سیه این رژیم در استمرار اقدامات نژاد پرستانه آن دولت، متن نامه دکتر زهرا مصطفوی دختر کتر گرامی اسام خمینی (ره) و دبیرکل اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی حامی حقوق مردم فلسطین و همچنین رئیس و دبیرکل جمعیت دفاع از ملت فلسطین به شرح زیر است:

رئيس جمهوری خود خوانده اوستياي جنوبي در سفر به دمشق، پس از امضای توافقنامه دوستی، عالی‌ترین نشان این کشور را به رئیس‌جمهوری سوریه اعطا کرد. آنتولی ببیلوف خطاب به بشار اسد اظهار داشت: این نظامی ما مدنی است را به ببیلوف اهدا کرد.

علیه داعش در غرب استان درعا گسترش یافته است. طی دو روز گذشته بمباران هوایی و توپخانه‌ای در مواضع گروه تروریستی اعاش در بیشتر شهرکهای منطقه «وادی الیرومک» و ارتفاعات اطراف آن ادامه داشته است.

علاء دایع در غرب استان درعا گسترش یافته است. طی دو روز گذشته بمباران هوایی و توپخانه‌ای در مواضع گروه تروریستی اعاش در بیشتر شهرکهای منطقه «وادی الیرومک» و ارتفاعات اطراف آن ادامه داشته است.

سرویس خارجی: دیوان بین‌المللی دادگستری «لااه» درجلسه ای ویژه، روزی از خود درباره سرکام قطر علیه امرات را به سود «دوحه» صادر و تأکید کرد: امرات با محاصره مردم قطر، قوانین حقوق بشر بین المللی را آشکارا نقض کرده است. در همین حال،

ظهور شرعی	۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۹۷ - ۲۵ جولای ۲۰۱۸
غروب آفتاب	۱۱ و ۱۲ دقیقه
آذان مغرب	۱۵ و ۲۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۱ و ۰۰ دقیقه
آذان صبح (فرده)	۴ و ۲۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فرده)	۰۶ و ۰۷ دقیقه

اردوغان: روح هیتلر در جان رهبران اسرائیل ظهور کرده است

تاکید می‌کند. قانون مذکور موجب تحکیم نژاد پرستی و تثبیت ۷۰سال تسلط صهیونیست ها بر فلسطینیان و همان‌اتحاد میراث استعماری و مصادره زمینهای فلسطینیان و کردها و متبئی بر پاکسازی نژادی و قومی و حذف ملت‌مسلمان فلسطینی به عنوان ساکنان اصلی در سرزمین‌های تاریخی بین المللی نباید در برابر نقض آشکار قوانین بین المللی و قطعنامه های سازمان ملل موضعگیری کنند؟ آیا چنین تصمیم نژاد پرستانه و تبعیض آمیز ناقوس مرگ دموکراسی را در میان مدعیان دروغین آن به صدا



یورش نظامیان صهیونیست به کرانه باختری و بازداشت دهها فلسطینی

جمله یک فعال و نویسنده زن فلسطینی راپازداشت کردند. تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، این زن فلسطینی را در حال خداحافظی با کودکش در حالی که در کنارش نظامیان صهیونیست هستند، نشان می‌دهد.

و سلطه و غارتگری علیه فلسطینیان مظلوم است. در حالی که چنین قانون باید گفت: ۷۰سال تجاوز وحشیانه و غارتگری صهیونیست ها و پایداری غاصب و سلسله گر باشد همانطور خوبی نشان می‌دهد که توسل به ظلم و جثات و مقابله ظالمانه با ملت مظلوم فلسطینی و نسل کشی آنها هرگز توانسته ملت مظلوم فلسطین را به سلاش و تیراندازی و محاربه و سر روز که می‌گذرد بر رویه استقامت و پایداری و شهادت ملی این ملت افزوده شده و محاسبات جنایتکاران تجاوزگر و حامیان آنان از اتحاد سرده است و همراهی ملت بار انتقام پر بوزه آل سعود در برابر اسرائیل و حمایتش در راستای معامله قرن این تصمیم تلگین را بر فلسطینیان و ضمیمه عرب و دنیای اسلام تحمیل می‌کند. تصویب چنین قانونی به نحو اعلان جنگ تل آویو نه تنها بر ضد ملت فلسطین بلکه علیه توده های ملت های مسلمان و آزاده خواهد بود که ملت های مسلمان را بر برابر آن ساکت نخواهند نشست. این اگر سازمان های بین المللی در حد سازش و صلح درخاورمیانه باشند چنین قانونی امکان هر گونه صلح

کشته شدن دهها مزدور عربستان در عملیات منحصr به فرد

نیروی دریایی یمن نیروی دریایی یمن

سرویس خارجی: نیروی یمن در عملیات یک سابقه و منحصr به فئرد با حمله به نیروهای ائتلاف سعودی - اماراتی در سواحل (فصل) واقع در استان «تعز» با اتهام مواضع این ائتلاف و هلاکت دهها مزدور عربستان، بار دیگر گوشه ای از توانایی های خود را به رخ اعراب متجاوز کشاندند و روز سیاه دیگری را برای عربستان و همیمانانش رقم زدند.

به گفته منابع خبری، نیروهای دریایی یمن وابسته به ارتش و جنبش انصارالله، یک عملیات نظامی که سلسله و منحصr به فرد علیه نیروهای متجاوز در ادامه این عملیات، پیشروی های خود را در استان انجام دادند. شبکه خبری «المسیره» ساحل غربی اقامه دادند و چندین منطقه دیگر را به کنترل خود در دریایی یمن وابسته به ارتش و

سرویس خارجی: خبرگزاری رويترز از آغاز روند برچیدن تاسيسات مربوط به ساخت موشک های بالستیک کره شمالي در راستای خلع سلاح هسته ای این کشور خبر داد.خبرگزاری رويترز، به نقل از اندیشکده آمریکایی «نورت-۱۳» اعلام کرد:تصاویر ماهواره ای نشان می دهد کره شمالي در حال برچیدن یک سایت مربوط به تولید موتور موشک های بالستیک است. در این حال، تصاویر مربوطه که در ۲۰ ژوئیه (۳۰ تیرماه) گرفته شده نشان می دهد فعالیت هایی برای انهدام ساختمانی در ایستگاه پرتاب ماهواره «سوهی» که برای تولید موتورهای ماهواره به کار می رفت، انجام شده است.

به گفته رويترز، این تصاویر همچنین نشان می دهد که فعالیت های مشابهی در یک سایت موتور موشک در نزدیکی همان ایستگاه که در آن موتورهای سوخت جامد برای موشک های بالستیک و پرتابه های فضایی تولید می شد، در حال انجام است.

سرویس خارجی: عناصر گروه تروریستی داعش به

ظهور شرعی	۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۹۷ - ۲۵ جولای ۲۰۱۸
غروب آفتاب	۱۱ و ۱۲ دقیقه
آذان مغرب	۱۵ و ۲۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۱ و ۰۰ دقیقه
آذان صبح (فرده)	۴ و ۲۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فرده)	۰۶ و ۰۷ دقیقه

جهایی به صدا درآورده و مسلمانان را در برابر این توطئه نابودی قدس و فلسطین حساس کرده و اقدام مناسب معمول دارند که ایجاد اتحاد علیه نژاد پرستی و تبعیض نژادی صهیونیستی آغاز این رای می تواند باشد. غزه در آستانه فروپاشی سازمان ملل نسبت به وخامت اوضاع در باریکه غزه به دلیل عوامل متعدد از جمله محاصره این منطقه از سوی رژیم صهیونیستی هتدار داد و اعلام کرد که غزه در آستانه فروپاشی است.»زید رعد الحسین» کمیساری عالی حقوق بشسر سازمان ملل در نشست کمیته حقوق ملت فلسطین در سازمان ملل و خاتم اوضاع در غزه را ناشی از بحران شدید مالی آژانس امدادرسانی و کارایی سازمان ملل برای پاندهگان فلسطینی (اروا) و محدودیت های اعمال شده علیه غزه از سوی رژیم صهیونیستی دانست. آمریکا دیماه ۲۵ گذشته ۶۵ میلیون دلار یعنی بیش از نیمی از کمک های سالانه خود به این آژانس را به بهانه تمایل واشنگتن به بازنگری در ارتباط با سان کمک ها تعلیق کرد.آرودا در حال حاضر به حدود ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار فلسطینی در کرانه باختری، نوار غزه، اردن، لبنان و سوریه خدمات رسانی می کند. در چنین شرایطی رژیم صهیونیستی جایزه سالانه خود را به نماینده امریکا در سازمان ملل به سبب حمایت های تمام قد او از اشغالگران قدس اهدا کردندنست سالانه سازمان صهیونیستی «اتحاد مسیحیان برای اسرائیل» در آمریکا برگزار و جایزه امسال این گروه به نیکي هيلي، نماینده امریکا در سازمان ملل متحد اعطا شد. روی این جایزه نامبرند طلایی رنگ نوشته شده بود: "نظامین صهیون بنده سکوت نخواهد کرد. بخاطر اورشلیم (قدس اشغالي) ساکت نخواه ماند. تا زمانی که در نوار همان سرخ طلع کتد و رستگاری او همانند مشعلی فروزان فرا برسد!"

به هنگام اعطای این جایزه گفته شد که هر سال یک آمریکایی انتخاب می‌شود که بیشترین تلاش‌ها را برای محافظت از اسرائیل انجام داده است و ما اسام خوشحال هستیم و بسیار افتخار می‌کنیم که جایزه امسال را به خانم هیلې اعطا کنیم. شایان ذکر می‌باشد که نماینده امریکا در سازمان ملل به سبب حمایت‌های تمام قد او از اشغالگران قدس اهدا کردندنست سالانه سازمان صهیونیستی «اتحاد مسیحیان برای اسرائیل» در آمریکا برگزار و جایزه امسال این گروه به نیکي هيلي، نماینده امریکا در سازمان ملل متحد اعطا شد. روی این جایزه نامبرند طلایی رنگ نوشته شده بود: "نظامین صهیون بنده سکوت نخواهد کرد. بخاطر اورشلیم (قدس اشغالي) ساکت نخواه ماند. تا زمانی که در نوار همان سرخ طلع کتد و رستگاری او همانند مشعلی فروزان فرا برسد!"

در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت: ۷۰سال تجاوز وحشیانه و غارتگری صهیونیست ها و پایداری غاصب و سلسله گر باشد همانطور خوبی نشان می‌دهد که توسل به ظلم و جثات و مقابله ظالمانه با ملت مظلوم فلسطینی و نسل کشی آنها هرگز توانسته ملت مظلوم فلسطین را به سلاش و تیراندازی و محاربه و سر روز که می‌گذرد بر رویه استقامت و پایداری و شهادت ملی این ملت افزوده شده و محاسبات جنایتکاران تجاوزگر و حامیان آنان از اتحاد سرده است و همراهی ملت بار انتقام پر بوزه آل سعود در برابر اسرائیل و حمایتش در راستای معامله قرن این تصمیم تلگین را بر فلسطینیان و ضمیمه عرب و دنیای اسلام تحمیل می‌کند. تصویب چنین قانونی به نحو اعلان جنگ تل آویو نه تنها بر ضد ملت فلسطین بلکه علیه توده های ملت های مسلمان و آزاده خواهد بود که ملت های مسلمان را بر برابر آن ساکت نخواهند نشست. این اگر سازمان های بین المللی در حد سازش و صلح درخاورمیانه باشند چنین قانونی امکان هر گونه صلح

در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت: ۷۰سال تجاوز وحشیانه و غارتگری صهیونیست ها و پایداری غاصب و سلسله گر باشد همانطور خوبی نشان می‌دهد که توسل به ظلم و جثات و مقابله ظالمانه با ملت مظلوم فلسطینی و نسل کشی آنها هرگز توانسته ملت مظلوم فلسطین را به سلاش و تیراندازی و محاربه و سر روز که می‌گذرد بر رویه استقامت و پایداری و شهادت ملی این ملت افزوده شده و محاسبات جنایتکاران تجاوزگر و حامیان آنان از اتحاد سرده است و همراهی ملت بار انتقام پر بوزه آل سعود در برابر اسرائیل و حمایتش در راستای معامله قرن این تصمیم تلگین را بر فلسطینیان و ضمیمه عرب و دنیای اسلام تحمیل می‌کند. تصویب چنین قانونی به نحو اعلان جنگ تل آویو نه تنها بر ضد ملت فلسطین بلکه علیه توده های ملت های مسلمان و آزاده خواهد بود که ملت های مسلمان را بر برابر آن ساکت نخواهند نشست. این اگر سازمان های بین المللی در حد سازش و صلح درخاورمیانه باشند چنین قانونی امکان هر گونه صلح

سرویس خارجی: نیروی یمن در عملیات یک سابقه و منحصr به فئرد با حمله به نیروهای ائتلاف سعودی - اماراتی در سواحل (فصل) واقع در استان «تعز» با اتهام مواضع این ائتلاف و هلاکت دهها مزدور عربستان، بار دیگر گوشه ای از توانایی های خود را به رخ اعراب متجاوز کشاندند و روز سیاه دیگری را برای عربستان و همیمانانش رقم زدند.

به گفته منابع خبری، نیروهای دریایی یمن وابسته به ارتش و جنبش انصارالله، یک عملیات نظامی که سلسله و منحصr به فرد علیه نیروهای متجاوز در ادامه این عملیات، پیشروی های خود را در استان انجام دادند. شبکه خبری «المسیره» ساحل غربی اقامه دادند و چندین منطقه دیگر را به کنترل خود در دریایی یمن وابسته به ارتش و

سرویس خارجی: خبرگزاری رويترز از آغاز روند برچیدن تاسيسات مربوط به ساخت موشک های بالستیک کره شمالي در راستای خلع سلاح هسته ای این کشور خبر داد.خبرگزاری رويترز، به نقل از اندیشکده آمریکایی «نورت-۱۳» اعلام کرد:تصاویر ماهواره ای نشان می دهد کره شمالي در حال برچیدن یک سایت مربوط به تولید موتور موشک های بالستیک است. در این حال، تصاویر مربوطه که در ۲۰ ژوئیه (۳۰ تیرماه) گرفته شده نشان می دهد فعالیت هایی برای انهدام ساختمانی در ایستگاه پرتاب ماهواره «سوهی» که برای تولید موتورهای ماهواره به کار می رفت، انجام شده است.

به گفته رويترز، این تصاویر همچنین نشان می دهد که فعالیت های مشابهی در یک سایت موتور موشک در نزدیکی همان ایستگاه که در آن موتورهای سوخت جامد برای موشک های بالستیک و پرتابه های فضایی تولید می شد، در حال انجام است.



به شدت خشم رهبران ارشد رژیم صهیونیستی را به همراه داشت تا جایی که او بخیا ادرعی، سخنگوی ارتش این رژیم در صفحه شخصی اش در توئیتر خشم خود را این گونه نشان داد و مدعی شد: «پام سید حسن به نواش این است که از مسیر تروریستی که خودش به آن عادت دارد، اجتناب کند!» وی در ادامه ادعا کرد: «طبیعتا او نمی‌خواهد نواش مانند خودش تروریست باشد، اینطور نیست سید حسن! عموفر جدلنم، سخنگوی نخست وزیر رژیم صهیونیستی هم در واکنش به این تصویر گفت: «هدف از انتشارش تصویر سید حسن به همراه نواش نشان دادن این تروریست به عنوان پلدرزگی مهربان است که لبنان، سوریه و دیگر کشورهای عربی را ویران کرده است!» این در حالی است که این اظهارات پاسخ به این ادعاهای مقامات صهیونیست نوشتند: این ارتش اسرائیل است که هر روز دست به جنایت علیه ملت فلسطین می‌زند.

خشم سازمان همکاری اسلامی از اقدام موهبن

حزب اسلام سئز هلندی

ایرنا: سازمان همکاری اسلامی با صدور بیانیه ای اقدام موهبن یک حزب اسلام سئز هلندی را برای برپایی نمایشگاهی با موضوع پیام اسلام (ص) محکوم کرد و آن را نژادپرستی خواند.

یوسف بن احمد العتیمین دبیرکل سازمان همکاری اسلامی طی اطلاعیه ای با ابراز نگرانی عمیق خود، برگزاری این مسابقه تحریک آمیز را پاشیدن باد نرفرت در میان پیروان ادیان مختلف دانست. گفتنی است حزب راست افراطی آزادی هلند به تازگی اعلام کرد مسابقه کاریکاتوری با موضوع پیامبر اسلام (ص) برگزار می‌کند.

خودکشی سیاستمدار برجسته کره جنوبی پس از اتهام دریافت رشوه

تسنیم: یک سیاستمدار برجسته کره جنوبی که به اتهام اخذ رشوه تحت بازجویی قرار داشت اقدام به خودکشی کرد. «وو هو چان» که سه دوره عضو حزب ۴۴ هزار دلار رشوه از یک وکیل نویس سیاسی قدرتمند در دربارت با بسیاری از سیاستمداران برجسته بود، تحت بازجویی قرار داشت.

در نامه‌ای که کنار جسد این سیاستمدار در آپارتمانش در سئول کشف شد، وی به دریافت پول از این وکیل نویس اعتراف کرده بود اما تأکید کرد که هیچ درخواستی در عوض از او نداشته است.

تورم یک میلیون درصدی ونزوئلا

ایسنا: صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد، تورم در ونزوئلا با عمیق‌تر شدن هرجه بیشتر بحران اقتصادی سیاسی این کشور تا پایان سال جاری میلادی، ممکن است در مقایسه با آغاز بحران به یک میلیون درصد برسد.

الخاندرور ورنر، رئیس بخش نیم کره غربی در صندوق بین‌المللی پول گفت: بحران اقتصادی در ونزوئلا را می‌توان با وضعیت کشور آلمان بعد از جنگ جهانی اول و وضعیت تورم زیسمایه در ابتدای دهه گذشته مقایسه کرد. گفتنی است ونزوئلا که زمانی یک کشور ثروتمند به لحاظ درآمد نفتی بود، اکنون مردمش برای یافتن مایحتاج روزانه مانند غذا و دارو در کشورهای همسایه نظیر کلمبیا و برزیل روانه مرزها شده اند.

هتدار وزیر خارجه انگلیس درباره عواقب برگزیت

تسنیم: وزیر امور خارجه جدید انگلیس درباره عواقب برگزیت بدون توافق هتدار داد و اروپا را متوجه وجود آمدن چنین شرایطی دانست.

جرمی هانت» در سخنانی درباره برگزیت آشنگته و بدون توافق هتدار داد، رویکرد دوگانه کنتننگد این اتحادیه اروپا یک خطر بسیار واقعی شکل خواهد گرفت که در نهایت به صورت انحلالی مانع هر توافقی در این راستا می‌شود.

حمله انتحاری به مسجدی در نیجریه

اینا: ۱۳ نفر بر اثر حمله یک مهاجم انتحاری به مسجدی در ایالت بونونی نیجریه کشته یا زخمی شدند.

منابع محلی اعلام کردند در حمله انتحاری به مسجدی در شمال شرق نیجریه هشت نفر کشته شدند.عامل انتحاری ساعت پنج بامداد به وقت محلی هنگام نماز صبح و بعد از مسجد شد. در این انفجار پنج نفر زخمی شدند.به گفته شاهدان، عامل انتحاری حدود ۳۰ ثانیه تا شش دقیقه به صورت انتحاری مانع هر توافقی در این راستا می‌شود.

سرمایه گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری ترامپ در اسکاکنلد

تسنیم: شرکت متعلق به رئیس جمهوری آمریکا با سرمایه گذاری ۱۵۰ میلیون پوندی معادل حدود ۲۰۰ میلیون دلار در مجموعه گردشگری و گلف آبردین اسکاتلند موافقت کرد.

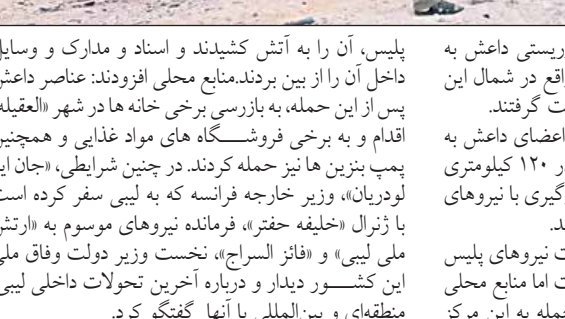
سازمان ترامپ اعلام کرد که قصد دارد ۱۹۷ میلیون دلار در این مجموعه گردشگری سرمایه گذاری کند. سازمان ترامپ قصد دارد ۵۰۰ واحد مسکونی اقامتی، ۵۰ خانه روستایی تفریحی، مرکز ورزشی، فروشگاه خرده فروشی و فضاهای تجاری را در مجموعه گردشگری و تفریحی آبردین احداث کند.

پسران رئیس جمهوری آمریکا با انتشار بیانیه ای اعلام کردند که منافع حاصل از اجرای این پروژه، باورنکردنی و فوق العاده خواهد بود.

مردم خشمگین سودان جنوبی نهادهای امدادرسان را غارت کردند

ایسنا: آژانس پاندهگان سازمان ملل اعلام کرد، معترضان خشمگین بسا زور به دفتار و دفتار حاکمان ۱۰ آژانس بشردوستانه درگیر در کشمکش‌های سودان جنوبی وارد شده و آن‌ها را غارت و دو تن از کارکنان را نیز مجروح کردند.

این نهاد افزود، کارشناسان محلی خواستار ایجاد فرصت‌های شغلی هستند و سازمان‌های بشردوستانه را به استفاده افرادی از خارج از شهر «امان» در شمال غرب سودان جنوبی متهم کرده‌اند.



پلیس آن را به آتش کشیدند و اسناد و مدارک و وسایل داخل آن را از جمله چند منبع محلی آروژند، عناصر داعش یک کشور حمله کردند و کنترل آن را به دست گرفتند.

به گفته منابع خبری، ششساری از اعضای داعش به یک مرکز پلیس در شهر «العقيله»، واقع در ۱۲۰ کیلومتری جنوب «الجبلایه» حمله کردند و پس از درگیری با نیروهای امنیتی، کنترل این مرکز را به دست گرفتند.

منابع خبری گفتند که در جریان این عملیات، پلیس محلی حاضر در این مرکز جبری در دست نیست اما منابع محلی اعلام کردند که عناصر داعشی پس از حمله به این مرکز

فرهنگ

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۷ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و سوم - شماره ۲۷۰۵۸

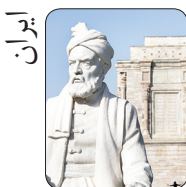
۲



یادی از زنده‌یاد
عباس زریاب‌خویی
دانشور بی‌مانند

بزرگان

۳



شاهنامه
راه‌نامه ایرانی

۳



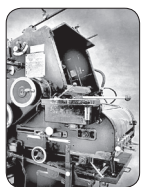
یادی از دکتر زرین‌کوب
ادیب وارسته

۵



در کوچه باغ اندیشه
فرو رفتگان و فرا رفتگان

۶



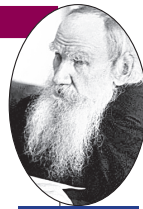
تجدید حیات آلمان
راه پیشرفت و ترقی

۵-۴



سیری در دودمان‌های پارسی
گزارش تاریخی

آموزه



بدون دانستن اینکه «کیستم»
و «چرا اینجا هستم»، زندگی
عملاً ناممکن است.

تولستوی

قلم‌انداز

هنر کشف زبان

اگر روایت و زبان ویژه که همان تشخیص منحصر بفرد اثر است، در بین نباشد، در هر ژانر و موضوعی، چند کار نخست را باید قوی ارزیابی کرد بقیه را باید ادامه کارهای اولیه دانست و رونویسی از آنها محسوب کرد. در مقابل، با طرح شدن روایت، ملاحظات متعددی مطرح می‌شود که کلیت کار را متفاوت می‌کند و این موضوع برخاسته از عناصر و اجزاء روایت است: چشم‌انداز، برداشت‌های نو، شروع متفاوت، حذف زواید، تعلیق درست، چینش متفاوت، استفاده از فضاهای متعدد و در صورت لزوم پیچیده و ساده و بخصوص کاراکترها و ترکیب اختصاصی هریک از این مسائل.

حاصل این مقدمه، این می‌تواند باشد که روایت عبارتست از: هنر کشف زبان هر موضوعی. این کشف آسان نیست و نیازمند بررسی‌ها و ملاحظات است که نمونه‌های فاش و صریح و زنده آن را می‌توان در آثار موفق و چشمگیر و تحسین شده هر دوره‌ای دید. واقع این است که روایت درست، معمولاً تحسین برانگیز است و مخاطبان هر سوژه‌ای، از سوژه‌های کوچک و فردی یا سوژه‌های ملی و جهانی، نمی‌توانند احساس تحسین و قبول خودشان را در برابر روایت‌های موفق و دارای ملاک و معیار پنهان کنند.

بر این اساس، در کارهای فرهنگی و هنری هر کشوری، اگر اغراق نباشد، می‌توان به طور سال به سال چند و چون «روایت» و تغییر و تحول و تطور و نزول و صعود زبان و شیوه روایی را نشان داد و از همین دریچه می‌توان نشان داد که استواری روایت تا چه اندازه در برجستگی آثار هنری و فرهنگی و حتی علمی تعیین کننده است. متأسفانه به دلایلی که چندان روشن نیست، در مجموعه آثار فرهنگی و هنری کشورهای آسیایی، بخصوص در نیم قرن اخیر موضوع روایت و نقش قاطع آن چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از این رو، ما شاهد رشد و اوج آثار فرهنگی و ادبی و هنری کشورهای حوزه خاورمیانه نیستیم، اگر نگوییم که هر سال، شاهد نزول آنها هستیم.

این سخن به معنای تأیید رشد و قوت هنر و ادبیات غرب نیست ولی انکار نمی‌توان کرد که در غرب به همان اندازه که متدولوژی در کارهای علمی رواج دارد و جدی گرفته می‌شود، در کارهای فرهنگی و هنری هم موضوع روایت، اساسی و بنیادین است و این موضوع را می‌توان از مقایسه فیلم‌های هر ژانری دریافت که چون از محل بحث ما خارج است، به موضوع اصلی این نوشتار برمی‌گردیم که عبارتست از: روایت ذهن!

با نظر به آنچه در سطور گذشته مطرح کردیم، می‌توان با اطمینان روایت را امری ذهنی دانست، به این صورت که روایت در پایه و بنیاد و ساختار خویش متکی بر ذهن است: نخست ذهن راوی که به جستجو می‌پردازد و از میان انواع گوناگون روایت و قالب‌ها و شیوه‌ها و اسلوب‌های تازه و کهنه گونه‌ای را انتخاب می‌کند و برای بیان کار یا اثر خویش استفاده می‌کند. چه روایت او موفق باشد، چه ناموفق و آنگاه ذهن مخاطب یا شنونده که طبیعتاً مسائل خودش را دارد و از قواعدی پیروی می‌کند که برخی از آن قواعد، هستی‌شناسانه، برخی انسان‌شناسانه و برخی دیگر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی‌اند.



زنده‌یاد داریوش شایگان

خاطره‌ای عرفانی

از نردبان هستی بالا می‌رفتیم و فضاهای هردم لطیف‌تری را باز می‌گشودیم. چیزها از ما دور می‌شدند.

هوای رقیق اوج‌ها را و حالی را که تا آن زمان

از آن بی‌خبر بودم، حس می‌کردم. سخنان استاد با حس سبکی و بی‌وزنی همراه بود. دیگر از زمان غافل بودم. هنگامی که به حال عادی باز آمدم، ساعت‌ها گذشته بود.

سپس سکوت مستولی شد. ارتعاش‌های عجیبی مرا تسخیر کرده بود و مجذوب در خلصه‌ای وصف‌ناپذیر بودم. استاد از گفتن ایستاد و چشمانش را به زیر انداخت. دریافتم که باید او را تنها بگذارم. نه تنها به سؤال پاسخ گفته بود بلکه «نفس تجربه» را در من دمیده بود. این تجربه را دیگر برایم تکرار نکرد اما یقین دارم او اهل کرامت بود. اهمیت این خاطره در این است که ناقل آن دکتر داریوش شایگان است نه علامه حسن زاده آملی یا آیت الله جوادی آملی و دیگران.



ناگهان استاد که معمولاً بسیار فکور و خاموش بود، از هم شکفت، از جا کنده شد و مرا نیز با خود برد. دقیقاً به خاطر ندارم از چه سخن می‌گفت، اما آن فوران حالهای دمداد را که در من می‌دمید، به یاد دارم. احساس می‌کردم که عروج می‌کنم. گویی

دکتر حکمت‌الله ملاصالحی

پاسخ به یک پرسش

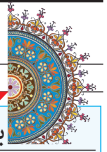
اخلاقی و انسانی و اجتماعی و یا یک حادثه مخرب و مهلک و مرگبار طبیعی، ذهن و فکر و عقل و آگاهی و فهم بشری ما را با تناقض‌های جدی مواجه خواهد کرد. به دیگر سخن در سپهر ذهن و فکر و عقل و فهم بشری ما مسئله شرور در نسبت می‌تواند «شر» یا «شرور» فهمیده شود، در نسبت با اصل خیر با اصل خوبی. به تعبیر حضرت مولوی در مثنوی: پس نهانی‌ها به ضد پیدا شود

چون که حق را نیست ضد، پنهان بود جهان شعور، آگاهی و فهم بشری ما جهان نسبت‌ها، تضادها، تقارن‌ها و تقابل‌هاست. شعور، آگاهی، عقل و فهم بشری ما می‌کوشد در میان سپهری از تقارن‌ها و تضادها و تقابل‌ها و نسبت چیزها را بفهمد. همیشه هم در این سعی بی‌امان و نفسگیر ابزارهای عقل و منطق و تصدیق و قیاس و استدلال و احتجاج و اقامه براهین انسان را به مراد خویش و به مقصد مورد نظر نرسانده و سعی کرده است از راهی دیگر برود و از ابزارهای شناختی از جنس دیگر بهره بگیرد و استفاده برد و نسبتی دیگر در سطح و ساختی دیگر با واقعیت و معنا و معرفت و حقیقت چیزها برقرار کند.

ادامه در صفحه ۷

تا نباشد راست کی باشد دروغ

این دروغ از راست می‌گیرد فروغ نگاه شوپنهاور به زندگی و سرشت انسان خوش بینانه نیست. به سرشت انسان عمیقاً بدبینانه است. به باور و در نگاه و در نهاد ناآرام انسان کشش به سوی شر و رفتارهای شرورانه قوی‌تر از کشش و گرایش به سوی خیر و خوبی و رفتارهای نیکوکارانه و نیک‌منشانه است. یک سؤال مهم و اساسی که در اینجا مطرح می‌شود و نمی‌توان آسان از کنارش گذشت، این است که ما تا چه میزان می‌توانیم و مجاز هستیم بدون آنکه پیشاپیش باور به اصل خیر و خوبی داشته باشیم به چیزی به فعلی و به عملی نسبت شر بدهیم و شرش اطلاق و توصیف کنیم؟ شرور تنها در نسبت با اصل خیر می‌تواند شرور دانسته و فهمیده و تعریف شود. مادام که پای باور به خیر و خوبی پیشاپیش در میان نیست، شرور را نمی‌توان شرور فهمید و صفت «شر» را نمی‌توان به آن اطلاق کرد. اطلاق صفت «شر» به چیزی به فعلی به عملی به حادثه‌ای پیشاپیش مستلزم باور و قبول به اصل خیر و خوبی است. ب‌دون چنین باور و نسبت پیشینی به اصل خیر، اطلاق شر به یک فعل و عمل ناپسند به لحاظ



خلاصه: استاد دکتر عباس زریاب خویی در ۲۲ تیر ماه ۱۲۹۸ در شهر خوی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و دوره اول دبیرستان را در خوی گذراند و چون امکان ادامه تحصیل در خوی وجود نداشت نزد یکی از روحانیون شهر به نام شیخ عبدالحسین اعلمی به یادگیری صرف و نحو عربی، اصول و دیگر علوم حوزوی پرداخت. در سال ۱۳۱۶ به قم رفت و شش سال نزد علمای تراز اول حوزه علمیه قم به تحصیل مشغول بود. در همین دوره، در جلسات درس شرح منظومه سبزواری و اسفار ملاصدرا نزد آیت الله خمینی حاضر می شد. در سال ۱۳۲۲ فوت پدر باعث شد تا زریاب به شهر خوی باز گردد و مدتی به تدریس در دبیرستان پردازد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: خانواده زریاب خویی بنا به رسم آن روزگار، وی را در پنج سالگی به آموزگار قرآن محل خود سپردند، تا قرآن را فراگیرد. سپس در هفت سالگی او را به دبستانی فرستادند، که حدفصل میان مکتب های قدیم و مدارس جدید بود. پس از به پایان رسانیدن دوره ی اول سه ساله ی دبیرستان، وی مجبور به ترک تحصیل شد، زیرا در آن روزگار در خوی دوره ی دوم دبیرستان وجود نداشت و دانش آموزانی که می خواستند و می توانستند، بایستی برای ادامه ی تحصیل رهسپار تبریز یا ارومیه می شدند.

برای او چنین امکانی فراهم نبود، اما شوق فراگیری علم که همیشه در وجودش لبریز بود، وی را به دنبال تحصیل علوم قدیم کشاند و به فراگیری زبان عربی و علوم دینی روی آورد. دکتر زریاب به منظور ادامه ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ ه.ش به شهر قم عزیمت نمود. وی در این شهر از محضر استادان بزرگی بهره گرفت و دروس خارج فقه و اصول و فلسفه را آموخت و در کنار آنها، به فراگیری علوم اجتماعی و فلسفی و روان شناسی و فقه و اصول اهل سنت و ریاضی و زبان فرانسه اشتغال ورزید.

او در سال ۱۳۲۲ ه.ش، پس از اخذ اجازه ی اجتهاد به زادگاه خود بازگشت و آنگاه در سال ۱۳۲۴ ه.ش به تهران آمد و دو سه سال بعد در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و به اخذ درجه ی لیسانس نائل آمد. در سال ۱۳۳۴ ه.ش بورس مطالعاتی اوقاف هومبولت آلمان غربی که از مهم ترین بنیادهای علمی و فرهنگی آلمان غربی بود، در اختیار او قرار گرفت.

حدود پنج سال را در ماینز و فرانکفورت و مونیخ به تحصیل و مطالعه در رشته های تاریخ، علوم و معارف اسلامی، فلسفه و فرهنگ تطبیقی گذراند و سرانجام در رشته ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه « ماینز » به اخذ درجه ی دکترا نائل آمد. (مجله ی نامه ی فرهنگ، شماره ی ۱۶، زمستان ۱۳۷۳)

استادان و مربیان: دکتر زریاب خویی، در طی دوران تحصیلات خود از محضر استادانی چون: حاج شیخ عبدالحسین اعلمی، حاج میرزا حسن معروف به مناقب، آقا سید صدرالدین صدر، آقا سید محمد تقی خوانساری، آقا سید محمدحجت کوه کمری، امام خمینی (ره) و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده نمود. (مجله نامه فرهنگ، شماره ی ۱۶، زمستان ۱۳۷۳)

دکتر زریاب در شهریور ۱۳۲۴ همزمان با نآرامی های ناشی از ادامه اشغال آذربایجان، ناچار به ترک خوی شد و به تهران آمد و دو سال اول

را با سختی در تهران زندگی کرد، و به نوشتن مقالات در نشریات علمی و ادبی پرداخت تا اینکه به کار در کتابخانه مجلس شورای ملی مشغول شد. همزمان دوره لیسانس را در دانشکده معقول و منقول (الهیات) دانشگاه تهران گذراند. در کتابخانه مجلس شورای ملی بود که با سید حسن تقی زاده آشنا شد و مورد توجه خاص او قرار گرفت. بدین گونه بود که پس از تأسیس مجلس سنا و انتخاب تقی زاده به ریاست آن در

۱۳۳۹ از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ شهر ماینز در رشته های تاریخ و فلسفه درجه دکتری گرفت. عنوان رساله دکتری او «گزارش در باره جانشینان تیمور برگرفته از کتاب تاریخ کبیر جعفری» تألیف ابن محمد حسینی بود که زیر نظر هانس روبرت رویمر و پرفسور شلل از ایران شناسان مشهور آلمانی تهیه شد.

دکتر عباس زریاب خویی در سال ۱۳۳۹ به تهران بازگشت و مجدداً در کتابخانه مجلس سنا

پایه ای از فقه هایک دیاس زریاب خویی

دانشور بی مانند



دکتر عباس زریاب خویی

دیدار با امام خمینی به روایت دکتر باستانی پاریزی

در این ملاقات کسانی که با هم بودیم، عبارت بودند از: مرحوم علی اصغر مهدوی پسر حاج امین الضرب، ایرج افشار، مرحوم محمد تقی دانش پژوه، دکتر ساعدلو از دانشگاه حقوق، دکتر زریاب خویی و چند نفر دیگر... ما صبح آماده شدیم و به منزل امام خمینی رفتیم.

دکتر زریاب خویی از قبل متنی برای سخنرانی خودش تهیه کرده بود، تا از روی آن حرف بزند و آن در باب اهمیت دانشگاه و مقام استادان دانشگاه بود و اینکه دانشگاه در طول این سال ها در خدمت جامعه بوده، دکتر و مهندس و حقوقدان و... تربیت کرده و کاری هم که خلاف باشد و به ضرر جامعه تمام شود، از دانشگاه صادر نشده است. همچنین، دانشگاه در خدمت طاغوت نبوده و کار خودش را کرده است، حالا ممکن است در افتتاح آن رفت و آمدی صورت گرفته باشد که تشریفات بوده و ربطی به کار اصلی دانشگاه ندارد. این مطالب را خود امام هم می دانست. بخش مهم حرف های دکتر زریاب خویی این بود که به امام گفت: «این امکان باید ایجاد شود که دانشگاه همچنان به فعالیت خودش ادامه دهد و این شایعه که می گوید دانشگاه بعد از مدتی تعطیل خواهد شد، متفی شود».

ما وقتی وارد شدیم، روی زمین نشستیم چون در آن روزها صندلی و مبل و این قبیل وسایل وجود نداشت. ما نشستیم و منتظر شدیم که آیت الله بیاید. در گوشه ای از همین اتاق جایی بود که در آن جا سماور گذاشته بودند و چای درست می کردند. به هر کدام از ما هم چای دادند و ما خوردیم تا آیت الله از در وارد شدند و ما به احترام ایشان بلند شدیم و بعد هم نشستیم.

امام خمینی چون کسی را در آنجا نمی شناخت، گفتگو بین ایشان و دکتر زریاب خویی بود و یادم هست که امام به آقای زریاب گفت: میرزا عباس خویی «دکتر زریاب خویی بعد استادها را معرفی کرد و گفت: «شما استاد ما بوده اید و ما برای دست بوس به خدمت شما آمده ایم». وقتی زریاب خویی این حرف را گفت، امام گفت: «آقا میرزا عباس! خود شما استاد هستید». بعد از صحبت های مقدماتی، امام گفت: «اگر آقایان مطلبی دارند بگویند». یادم هست که دوربین هایی در آن اتاق بود که مرتب فیلم برمی داشتند. خوب، صحبت های زریاب شروع شد و طولانی هم شد. خاطرم هست که در آن نزدیکی ها کسی بود که می گفت: «مطلب زیاد شد» و اشاره می کرد که زریاب خویی کوتاه بیاید. او هم گفت: «که اگر مطلب من زیاد است، اجازه بدهید کوتاهش کنم». امام گفت: «نه! هر چه دارید، بگویید و هر چه نوشته اید، بخوانید». در نتیجه، زریاب تمام مطالب خودش را گفت. بعد از زریاب، امام (ره) صحبت کرد و فکر می کنم به همان اندازه ای که زریاب صحبت کرده بود، امام هم صحبت کرد و بنا کرد به جواب دادن. از علم حرف زد و ارتباط علم با دین و مسائلی از این دست.

مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۱ به دعوت والتر هنینگ که آن زمان کرسی استادی در دانشگاه برکلی کالیفرنیا داشت به برکلی رفت و به مدت دو سال در آن دانشگاه به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. با اینکه هنینگ پست دائمی در دانشگاه برکلی برای زریاب در نظر گرفته بود ولی او ترجیح داد که به ایران بازگردد و دانسته ها و تجربیات خود را در اختیار دانشجویان ایرانی بگذارد. دکتر عباس زریاب از سال ۱۳۴۴ استاد تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود، و از آنجا که در رشته های دیگر مانند ادبیات

سال ۱۳۲۸ و تأسیس کتابخانه مجلس سنا، محل خدمت عباس زریاب خویی به این کتابخانه منتقل شد و چندی بعد به عنوان مدیر کتابخانه مجلس سنا معرفی شد.

در سال ۱۳۳۴ بورس مطالعاتی بنیاد هومبولت در آلمان غربی (بنابر معرفی سید حسن تقی زاده) در اختیار عباس زریاب خویی قرار گرفت. عباس زریاب خویی به مدت پنج سال در شهرهای ماینز و فرانکفورت و مونیخ به تحصیل و مطالعه در رشته های تاریخ، علوم و معارف اسلامی، فلسفه و فرهنگ تطبیقی پرداخت. در سال

فارسی، ادبیات عرب، فلسفه، زبان شناسی و معارف اسلامی صاحب نظر بود، تا سال ۱۳۵۷ که در دانشگاه تهران اشتغال داشت، در اغلب این رشته ها تدریس و سخنرانی می کرد.

در همین دوران سمت های علمی مختلفی را به عهده داشت، از جمله عضو انجمن فلسفه، عضو هیئت امنای بنیاد فرهنگ ایران، عضو فرهنگستان تاریخ و عضو بنیاد شاهنامه فردوسی بود. علاوه بر اینها با دایره المعارف فارسی (زیر نظر غلامحسین مصاحب) و دانشنامه ایران و اسلام (زیر نظر احسان یارشاطر) همکاری داشت و مدخل های بسیاری در این دو دانشنامه به قلم اوست. دکتر عباس زریاب خویی از دیر زمان عضو انجمن بین المللی شرق شناسی (آلمان)، و عضو مجمع بین المللی کتبی های ایرانی (انگلستان) بود.

به نوشته احمد تفضلی: «پس از انقلاب، دستگاه اداری دانشگاه قدر او را ندانست و زریاب اجباراً دانشگاه را ترک گفت و از این راه دانشگاه بود که زیان فراوان دید نه او. فراغت ایام بازنشستگی او را مدتی به کنج خلوت دلخواسته تحقیق کشید، ولی هنگامی که بنیاد دایره المعارف اسلامی و مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و دایره المعارف تشیع تأسیس شد، بر همه اهل علم و معرفت معلوم بود که هر دایره المعارفی در این زمینه ها بدون همکاری پرثمر زریاب ناقص خواهد بود. از این رو بود که همه خاضعانه دست کمک به سوی او دراز کردند و از او درخواست همکاری کردند. زریاب کوشید تا رنجیدگی خود را از دستگاه اداری دولتی دانشگاه به دست فراموشی سپرد. با دل و جان با سازمان های علمی نامبرده به همکاری پرداخت و اکنون مقالات او زینت بخش این دایره المعارف هاست».

دکتر عباس زریاب خویی در ۱۴ بهمن ۱۳۷۳ در تهران درگذشت.

کتاب شناسی

Der Bericht uber die Nachfolger Timurs aus dem ta'rich kabir des Gafar ibn Muhammad al_Husaini, ۱۹۶۰ Mainz

– اطلس تاریخی ایران، زیر نظر سید حسین نصر، احمد مستوفی و عباس زریاب، تهران ۱۳۵۰

– تاریخ ساسانیان، تهران ۱۳۵۴

– بزم آورد، شصت مقاله در باره تاریخ، فرهنگ و فلسفه، تهران ۱۳۶۸

– آئینه جام، شرح مشکلات دیوان حافظ، تهران ۱۳۶۸

– سیره رسول الله، بخش اول: از آغاز تا هجرت، تهران ۱۳۷۰

– کتاب الصیدنه فی الطب، نوشته ابوریحان بیرونی (تصحیح و تحشیه و مقدمه)، تهران ۱۳۷۰

– روضه الصفا، نوشته محمد بن خاوندشاه بلخی، تهذیب و تلخیص، دکتر عباس زریاب، ۲ مجلد، تهران ۱۳۷۳

ترجمه

– تاریخ فلسفه، ویل دورانت (ترجمه از انگلیسی)، تهران ۱۳۳۵

– لذات فلسفه، ویل دورانت (ترجمه از انگلیسی)، تهران ۱۳۴۴

– تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، تئودور نولدکه (ترجمه از آلمانی)، تهران ۱۳۵۸
Das iranische Nationalepos / von (Theodor Nöldeke)

– دریای جان، هلموت ریتز (ترجمه از آلمانی، با همکاری مهرآفاق بابیری)، تهران ۱۳۷۴، ج ۱

– ظهور تاریخ بنیادی، فریدریش ماینکه (ترجمه از آلمانی)



ایران

گودرز گودرزی

به نام خداوند جان و خرد



غیرمسلمان نیز نمی‌شناسد.

«شاهنامه» کتابی است که در خانه و کاشانه اغلب مردمان این دیار پیدا می‌شود. کم‌تر خانه‌ای می‌توان یافت که جای «شاهنامه» در آن خالی باشد. زیرا که حق‌اش هم همین است؛ حتّا اگر خدایگان آن سرا از سواد نوشتن و خواندن بی‌بهره باشد! «شاهنامه» را همه دوست می‌دارند؛ چه باسواد و چه آن کس که توانایی خواندنش نیست. آری! حتّماً لازم نیست سواد مدرسه‌ای داشته باشی؛ ذوق کافی است؛ حتّا اگر در عمرت گذارت به مدرسه نیفتاده باشد. مگر شما «پیرعمو» را نمی‌شناسید؟ چه پیرعموهایی که در هر گوشه از این آب و خاک هستند که به عوض امضاء انگشت می‌زنند و یا مُهر؛ امّا بیش‌تر «شاهنامه» را و شاید هم خیلی از «مثنوی» و «حافظ» را عاشقانه از بر هستند و به حافظه سپرده‌اند؛ که گاه و بی‌گاه یا برای خود زمزمه می‌کنند و یا دریچه حافظه‌شان را برای من و تو می‌گشایند؛ و من و تو را به دنیای فردوسی و مولوی و حافظ می‌برند.

پیرعموی ما که گذر عمر، کمرش را «تا» کرده بود و «سو»ی چشمانش را ربوده بود و موی سیاهی برایش باقی نگذاشته بود؛ با سه / چهار دندان درشت و زردی که در دهان داشت شروع می‌کرد به عشق و حال! و با چه حسن و حالی «شاهنامه» خوانی می‌کرد!

چو بنشست بر تخت شاه اردشیر
بیاراست آن گاه شاپور پیر
کمر بسته ایرانیان را بخواند
بر آن پایه تخت زرین نشاند
چنین گفت کز دور چرخ بلند
نخواهم که باشد کسی را گزند
جهان گر شود رام بر کام من

بنبینید چیزی جز آرام من
ما کنار و یا رو به رویش می‌نشستیم و با کیف چشم می‌دوختیم به چشم‌ها و دهان و دست‌هایش؛ چشم‌هایی که بابت‌بیت «شاهنامه» پُر آب می‌شدند و دهانی که با حرارت می‌جیبید و دست‌هایی آفتاب‌سوخته و پینه‌بسته که با اشتیاق، بالا و پایین می‌شدند. پیرعموی ما مصداق واقعی این سخن بود: «ما برون را نگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را». حال پیرعمو وقتی که سرشار از شور «شاهنامه» می‌گردید، بس عجیب می‌نمود؛ و ما به او که اصلاً سواد نداشت و این‌طور - مثل آب خوردن! - ماجراها و داستان‌های شنیدنی «شاهنامه» را از بر بازگو می‌کرد، به نوعی حسادت می‌کردیم! او به راحتی می‌خواند:

چو بر تخت بنشست بهرام گور
به شاهی برو آفرین خواند هور
پرستش گرفت آفریننده را
جهاندار بیدار بیننده را
خداوند پیروزی و برتری
خداوند افزونی و کم‌تری
خداوند داد و خداوند رای
خداوند روزی ده رهنمای
یاد پدر بزرگم به خیر! تنها به چند عنوان

کتاب دل‌بسته بود: قرآن؛ معجزات؛ یوسف و زلیخا؛ دوبیتی‌های باباطاهر؛ حافظ و شاهنامه. دوبیتی‌های چاپ سنگی باباطاهر و نسخه خطی یوسف و زلیخا را به من داد. یوسف و زلیخایی که به گفته خودش، از پدرش به او رسیده بود؛ آن قدیم‌قدیم‌ها که مردم به ویژه در فصل زمستان، سرگرمی‌ای نداشتند و مانند امروز، کتاب به وفور در دسترس نبود؛ یوسف و زلیخا را - حتّا از روستاهای اطراف الیگودرز - به امانت می‌بردند؛

شاهنامه؛ راه‌نامه ایرانی



و خیلی وقت‌ها دل‌شان نمی‌آمد امانت را باز پس بدهند! پدر بزرگ می‌گفت که چه بسیار بهارانی که مجبور می‌شد پای پیاده راه پُر گل و شل روستاها را طی کند تا کتاب را پس بگیرد! بارها می‌خواستند کتاب را «هاپولی» کنند!

من قرآن‌خوانی پدر بزرگ را می‌دیدم و «شاهنامه» خوانی‌اش را هم. البته پاره‌ای وقت‌ها دوبیتی‌های عریان همدانی را نیز زمزمه می‌کرد. بیش‌تر در ایوان می‌نشست و عینک قاب‌مشکی‌اش را به چشم می‌زد و پاچه‌های شلوار «دبیت»‌اش را زیر پاهایش جمع می‌کرد و قرآن بزرگ‌اش را روی «رحل» می‌گذاشت و می‌گشود و شروع می‌کرد... و چندی بعد «شاهنامه» را پهن کرده و از جایی آغاز می‌کرد که دفعه پیش ختم کرده بود. صدای آهنگین پدر بزرگم را هنوز در گوشم دارم که می‌خواند:

چنین گفت رستم به ایرانیان
کز این جنگ ما را نیامد زیان
هم اکنون ز پیلان و آن خواسته
همین تخت و این تاج آراسته
نباشد جز ایرانیان شاد کس

پی رخس و ایزد مرا یار بس
«شاهنامه» یکی از برترین‌های ادب فارسی؛ هم چنین یکی از شاخص‌ترین آثار منظوم جهان است. کم کتابی را می‌توان سراغ گرفت که هم قد و هم وزن شاه‌کار جوادانه حکیم فردوسی باشد. و شگفتا که خود حکیم نیز به سترگی و پابندگی اثر خود واقف بود و آن را ماندگارتر از هر کاخ و قصر دراندشت و حیرت‌انگیز هر شاه و قیصری در هر عصری می‌دانست:

پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند

بدین نامه بر عمرها بگذرد
بخواند هر آن کس که دارد خرد
جهان از سخن کرده‌ام چون بهشت
ازین بیش تخم سخن کس نکشت
نمیرم ازین پس که من زنده‌ام
که تخم سخن را پراکنده‌ام
فردوسی، کاخ خود را افکند؛ و چه بسا در آن هنگام کاخ‌های بسیار در همه جای پهنه کره زمین افراشته می‌گشت؛ امّا اینک یا اصلاً نشانی از اکثر

آن‌ها در دست نیست؛ و یا تنها خرابه‌ای از شماری از آن‌ها باقی مانده است. کاخ پاک و بی‌غش فردوسی که بری و به دور از هر گونه واژه سخیف و نازیباست؛ امّا هم‌چنان برپاست و باشکوه‌تر از گذشته، روشنایی می‌دهد و راه می‌نماید.

«شاهنامه» - این اثر مکتوب ملی و یکی از بزرگ‌ترین اسناد بی‌چون و چرای هویت ما ایرانیان - پیش و بیش از آن که کتاب رزم و جنگ باشد؛ کتاب اخلاق و معرفت است؛ کتاب گذشت و جوان‌مردی است؛ کتاب آزادی و آزادگی است؛ کتاب عشق است؛ کتاب زندگی است....

چو شیده* بدان روی او بنگرید
دلش چون کبوتر ز تن بر پرید
قدی دید چون سرو آزاد راست
رخی دید کز رشک او ماه کاست
لب لعل او درج یاقوت بود
که از گوهر آن درج را قوت بود

زیرنویس:

* «شیده» پسر افراسیاب بود. کی‌خسرو - شاه ایرانیان - او را در آخرین پیکاری که به خونخواهی پدرش «سیاوش» بی‌گناه در گرفت، کشت. «چو سرو سیاوش نگون سار دید سرپرده دشت خون سار دید بیفکند سر را ز انده نگون بشد زان سپس لاله واژگون». افراسیاب شاه تورانیان بود که ایرانیان را دشمن بود. او سرانجام به دست نوه دختری خود یعنی کی‌خسرو کشته شد. کی‌خسرو فرزند سیاوش و فرنگیس بود. کی‌خسرو را یکی از پادشاهان «نیک‌نام» ایرانیان می‌دانند.

یادی از دکتر زرین کوب ادیب وارسته

عبدالحسین زرین کوب (۲۷ اسفند ۱۳۰۱ در بروجرد تا ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ در تهران) ادیب، تاریخ‌نگار و منتقد ادبی برجسته در ایران معاصر است. آثار او به‌عنوان مرجع عمده در مطالعات تصوف و مولوی‌شناسی شناخته می‌شود.

زندگینامه

عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجرد متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد. تحصیل در دوره متوسطه را تا پایان سال پنجم متوسطه در بروجرد ادامه داد و به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. این بار رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد. سال بعد به بروجرد بازگشت و به تدریس در دبیرستان‌های خرم‌آباد و بروجرد پرداخت. در این دوران درس‌های مختلف از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی تا عربی و فلسفه و زبان خارجی را تدریس می‌کرد. در همین دوره نخستین کتاب او به نام «فلسفه شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران» در بروجرد منتشر شد.

در سال ۱۳۲۴ پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود، وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۲۷ با رتبه اول دوره لیسانس ادبیات فارسی را به پایان رساند، و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان «نقدالشعر، تاریخ و اصول آن» که زیر نظر بدیع‌الزمان فروزانفر تألیف شده بود با موفقیت دفاع کرد. دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ در کنار عده‌ای از فضایی عصر همچون محمد معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی و عباس زریاب برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره‌المعارف اسلام (طبع هلند)، دعوت شد.

از سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری کار خود در دانشگاه تهران آغاز کرد و عهده‌دار تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و تاریخ تصوف در دانشکده‌های ادبیات و الهیات شد. دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران و دانشکده هنرهای دراماتیک به تدریس پرداخت. در سالهای ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاه‌های کالیفرنیا و پرینستون به تدریس پرداخت.

دکتر عبدالحسین زرین کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ در ۷۷ سالگی در تهران درگذشت.

آثار

- تاریخ مردم ایران قبل از اسلام (۱۳۵۶)
- دو قرن سکوت (۱۳۳۰)
- تاریخ ایران بعد از اسلام (۱۳۴۳)
- از کوچه زندان (۱۳۵۴)
- از چیزهای دیگر، مجموعه چند یادداشت پراکنده

- پله پله تا ملاقات خدا (۱۳۶۹)
- بامداد اسلام
- ارزش میراث صوفیه
- تاریخ تصوف
- سرنی، نقد و شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی معنوی

- با کاروان حله، مجموعه نقد ادبی
- پیر گنج به در جستجوی ناکجاآباد
- بحر در کوزه، نقد و تفسیر قصه‌ها و تمثیلات مثنوی معنوی
- در قلمرو وجدان، سیری در عقاید، ادیان، و اساطیر و...

فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۶۴ **اخباریات**

کوروش به منظور ثبت در تاریخ از کشور گشایی خرابکارانه خود در کتیبه‌ای به شرح زیر یاد کرد:
...معبد ایلام را به خاک یکسان کردم. و خدایان و الهه‌های آنها را به باد یغما دادم...من قبور شاهان قدیم و جدید آن را... ویران و متروک کردم...سرزمین ایلام را به بیابانی بی‌کشت و زرع تبدیل کردم، در روستاهای آن نمک پاشیدم...سراسر ایلام را به تباهی کشیدم. صدای مردم و صدای پای چارپایان کوچک و بزرگ و هر نوع زرمزمه شادی و پایکوبی را در کشتزار و دشت‌های آن خاموش کردم. و آن را به شکلی در اوِردم که الاغ‌های وحشی و غزال‌ها و حیوانات وحشی در خرابه‌های آن با آرامش بپایارند...
(۱۳)
مجید زاده) ولی یاد کرد تاریخی کوروش بزرگ از پیروزش‌اش در بابل که بر استتوانه معروف او نقر است. جلوه‌ای انسان منشانه و مردم گرا به شرح زیر دارد.

«... سربازان بی شمار من کوروش به آرامی وارد بابل شدند. من اجازه ندادم که هیچ کس کشور سومر و اکد را در وحشت فرو ببرد. من برای صلح کوشیدم... من بیگاری را برانداختم. من کمک کردم برای آباد کردن خرابی خانه‌ها، و این چنین به شکایات آنها پادام دادم... من به شهرهای مقدس آن سوی دجله که پرستش گاهها شان دیر زمانی به ویرانی افتاده بود، خدایان را بر گردانیدم، که پیشتر در آنجا بودند...»(۱۴)
Oppenheim)
افزون بر کتیبه‌های تاریخی یاد شده،افلاطون در کتاب قوانین درباره منش کوروش و شیوهٔ کشورداری‌اش چنین می گوید:
«در زمان سلطنت کوروش، پارسیان آزادی داشتند. و همه مردان آزاد بودند. و مالک و فرمانروای بسیاری از مردمان دیگر نیز بودند. فرمانروایان رعایای خود را در آزادی سهیم کرده بودند. زیرا که سربازان و افسران همه را به یک چشم می دیدند. با همه به برابری رفتار می کردند. سربازان در مواقع خطر جان فدا بودند. و در جنگها تا پای جان می‌کوشیدند...شاه به کسی حسادت نمی‌ورزید،او به همه آزادی می داد تاآنچه‌می‌خواهند،بگویند. و آنکه اندرز بهتر می‌داد، و رای (درست‌تری عنوان می‌کرد) گرامی‌تر می‌داشت. به همین خاطر بود، که کشور در هر زمینه‌ای پیشرفت کرد و بزرگ شد.»(۱۵)
شهبازی)

سعد صدر کوروش بزرگ دربابل که با تساهل مذهبی اجازه داد، هرکس در پرستش خدای خود آزاد باشد، و خدایانی که بنوید به بابل آورده بود، را به جایگاهشان باز گرداند، موجب‌شد از سوی کاهنان بابلی برگزیده مردوک شناخته شود...
Oppenheim)
(۱۶)
به نظر پهلوان (۱۷)
کتاب عزرا) اسارت بخت النصر رسته نیز کوروش، برگزیده پیهو و نجات بخشی بود، که آمده بود، یوغ بندگی را از گردن آنها بردارد. و ارمان‌آور آزادی و کرامت انسانی باشد. از این رو، بسیاری از بزرگان و پیامبران یهودی او را رهایی بخش و شبانی می‌دانستند که از سوی یهود آمده بود. تا دواپاره در اورشلیم خانه خدا باز سازی کند. (۱۷)
کتاب عزرا)

روش مطلوب و انسان منشانه کوروش در تقابل و تعامل بسا مردم ملل مغلوب به او آن چنان نیک نامی جهانگیری بخشیده بود، که نسل‌های بعدی نیز از او به عنوان عادل‌ترین پادشاه شرق یاد می‌کردند. اسکندر مقدونی نیز نسبت به بنیان‌گذار امپراتوری پارس احترام ژرف داشت.(۱۸)
نجف‌زاده)
کوروش به همان شیوه که با آژی دهاک پادشاه تاج و تخت باخته ماد به جوان مردی رفتار کرد... در به لیدیه کروزر او را با رفتاری بزرگوارانه بخشید. در بابل نیز با مهربانی و سخاو بزرگ رفتار کرد. به آرا و عقائد و آیین بابلیان احترام گذاشت. یهودیان و دیگر اقوام اسیر را آزاد کرد. ظروف مقدس معبد اورشلیم را به شاهزادگان یهودی پس داد، معیند آنها را باز سازی کرد. خدایان سرزمین‌های کهن را که بنوید به بابل آورده بود، به جاهای نخستین باز گرداند. به گونه‌ای که رفتار کوروش حاکی از توجه فرمانروایی نیک خو به حقوق حقهٔ انسانها تلقی شد.همان که امروز حقوق بشر نام دارد. درین است، که برخلاف شواهد مسلم تاریخی، واتفاق نظر مثبت بیگانگان نسبت به کوروش، برخی از هوموطان که بی‌هیچ موجب قابل درکی در پی امحاء پیشینه فرهنگی‌ای افتخارات تاریخی ایرانیان برآمده‌اند، به بهانه آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بود، و سوابقش در دهه‌های هفتاد و هشتاد سده هیجده‌م میلادی در آمریکا و فرانسه ناشی از انقلاب

صنعتی است. کوروش را میرا از اندیشه و آرمان حقوق بشری بدانند! و ناخود آگاه بروز و ظهور خصلت‌های انسانی رامنحصر به دو سده اخیر کنند!

مذهب کوروش بزرگ

باور مذهبی و عقیده و الفت آیینی کوروش چندان مشخص نیست. شواهد و مدارک تاریخی دقیق نشان نمی‌دهد، کوروش بر چه باور مذهبی بوده است. آیا به دین خدایان ایلامی مانند هومبان Humban گرویده یا باورهای کهن ایرانی داشته است. الواح تخت جمشید نشان می‌دهد. در سرزمین پارس خدایان بی‌شماری را می‌پرستیده‌اند. افزون بر آن گرد آمدن اقوام ایلامی، پارسی، مادی و اقوام دیگر، در سپاه زیر فرمان کوروش بزرگ و تساهل و تسامح توأم با احترام وی نسبت به آداب و رسوم و مذاهب مرسوم و متداول در فلات ایران و سرزمین‌های دستم یافته، مانع از آنست که وی را به ضرس قاطع معتقد به آیین ویژه‌ای بدانیم؛ جز اینکه برخی از روایت‌های تاریخی یونانی و رومی را که حاکی از تعلق خاطر او به آیین میترائیسم است، بپذیریم و به قید احتمال او را باورمند به الهه میترا قلمداد کنیم. زیرا گزنفون ضمن شرح جشن‌های سالانه سلطنت کوروش در پارس، از قربانی کردن اسب در پیشگاه خورشید(میترا) یاد می کند. و اِرابه‌ای که با سساز و برگ سفید رنگ و تاج دار چون اژیاه زئوس Zeus به پیشگاه میترا هدیه می کردند. (۱۹) گزنفون)
استرابو strabo نیز گزارش می‌دهد، هر سال به مناسبت جشن‌هایی که به افتخار خدای میترا در دربار پارسی می‌گرفتند، ساتراپ ارمنستان بیست هزار کره اسب، به دربار پارس نزد کوروش می‌فرستاد.(۲۰)
استرابو)
آریان Arrian نیز خبر می‌دهد. در زمان سلطنت کمبوجیه

به معنای که نگهبان آرامگاه کوروش بودند، هر روز یک گوسفند، مقداری آرد، و شراب، و هر ماه یک اسب برای قربانی می‌دادند.(۲۱)
استرابو)
از آنجا که قربانی کردن اسب ویژه آیین مهر است، و عدالت و جنگاوری و نور و خیرخواهی و برکت و ثمر بخشی از مظاهر خدای میترا و مطابق با فزروه‌های مورد توجه و عمل کوروش بزرگ، به نظر می‌رسد، کیش کوروش بزرگ و دیگر شاهان صدر هخامنشی آیین مهر باشد.
افادات عمرانی کوروش بزرگ از اقدامات عمرانی رفاهی کوروش، ساخت بناها و ایجاد پردیس‌های گسترده ایست، که در دشت پاسارگاد، واقع شد. دشتی به مساحت بیست کیلومتر درازا و پانزده کیلو متر پهناکه در منطقه جنوبی زاگرس، ارتفاع ۱۹۰۰ متری سطح دریا و حد فاصل چهل کیلو متری شمال تخت جمشید، قرار دارد. با جریان آب رودخانه‌های پلوار و دشت مُرْغاب که از سمت شمال به جنوب، جاری است، از دیر باز، خرّمی و سربیزی ویژه‌ای را حائز بوده است، که موجب شده، به نشانه برکه‌های پر شمار و مرغ‌های شناور در برکه‌هایش دشت مُرْغاب نامیده شود. دشتی که کوروش به ساختن کاخ‌ها و پردیس‌های مصفا در آن اقدام کرد.

تا نیاپا تشریفات امپراتوری نو بنیاد پارس را برآورد. برای احداث و تکامل و تزئین ابنیه در دست ساختش، هنرمندان صنعتگر و سنگ تراش لیدیایی، ایونی، صوری و فنیقی، را به کار گرفت. به نحوی که مجموعهٔ عمارات و ابنیه اش از هنر آسیایی کوچک تأثیر یافت. به نظر می‌رسد، انتخاب پاسارگاد برای پایتخت از سوی کوروش بزرگ، افزون بر آنکه زادگاه پارسیان بود، به لحاظ موقعیت جغرافیایی و جایگاه ارتششش بود. که در شمالی‌ترین نقطه پارس قرار داشت. بلندترین دره زادگاهیش به شمار می‌آمد. که بر مرزهای دولت ماد مسلط بود. می‌شد از آن مکان ارتباط مؤثری با نواحی دیگر بر قرار کرد.(۲۲)
استرونخ)
پس از کوروش اهمیت پاسارگاد که آمیخته به تقدس و یادگار پیروزی سرنوشت ساز هخامنشیان بر دولت ماد بود، آن چنان جایگاه شایانی یافت، که شاهان هخامنشی، مراسم تاج گذاری‌های خود را در آن ناحیه و بر سکوهایی که به این منظور ساخته شده بود، برگزار می‌کردند!

چگونگی واژه پاسارگاد

گرچه از واژه پاسارگاد پیش از آنکه به عنوان پایتخت شاهنشاهی کوروش یاد شود، در نوشته برخی از نویسندگان یونانی مانند هرودوت، به صورت نام قبیله‌ای یاد شده است. تنی چند، آنرا به معنی سر زمین پارس

دانسته‌اند. به هنگام نوشتن و خواندن حرف (راء) را بر حرف (سین) مقدم داشته‌اند. به صورت فَرَسار گیده phrasargida به کار برده‌اند. گروهی پسر گده و پسر گادی Passaragadai و در معنی جایگاه لُشــکریان دانسته‌اند. (۲۳)
ptolemey)

از آنجا که آنآکسیمن، یکی از معلمان اسکندر که با او در ایران بود، نیز گفته است: معنی اسم این شهر دژ پارس

سیری در سوابق دودمان‌های پارسی باستان۲/ گزارش تاریخی



است. به استناد گفته او، مشیرالدوله پرنییا در تاریخ ایران باستان اسم این شهر را پارس کرد، دانسته است. و نامهای با گرد درست شده بر گرد، درابگرد، رامگرد، دستگرد را گواه آورده است، که چون پسوند گرد به معنی شهر است. پاسارگاد در اصل پارسه گرد بوده است. که برگرفته از دو واژهٔ پارس + گرد است. (۲۴)
پیرنیا)

فاندلاند Flandin جهانگرد و تاریخ نگار فرانسوی نیز نظری مشابه با مشیرالدوله پرنییا دارد. پاسارگاد را مرکب از دو واژه پــســا+ گرد؛ پسگرد و مترادف با شهر فسا می‌داند(۲۵)
فاندلن)
علی سامی پسوند گده یا کده به معنی جایگاه را که در واژه‌های میکده، دانتسکده، آتشکده، زیبا کده، دهکده به کار رفته است، مستند قرار داده، واژه پاسارگاد را مرکب از دو واژه پارس+ گده دانسته، جایگاه پارس معنی کرده است.(۲۶)
سامی)
برخی از پژوهشگران نیز به ملازمه آنکه، هریک واژه‌هــای گاده، گاه، گاؤ، گاتو در پارسی باستان و زبان اوستایی معنی تخت و تختگاه می‌دهد، پاسارگاد را به معنی تختگاه پارسیان نیز دانسته‌اند.

از مجموع گفته‌های پیشین در می‌یابیم، پاسارگاد افزون بر آنکه نام یکی از ده قبیله فارسیی است، نام سرزمینی است که خاستگاه خاندان پارسی هخامنشی است. خاندانی که عملکردشان موجب دگرگونی در شیوه جهان گشایی و کشور داری دنیای کهن شد.

پس از غروب آفتاب دولت هخامنشی که پاسارگاد به دست گویارس سربدار اسکندر افتاد. نویسندگان و تاریخ‌نویسان از پاسارگاد با عنوان شهر کوروش و محل کاخ‌ها و آرامگاه او یاد کردند. جایی که اسکندر در سال ۳۲۴ پیش از میلاد بســه آن پا نهاد. و از دیدن بی‌حرمتی به آرامگاه کوروش و مرقد شــکــاکت در ریمخت‌اش غمگین شد.(Arrien Anabasis۳۷)

اسکندر آرامگاه فرامندی دید، که در میان شاخه‌های درختان پردیسی قرار گرفته بود. پله‌های پهن و بلندی در پایین و حجره و بامی با ورودی تنگ در بالا داشت. (۲۸)
استرابو، به نقل از اونیسکریتوس یکی از سرداران

که در توضیح و تبیینش میرزا حسن فسایی در فارس نامه ناصری می‌گوید: «مشهد محل شهادت و قبر انبیاء و اولیه و بسزرگ زادگان دین را گویند. «...این بلوک را مشهدالنبی گفته، چون عجم حضرت سلیمان و جمشید را یکی دانسته‌اند، آنرا مشهد مادر سلیمان گفته‌اند.» (۳۲)
فسایی)

در پی تغییر نام آرامگاه کوروش به مشهد،مادر سلیمان بن داوود، کاخهای کوروش به نام سلیمان نبی و سراسر دشت مُرْغاب به نام مادر سلیمان آنچنان معروفیتی یافت، که در تلو زمان استمرار داشت، موجب شد، هنگامی که در سالهای پایانی دوره سلجوقی همزمان با سالهای میانی سده ششم هجری اتابکان فارس بر خـطه پارس دست یافتند، به انگیزه به دست آوردن وجهه مذهبی مردمی، خود را قائم مقام سلیمان یا وارث ملک سلیمان بخوانند. چنانکه از اتابک سعد زنگی با عنوان وارث ملک سلیمان، سلفر سلطان مظفرالدنیا والدين سعد بن اتابک زنگی ناصر عباد الله المؤمنین» یاد می‌شد.(۳۳)
نجف‌زاده)
به همین سبب بود، که سعدی نیز به هنگام مدح و ستایش اتابک سعد زنگی و پسرش ابوبکر، از آنها با عنوان قائم مقام سلیمان یا وارث ملک سلیمان یاد می‌کرد.(۳۴)
سعدی)
بر اساس سلیمان می‌ناستند، گرداگرد آرامگاه کوروش در سال ۶۱۲ ه ق دیواری کشیدند، با ساختن ایوانهای پیرامونی‌اش آنرا به صورت مسجد جامعی در آوردند، که آرامگاه کوروش را عملا بــه صورت زیارتگاه مقدس مورد احترام عامه مردمی قرار داد، که ر ســبــخ اعتقاد شیعه بر لزوم رعایت احترام مدفن مادر سلیمان موجب می‌شد، از ورود جهانگردان کشور‌های باختری به آن مانع شوند!

همین داعیه وراثت مُلک سلیمان و جانشینی سلیمان نبی بود، که در دوره آل مظفر (۷۴۳ تا ۷۹۵ ه ق) شــهــاه شجاع مظفری که از خود با لقب ابوالفوارس یاد می‌کرد و لقب سلیمان نبی مالک هفت اقلیم را در مورد خود به کار می‌برد، فرمان داد، در کنار آرامگاه کوروش کاروانسرای ساختند. و در کتیبه یادگاری اش او را مالک هفت اقلیم خواندند.

ساخت و ســازــهــای اتابکان فارس و شاه شجاع مرور زمان اندک اندک گذشته پاسارگاد و نام کوروش فراموش شد. چنانکه در پایان دوره ساسانی، خاطره مجد و عظمت پیشین در ذهن و ضمیر عامه مردم چندان به بی‌رنگی گرائیده بود، که کمتر کسی سوابق تاریخی پاسارگاد را به یاد داشتند. با این وصف همان اندک آگاهی‌ها که به اهمیت تاریخی پاسارگاد واقف بودند، مقارن حمله اعراب آرامگاه کوروش را مرقد مادر سلیمان بن داوود معرفی کردند.

تا به این ترقد انهدام آرامگاه کوروش را مانع شوند. زیرا سلیمان بن داوود، پادشاهی یهودی بود که رسالت پیامبری داشت. در تورات و متون مذهبی اسلامی از جایگاه بلند وی و کرامت فرمانرویی‌اش بر موجودات عالم به اراده الهی یاد شده بود. بنابر روایات اسلامی می‌گفتند: «ره گاه حضرت سلیمان بر بساط می‌نست و در در اطراف و کائف عالم گردش می‌کرد، به هنگام نماز به هر جا می‌رسید، دیوهای کثیری که در فرمان او بودند، از سنگ‌هایی که حمل آن به دست بشر امکان پذیر نبود، فوراًمسجدی یا تختی برای او می‌ساختند تا آن حضرت در آن مسجد نماز گزارد.»(۳۰)
سامی)

به این ترتیب دشت مُرْغاب در دوره اسلامی جایگاه سلیمان نبی شناخته شد. چنانکه در فارسنامه ابن بلخی آمده: «گور مادر سلیمان را از سنگ کرده‌اند. خانه‌ای چهار سو، هیچ کس در آن خانه نتواند نگریدن که گویند طلسمی ساخته‌اند، که هر که در آن خانه بنگرد، کور شود. اما کس را ندانیدم، که این آزمایش کنی.»(۳۱)
ابن بلخی)
آیا آنکه محمالله مستوفی نیز در نزه القلوب در وصف مرغزار مشهد سلیمان نوشته: «مرغزار کالان به جوار گور مادر سلیمان، طولش چهار فرسنگ اما عرض کمتر دارد. گور مادر سلیمان را از سنگ کرده‌اند، خانه چهار سو است...»

با این وصف از حیث تاریخی معلوم نیست، آرامگاه کوروش از چه زمانی به مشهد مادر سلیمان یا مشهد النبی تغییر نام یافت. شاید مقارن با تهاجم اعراب و تحولات اجتماعی پیامدش، لزوم نوعی تطابق بین اعتقادات وارداتی عربی و اسطوره‌های کهن ایرانی موجب این نامگذاری

جعفر، برادر هارون الرشید است، که پسار کیدی را تیول داشت، وقتی از جانب خلیفه به حکومت آنجا رفت، و مادرش که همراه او بود، در آن سرزمین درگذشت، از آن وقت معروف به مشهد مادر سلیمان شد. به مرور زمان گمان کردند، ســلــیــمــان پیامبر است، پس مشهد النبی نیز گفتند.(۳۵)
فرصت الدوله شیرازی)
پس از ماندلسو، جان استرویس struys در سال ۱۶۷۲ میلادی و دوبروین در ســال ۱۷۰۶ میلادی و جیمز موریه Morier در سال ۱۸۰۹ از دشت مُرْغاب دیدن کردند، و از نیايشگاهی نام بردند، که زنان پیشانی‌هایشان را بر ســنــگــهــایش می‌سایندند، و می‌بوسیدند، و بعد از نیايش کوتاهی از آنجا بیرون می‌رفتند، به بهانه آنکه نیايشگاه زنان است، از ورود مردان به آن جلوگیری می‌شد. شاید همین امر بود، که سبب شد، موریه بپنندار، آرامگاه کوروش، در جای دیگری در حوالی جنوب و اطراف شهر فعلی فسا است. پس از موریه، ویلیام اولزلی ouseley نیز در سال ۱۸۱۱ میلادی آرامگاه کوروش را، در نواحی جنوبی‌تر دانست، نظریه‌ای شبیه به موریه بر ابراز کرد. تا اینکه روبرت کرپوتر RobertkerPorter دیپلمات نقاش و خاورشناس جهانگرد انگلیسی در سال ۱۸۱۱ میلادی با توجه به نوشته‌های نویسندگان باستانی یونان به شناخت آرامگاه کوروش ناائل آمد. مشهد مادر سلیمان را آرامگاه کوروش کبیر دانست. طرح‌های زیبایی گویایی از دشت پاسارگاد کشید. که حائز اهمیت هنری و تاریخی است.

پس از او کلودی یوس جیمز ریچ Claudius James Rich جهانگرد باستانشناس و مردم‌شناس انگلیسی اوائل قرن نوزدهم در پی کاوش‌های باستان‌شناسی در بابل و پژوهش‌های مردم‌شناسی در مورد پیروان آیین یزیدی در نواحی کردستان عراق و بررسی موقعیت جغرافیایی آسیای صغیر از طریق بصره و سواحل خلیج فارس به ایران آمد. و از شیراز و دشت مُرْغاب دیدن کرد. اگر چه بیماری ویا او را امان نداد، و در پنجم اکتبر سال ۱۸۲۱ درگذشت، با این حال توانست قبل از ابتلاء به بیماری طرح‌های قیق و روشنگری از دشت مُرْغاب باقی گذارد.

پس از آرامگاه کوروش بزرگ چنین گویند: «شکوه این آرامگاه مرا دچار شگفتی کرده است. به حدی که می‌بینم درک درستی از آن ندارم. حدود یک ساعت روی پله‌های آرامگاه نشستم. تا آنکه ماه بر فراز آسمان آشکار شــســد. پایپای با خود می‌اندیشیدم، که این آرامگاه بی‌شک می‌باید از آن بزرگ‌ترین و پاک نهادترین پادشاه خاور زمین باشد.»(۳۶)
Rich)

پژوهش‌های پیمالد، از خرابه‌های دشت پاسارگاد سالها بعد به کوشش خاور شناسانی چون تکسیهTextie فلاندن، کســْــتــ coste پی‌گیری شد. تکسیه از آرامگاه کوروش و کاخ‌های پاسارگاد کرده برداری کرد، و طرح‌ها و برش‌های طولی ارزنده‌ای کشید که گویای چگونگی وضع ابنیه پاسارگاد در عهد باستان بود.(۳۷)
Texier)

تا اینکه در ســال ۱۸۷۶ فردریک کارل اندراس Franz Carl Andreas و فرانز اشتولز Franz Stolze گمانه زنی‌ها و حفاری‌های دیگر کردند و در پی کشفیات بیشتر برآمدند. در سال ۱۸۷۸ میلادی نخستین مجموعه رفرتور تاریخی از ویرانه‌های کاخ‌های پاسارگاد و باقی ماندهٔ ابنیهٔ تخت جمشید و نقش رستم به کوشش اشتولز Stolze فراهم آمد.

پس از اشتولز مارسل دیولا فرDieulafoy در سال ۱۸۸۱ طرح‌ها و رفرتورهای دیگری را بانی شد. و در سال ۱۸۸۹ میلادی پژوهش‌های تکمیلی لرد کرزن lord curzon به سان فصل الخطابی قاطع به شک و شبهه‌ها و ابهامات تاریخی پایان داد. ابنیه باقی مانده در دشت پاسارگاد رامتلقی به نخستین پادشاهان پارس، و زیارتگاه مرقد مادر سلیمان را، آرامگاه کوروش کبیر دانست.

گزارش تاریخی لرد کرزن، در کســاب ایران و قضیهٔ ایران، نشان می‌دهد، تا زمان او، آرامگاه کوروش زیارتگاهی، به شمار می‌آمده، که داخل آن خطوط نسخ تزئینی و جامه‌ا و اشیاء و برنجی انداللی زیارت‌کنندگان را بر جدارهٔ دیوارها، دیده می‌شدند است. هاله تقدس و باور مردم به جنبه معنوی مذهبی‌اش به حدی بوده که مصلوبین سگهای هار راز، پس از شستشو در رود پلوار به آرامگاه کوروش می برده و مدت هفت شبانه روز اقامت می داده اند، تا درمان پذیرند! (۳۸)
کرزن)

فرهنگی

چهارشنبه ۳ مرداد۱۳۹۷– سال نودوسوم – شماره۲۷۰۵۸

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۶۴ **اخباریات**

کریم فیضی

لوح

در کوچه باغ اندیشه – ۹۰

فرورفتگان و فرارفتگان

کسی که تعلقش نسبت به جان و جهان قطع نشده باشد، اتصالش به جانان محل تردید است.

تفاوت خدا و انسان و انسان در زمان است. خدا زمان ندارد و انسان چیزی غیر از زمان. فرورفتگان در زمان سنگین‌اند و فرارفتگان از زمان سبک.

گردبادها هربار که علیه خورشید ائتلاف کرده اند، با فـضیـحـت تن به نابودی داده اند. ائتلاف علیه خورشید نتیجه‌ای جز شکست ندارد.

مسئله طبیعت زمان و مسئله ماوراء طبیعت «لا زمان» است. کسی که از زمان نگذرد، به ماوراء طبیعت نمی‌رسد.

ایران و ایرانی‌یک چیز است. تنها کشوری که از ملتش و تنها ملتی که از کشورش تفکیک نمی‌پذیرد و جدا نمی‌شود، ایران است.

خیانت به انسان خیانت به خداست.همچنانکه جنایت به انسان زنده به گور کردن خداست. در انسان خدا را ندیدن، اجحاف در حق انسان و آنگاه خداست.

تورم در شکل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی‌اش هزینه‌ای است که ما ایرانیها به جهت ایرانی بودنمان بــه تاریخ پرداخت می‌کنیم. به طور کلی، زندگی در ایران در هیچ دوره‌ای بدون هزینه‌های سهمگین نبوده است.

پیرها هرچه پیرتر می‌شوند، غمگین‌تر می‌شوند. نظاره جمع شدن ابعاد و آفاق حیات با چشم خوشتن، خواه ناخواه غمی سنگین را بر وجود مستولی می‌کند.

آنجا که آزادی نباشد، چیزی جز «اضطرار» و «استیصال» بر جای نمی‌ماند. از این رو، ملت ناآزاد به طور قطع ملتی مستاصل و مضطر است، حتی اگر خــســودش نداند و قبول نکند. از میزان اضطرار و استیصال و عدم استیصال و عدم اضطرار یک ملت می‌توان که آیا از آزادی بهره‌ای دارند یا بی‌بهره‌اند.

متناقض‌تر از تناقض، «روحانی‌مادی» است. روحانی مادی تناقضی است که راهی برای حلش وجود ندارد.

کسانی که ادعای اصلاح همه‌چیز و همه‌کس را دارند، فریبکاری بیش نیستند!

آنچه بر یک فرد حکومت می‌کند، اراده و آنچه بر یک ملت حکومت می‌کند، تقدیر است. تقدیر عبارت است از اراده الهی. اراده الله تقدیر است و محتوم.

جسم سرنوشتی جز فرسودگی ندارد و روح سرنوشتی جز رهایی. جسم رهایی نمی‌شناسد و روح آرامگاه کوروش می‌برده و مدت هفت شبانه روز اقامت می داده اند، تا درمان پذیرند! (۳۸)
کرزن)

کسی که از مردمان مأیوس نشود و از انسانها قطع امید نکند، بویی از توحید، نبوده است.

گزاره‌ها بین «سلب و ایجاب» در نوسانند. از سلب به ایجاب می‌روند و از ایجاب به سلب.

چه باید کرد با جامعه‌ای که با ظلم زنده است و از بین رفتن بی‌عدالتی می‌میرد؟!

جامعه‌ها تا زمانی اصلاح می‌پذیرند که «آزادی» قربانی نشده‌باشد.

اصلاح یک جامعه زمانی ممکن است که آزادی در آن محفوظ باشد. جامعه‌ای که آزادی را از دست داده باشد، با «اصلاح» وداع کرده است.

کسی که به متافیزیک بیش از فیزیک اعتقاد نداشته باشد، هنوز نمی‌داند طبیعت چیست.

انسانها در زمان به دنیا می‌آیند تا از زمان بزرگ‌تر شوند.

اگر این اتفاق نیفتد، در زمان نابود خواهند شد.

شعر زندگی دچار تنگی قافیه شده است، از زمانی که حاکمان بر شاعران امر می‌کنند...

خاص‌تر از جامعه‌ای که تارش ظلم و پوشش بی‌عدالتی است، قابل تصور نیست.

رابطه حقیقی در عالم، رابطه مادر و فرزندی است اما همین رابطه هم بدون مهر و محبت بی‌ارزش است.

سخنی بالاتر و دقیق‌تر از «تقدیر» وجود ندارد.

کسانی که تقدیر را چیزی معادل «جبر» می‌دانند، هیچ فهمی از معانی دقیق ندارند.

توحید نیازمند فهم است. خدایی که به صورت تصادفی کشف شود، با تصادفی دیگر زایل می‌شود.

ایران، در یک کلام همان ایرانی است از دم تا بادم. بنابراین، ایران یک کشور نیست، هشتاد میلیون کشوراست!

کسی که خدا را در انسان نیابد، انسان را هم در خدا نخواهد یافت و این آغاز سیری است که انتهایش حیوانیت و درندگی است.

تناقض هنر آدمی است و هنر فضیلت‌او. بدینگونه نسب تناقض به انسان و نسب انسان به هنر و نسب هنر به فضیلت او می‌رسد.

اینکه می‌گویند: بار زندگی روی عقل است، حرف صحیحی است اما کمتر کسی می‌داند که بار خود عقل را عقیق بر دوش می‌کشد.

فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۶۴ **اخباریات**

کوروش به منظور ثبت در تاریخ از کشور گشایی خرابکارانه خود در کتیبه‌ای به شرح زیر یاد کرد:
...معابد ایلام را به خاک یکسان کردم. و خدایان و الهه‌های آنها را به باد یغما دادم...من قبور شاهان قدیم و جدید آن را... ویران و متروک کردم...سرزمین ایلام را به بیابانی بی‌کشت و زرع تبدیل کردم، در روستاهای آن نمک پاشیدم...سراسر ایلام را به تباهی کشیدم. صدای مردم و صدای پای چارپایان کوچک و بزرگ و هر نوع زرمزمه شادی و پایکوبی را در کشتزار و دشت‌های آن خاموش کردم. و آن را به شکلی در اوِردم که الاغ‌های وحشی و غزال‌ها و حیوانات وحشی در خرابه‌های آن با آرامش بپارایند... (۱۳ مجید زاده) ولی یاد کرد تاریخی کوروش بزرگ از پیروزی‌اش در بابل که بر استتوانه معروف او نقر است. جلوه‌ای انسان منشانه و مردم گرا به شرح زیر دارد.

«... سربازان بی شمار من کوروش به آرامی وارد بابل شدند. من اجازه ندادم که هیچ کس کشور سومر و اکد را در وحشت فرو ببرد. من برای صلح کوشیدم... من بیگاری را برانداختم. من کمک کردم برای آباد کردن خرابی خانه‌ها، و این چنین به شکایات آنها پادام دادم... من به شهرهای مقدس آن سوی دجله که پرستش گاهها شان دیر زمانی به ویرانی افتاده بود، خدایان را بر گردانیدم، که پیشتر در آنجا بودند...»(۱۴ Oppenheim)
افزون بر کتیبه‌های تاریخی یاد شده،افلاطون در کتاب قوانین درباره منش کوروش و شیوهٔ کشورداری‌اش چنین می گوید: «در زمان سلطنت کوروش، پارسبان آزادی داشتند. و همه مردان آزاد بودند. و مالک و فرمانروای بسیاری از مردمان دیگر نیز بودند. فرمانروایان رعایای خود را در آزادی سهیم کرده بودند. زیرا که سربازان و افسران همه را به یک چشم می دیدند. با همه به برابری رفتار می کردند. سربازان در مواقع خطر جان فدا بودند. و در جنگها تا پای جان می‌کوشیدند... شاه به کسی حسادت نمی‌ورزید، او به همه آزادی می داد تاآنچه می‌خواهد، بگویند. و آنکه اندرز بهتر می‌داد، و رای (درست‌تری عنوان می‌کرد) گرامی‌تر می‌داشت. به همین خاطر بود، که کشور در هر زمینه ای پیشرفت کرد و بزرگ شد.» (۱۵ شهنازی)

سینهٔ صدر کوروش بزرگ دربابل که با تساهل مذهبی اجازه داد، هرکس در پرستش خدای خود آزاد باشد، و خدایانی که بنوید به بابل آورده بود، را به جایگاهشان باز گرداند، موجب شد‌از سوی کاهنان بابلی برگزیده مردوک شناخته شود... (Oppenheim ۱۶)
به نظر پهلوان (۱۷ کتاب عزرا) اسارت بخت النصر رسته نیز کوروش، برگزیده پیهو و نجات بخشی بود، که آمده بود، یوغ بندگی را از گردن آنها بردارد. و ارمان‌آور آزادی و کرامت انسانی باشد. از این رو، بسیاری از بزرگان و پیامبران یهودی او را رهایی بخش و شبانی می‌دانستند که از سوی یهود آمده بود. تا دواپاره در اورشلیم خانه خدا باز سازی کند. (۱۷ کتاب عزرا)

روش مطلوب و انسان منشانه کوروش در تقابل و تعامل بسا مردم ملل مغلوب به او آن چنان نیک نامی جهانگیری بخشیده بود، که نسل‌های بعدی نیز از او به عنوان عادل‌ترین پادشاه شرق یاد می‌کردند. اسکندر مقدونی نیز نسبت به بنیان‌گذار امپراتوری پارس احترام ژرف داشت.(۱۸ نجف‌زاده)
کوروش به همان شیوه که با آژی دهاک پادشاه تاج و تخت باخته ماد به جوان مردی رفتار کرد... در به لیدیه کروزر او را با رفتاری بزرگوارانه بخشید. در بابل نیز با مهربانی و سخاو بزرگ رفتار کرد. به آرا و عقائد و آیین بابلیان احترام گذاشت. یهودیان و دیگر اقوام اسیر را آزاد کرد. ظروف مقدس معبد اورشلیم را به شاهزادگان یهودی پس داد، معیند آنها را باز سازی کرد. خدایان سرزمین‌های کهن را که بنوید به بابل آورده بود، به جاهای نخستین باز گرداند. به گونه‌ای که رفتار کوروش حاکی از توجه فرمانروایی نیک خو به حقوق حقهٔ انسانها تلقی شد. همان که امروز حقوق بشر نام دارد. درین است، که برخلاف شواهد مسلم تاریخی، واتفاق نظر مثبت بیگانگان نسبت به کوروش، برخی از هموطنان که بی‌هیچ موجب قابل درکی در پی امحاء پیشینه فرهنگی و افتخارات تاریخی ایرانیان برآمده‌اند، به بهانه آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بود، و سوابقش در دهه‌های هفتاد و هشتاد سده هیجدهم میلادی در آمریکا و فرانسه ناشی از انقلاب

صنعتی است. کوروش را میرا از اندیشه و آرمان حقوق بشری بدانند! و ناخود آگاه بروز و ظهور خصلت‌های انسانی رامنحصر به دو سده اخیر کنند!

مذهب کوروش بزرگ

باور مذهبی و عقیده و الفت آیینی کوروش چندان مشخص نیست. شواهد و مدارک تاریخی دقیق نشان نمی‌دهد، کوروش بر چه باور مذهبی بوده است. آیا به دین خدایان ایلامی مانند هومبان Humban گرویده یا باورهای کهن ایرانی داشته است. الواح تخت جمشید نشان می‌دهد. در سرزمین پارس خدایان بی‌شماری را می‌پرستیده‌اند. افزون بر آن گرد آمدن اقوام ایلامی، پارسی، مادی و اقوام دیگر، در سپاه زیر فرمان کوروش بزرگ و تساهل و تسامح توأم با احترام وی نسبت به آداب و رسوم و مذاهب مرسوم و متداول در فلات ایران و سرزمین‌های دستم یافته، مانع از آنست که وی را به ضرس قاطع معتقد به آیین ویژه‌ای بدانیم؛ جز اینکه برخی از روایت‌های تاریخی یونانی و رومی را که حاکی از تعلق خاطر او به آیین میترائیسم است، بپذیریم و به قید احتمال او را باورمند به الهه میترا قلمداد کنیم. زیرا گزنفون ضمن شرح جشن‌های سالانه سلطنت کوروش در پارس، از قربانی کردن اسب در پیشگاه خورشید(میترا) یاد می کند. و اِراهه‌ای که با سساز و برگ سفید رنگ و تاج دار چون اِراهه زئوس Zeus به پیشگاه میترا هدیه می کردند. (۱۹ گزنفون)
استرابو strabo نیز گزارش می‌دهد، هر سال به مناسبت جشن‌هایی که به افتخار خدای میترا در دربار پارسی می‌گرفتند، ساتراپ ارمنستان بیست هزار کره اسب، به دربار پارس نزد کوروش می‌فرستاد.(۲۰ استرابو)
آریان Arrian نیز خبر می‌دهد. در زمان سلطنت کمبوجیه به معنایی که نگهبان آرامگاه کوروش بودند، هر روز یک گوسفند، مقداری آرد، و شراب، و هر ماه یک اسب برای قربانی می‌دادند.(۲۱ استرابو)
از آنجا که قربانی کردن اسب ویژه آیین مهر است، و عدالت و جنگاوری و نور و خیرخواهی و برکت و ثمر بخشی از مظاهر خدای میترا و مطابق با فزروه‌های مورد توجه و عمل کوروش بزرگ، به نظر می‌رسد، کیش کوروش بزرگ و دیگر شاهان صدر هخامنشی آیین مهر باشد.
ادامات عمرانی کوروش بزرگ از اقدامات عمرانی رفاهی کوروش، ساخت بناها و ایجاد پردیس‌های گسترده ایست، که در دشت پاسارگاد، واقع شد. دشتی به مساحت بیست کیلومتر درازا و پانزده کیلو متر پهناکه در منطقه جنوبی زاگرس، ارتفاع ۱۹۰۰ متری سطح دریا و حد فاصل چهل کیلو متری شمال تخت جَمشید، قرار دارد. با جریان آب رودخانه‌های پُلوار و دشت مُرْغاب که از سمت شمال به جنوب، جاری است، از دیر باز، خرّومی و سرسبزی ویژه‌ای را حائِز بوده است، که موجب شده، به نشانه برکه‌های پر شمار و مرغ‌های شناور در برکه‌هایش دشت مُرْغاب نامیده شود. دشتی که کوروش به ساختن کاخ‌ها و پردیس‌های مصفا در آن اقدام کرد.

تا نیاپا تشریفات امپراتوری نو بنیاد پارس را برآورد. برای احداث و تکامل و تزئین ابنیه در دست ساختش، هنرمندان صنعتگر و سنگ تراش لیدیایی، ایونی، صوری و فنیقی، را به کار گرفت. به نحوی که مجموعهٔ عمارات و ابنیه اش از هنر آسیایی کوچک تأثیر یافت. به نظر می‌رسد، انتخاب پاسارگاد برای پایتخت از سوی کوروش بزرگ، افزون بر آنکه زادگاه پارسیان بود، به لحاظ موقعیت جغرافیایی و جایگاه ارتششش بود. که در شمالی‌ترین نقطه پارس قرار داشت. بلندترین دره زادگاهیش به شمار می‌آمد. که بر مرزهای دولت ماد مسلط بود. می‌شد از آن مکان ارتباط مؤثری با نواحی دیگر بر قرار کرد.(۲۲ استروناخ)
پس از کوروش اهمیت پاسارگاد که آمیخته به تقدس و یادگار پیروزی سرنوشت ساز خخامنشیان بر دولت ماد بود، آن چنان جایگاه شایانی یافت، که شاهان هخامنشی، مراسم تاج گذاری‌های خود را در آن ناحیه و بر سکو‌هایی که به این منظور ساخته شده بود، برگزار می‌کردند!

چگونگی واژه پاسارگاد

گرچه از واژه پاسارگاد پیش از آنکه به عنوان پایتخت شاهنشاهی کوروش یاد شود، در نوشته برخی از نویسندگان یونانی مانند هرودوت، به صورت نام قبیله‌ای یاد شده است. تنی چند، آنرا به معنی سر زمین پارس می‌دانند.

دانسته‌اند. به هنگام نوشتن و خواندن حرف (راه) را بر حرف (سین) مقدم داشته‌اند. به صورت فَرَسار گیده phrasargida به کار برده‌اند. گروهی پسر گده و پسر گادی Passaragadai و در معنی جایگاه لُشسکریان دانسته‌اند. (۲۳ ptoley)

از آنجا‌که آنآکسیمن، یکی از معلمان اسکندر که با او در ایران بود، نیز گفته است: معنی اسم این شهر دژ پارس

سیری در سوابق دودمان‌های پارسی باستان۲/ گزارش تاریخی



است. به استناد گفته او، مشیرالدوله پرنییا در تاریخ ایران باستان اسم این شهر را پارس گرد، دانسته است. و نامهای با گرد درست شده بر گرد، درابگرد، رامگرد، دستگرد را گواه آورده است، که چون پسوند گرد به معنی شهر است. پاسارگاد در اصل پارسه گرد بوده است. که برگرفته از دو واژهٔ پارس + گرد است. (۲۴ پیرنیا)
فاندان Flandin جهانگرد و تاریخ نگار فرانسوی نیز نظری مشابه با مشیرالدوله پرنییا دارد. پاسارگاد را مرکب از دو واژه پسا+ گرد؛ پسگرد و مترادف با شهر فسا می‌داند(۲۵ فاندن)
علی سامی پسوند گده یا کده به معنی جایگاه را که در واژه‌های میکده، دانشکده، آتشکده، پاسارگاد را مرکب از دو واژه پارس+ گده دانسته، جایگاه پارس معنی کرده است.(۲۶ سامی)
برخی از پژوهشگران نیز به ملازمه آنکه، هریک واژه‌های گاده، گاه، گاؤ، گاتو در پارسی باستان و زبان اوستایی معنی تخت و تختگاه می‌دهد، پاسارگاد را به معنی تختگاه پارسیان نیز دانسته‌اند.

از مجموع گفته‌های پیشین در می‌یابیم، پاسارگاد افزون بر آنکه نام یکی از ده قبیله فارسیی است، نام سرزمینی است که خاستگاه خاندان پارسی هخامنشی است. خاندانی که عملکردشان موجب دگرگونی در شیوه جهان گشایی و کشور داری دنیای کهن شد.

پس از غروب آفتاب دولت هخامنشی که پاسارگاد به دست گویارس سردار اسکندر افتاد. نویسندگان و تاریخ‌نویسان از پاسارگاد با عنوان شهر کوروش و محل کاخ‌ها و آرامگاه او یاد کردند. جایی که اسکندر در سال ۳۲۴ پیش از میلاد بسه آن پا نهاد. و از دیدن بی‌حرمتی به آرامگاه کوروش و مرقد شش‌گانه در رمخ، ریمختاش غمگین شد.(Arrien Anabasis ۲۷)

اسکندر آرامگاه فرازمندی دید، که در میان شاخه‌های درختان پردیسی قرارگرفته بود. پله‌های پهن و بلندی در پایین و حجره و بامی با ورودی تنگ در بالا داشت. (۲۸ استرابو، به نقل از اونیسکریتوس یکی از سرداران

اسکندر در شرح چگونگی‌اش می‌گوید: آرامگاه ده پله داشت، قبر کوروش در قسمت بالا بود. کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی و پارسی داشت، که بر آن نوشته شده بود، (این آرامگاه من است، کوروش شاهنشاه) (۲۹ استرابو)

پس از هخامنشیان، در دوره سلوکیان و برخی شاهان مستقل پارس همچنان برخی از کاخ‌های پاسارگاد مورد استفاده بود. حتی کشف برخی از آثار حاکی از آنست که در پی تغییر نام آرامگاه کوروش به مشهد،مادر سلیمان بن داوود، کاخهای کوروش به نام سلیمان نبی و سراسر دشت مُرْغاب به نام مادر سلیمان آنچنان معروفیتی یافت، که در تلو زمان استمرار داشت، موجب شد، هنگامی که در سالهای پایانی دوره سلجوقی همزمان با سالهای میانی سده ششم هجری اتابکان فارس بر خطه پارس دست یافتند، به انگیزه به دست آوردن وجهه مذهبی مردمی، خود را قائم مقام سلیمان یا وارث ملک سلیمان بخوانند. چنانکه از اتابک سعد زنگی با عنوان وارث ملک سلیمان، سلفر سلطان مظفرالدنیا والدین سعد بن اتابک زنگی ناصر عباد الله المؤئنین» یاد می‌شد.(۳۳ نجف‌زاده)
به همین سبب بود، که سعدی نیز به هنگام مدح و ستایش اتابک سعد زنگی و پسرش ابوبکر، از آنها با عنوان قائم مقام سلیمان یا وارث ملک سلیمان یاد می‌کرد.(۳۴ سعدی)
بر اساس سلیمان می‌ناستند، گرداگرد آرامگاه کوروش در سال ۶۱۲ ه ق دیواری کشیدند، با ساختن ایوانهای پیرامونی‌اش آنرا به صورت مسجد جامعی در آوردند، که آرامگاه کوروش را عملاً سه صورت زیارت‌گاه مقدس مورد احترام به لزوم مردمی قرار داد، که ر سسوخ اعتقاد اشران به لزوم رعایت احترام مدفن مادر سلیمان موجب می‌شد، از ورود جهانگردان کشورهای باختری به آن مانع شوند!

همین داعیه وراثت مُلک سلیمان و جانشینی سلیمان نبی بود، که در دوره آل مظفر (۷۴۳ تا ۷۹۵ ه ق) ششاه شجاع مظفری که از خود با لقب ابوالفوارس یاد می‌کرد و لقب سلیمان نبی مالک هفت اقلیم را در مورد خود به کار می‌برد، فرمان داد، در کنار آرامگاه کوروش کاروانسرای ساختند. و در کتیبه یادگاری اش او را مالک هفت اقلیم خواندند.

ساخت و سسازهای اتابکان فارس و شاه شجاع مرور زمان اندک اندک گذشته پاسارگاد و نام کوروش فراموش شد. چنانکه در پایان دوره ساسانی، خاطره مجد و عظمت پیشین در ذهن و ضمیر عامه مردم چندان به بی‌رنگی گرائیده بود، که کمتر کسی سوابق تاریخی پاسارگاد را به یاد داشتند. با این وصف همان اندک آگاهی‌ها که به اهمیت تاریخی پاسارگاد واقف بودند، مقارن حمله اعراب آرامگاه کوروش را مرقد مادر سلیمان بن داوود معرفی کردند.

تا به این ترقد انهدام آرامگاه کوروش را مانع شوند. زیرا سلیمان بن داوود، پادشاهی یهودی بود که رسالت پیامبری داشت. در تورات و متون مذهبی اسلامی از جایگاه بلند وی و کرامت فرمانرویی‌اش بر موجودات عالم به اراده الهی یاد شده بود. بنابر روایات اسلامی می‌گفتند: «ره گاه حضرت سلیمان بر بساط می‌نست و در در اطراف و کائف عالم گردش می‌کرد، به هنگام نماز به هر جا می‌رسید، دیدم گاهی که در فرمان او بودند، از سنگ‌هایی که حمل آن به دست بشر امکان پذیر نبود، فوراًمسجدی یا تختی برای او می‌ساختند تا آن حضرت در آن مسجد نماز گزارد.»(۳۰ سامی)

به این ترتیب دشت مُرْغاب در دوره اسلامی جایگاه سلیمان نبی شناخته شد. چنانکه در فارسنامه ابن بلخی آمده: «گور مادر سلیمان را از سنگ کرده‌اند. خانه‌ای چهار سو، هیچ کس در آن خانه نتواند نگریدن که گویند طلسمی ساخته‌اند، که هر که در آن خانه بنگرد، کور شود. اما کس را ندیدیم، که این آزمایش کند.»(۳۱ ابن بلخی)
آیا آنکه محمالله مستوفی نیز در نزه القلوب در وصف مرغزار مشهد سلیمان نوشته: «مرغزار کالان به جوار گور مادر سلیمان، طولش چهار فرسنگ اما عرض کمتر دارد. گور مادر سلیمان را از سنگ کرده‌اند، خانه چهار سو است...»

با این وصف از حیث تاریخی معلوم نیست، آرامگاه کوروش از چه زمانی به مشهد مادر سلیمان یا مشهد النبی تغییر نام یافت. شاید مقارن با تهاجم اعراب و تحولات اجتماعی پیامدش، لزوم نوعی تطابق بین اعتقادات واداتی عربی و اسطوره‌های کهن ایرانی موجب این نامگذاری

شد. که در توضیح و تبیینش میرزا حسن فسایی در فارس نامه ناصری می‌گوید: «مشهد محل شهادت و قبر انبیاء و اولیه و بسزرگ زادگان دین را گویند. «...این بلوک را مشهدالنبی گفته، چون عجم حضرت سلیمان و جمشید را یکی دانسته‌اند، آنرا مشهد مادر سلیمان گفته‌اند.» (۳۲ فسایی)

در پی تغییر نام آرامگاه کوروش به مشهد،مادر سلیمان بن داوود، کاخهای کوروش به نام سلیمان نبی و سراسر دشت مُرْغاب به نام مادر سلیمان آنچنان معروفیتی یافت، که در تلو زمان استمرار داشت، موجب شد، هنگامی که در سالهای پایانی دوره سلجوقی همزمان با سالهای میانی سده ششم هجری اتابکان فارس بر خطه پارس دست یافتند، به انگیزه به دست آوردن وجهه مذهبی مردمی، خود را قائم مقام سلیمان یا وارث ملک سلیمان، سلفر سلطان مظفرالدنیا والدین سعد بن اتابک زنگی ناصر عباد الله المؤئنین» یاد می‌شد.(۳۳ نجف‌زاده)
به همین سبب بود، که سعدی نیز به هنگام مدح و ستایش اتابک سعد زنگی و پسرش ابوبکر، از آنها با عنوان قائم مقام سلیمان یا وارث ملک سلیمان یاد می‌کرد.(۳۴ سعدی)
بر اساس سلیمان می‌ناستند، گرداگرد آرامگاه کوروش در سال ۶۱۲ ه ق دیواری کشیدند، با ساختن ایوانهای پیرامونی‌اش آنرا به صورت مسجد جامعی در آوردند، که آرامگاه کوروش را عملاً سه صورت زیارت‌گاه مقدس مورد احترام به لزوم مردمی قرار داد، که ر سسوخ اعتقاد اشران به لزوم رعایت احترام مدفن مادر سلیمان موجب می‌شد، از ورود جهانگردان کشورهای باختری به آن مانع شوند!

همین داعیه وراثت مُلک سلیمان و جانشینی سلیمان نبی بود، که در دوره آل مظفر (۷۴۳ تا ۷۹۵ ه ق) ششاه شجاع مظفری که از خود با لقب ابوالفوارس یاد می‌کرد و لقب سلیمان نبی مالک هفت اقلیم را در مورد خود به کار می‌برد، فرمان داد، در کنار آرامگاه کوروش کاروانسرای ساختند. و در کتیبه یادگاری اش او را مالک هفت اقلیم خواندند.

ساخت و سسازهای اتابکان فارس و شاه شجاع مرور زمان اندک اندک گذشته پاسارگاد و نام کوروش فراموش شد. چنانکه در پایان دوره ساسانی، خاطره مجد و عظمت پیشین در ذهن و ضمیر عامه مردم چندان به بی‌رنگی گرائیده بود، که کمتر کسی سوابق تاریخی پاسارگاد را به یاد داشتند. با این وصف همان اندک آگاهی‌ها که به اهمیت تاریخی پاسارگاد واقف بودند، مقارن حمله اعراب آرامگاه کوروش را مرقد مادر سلیمان بن داوود معرفی کردند.

تا به این ترقد انهدام آرامگاه کوروش را مانع شوند. زیرا سلیمان بن داوود، پادشاهی یهودی بود که رسالت پیامبری داشت. در تورات و متون مذهبی اسلامی از جایگاه بلند وی و کرامت فرمانرویی‌اش بر موجودات عالم به اراده الهی یاد شده بود. بنابر روایات اسلامی می‌گفتند: «ره گاه حضرت سلیمان بر بساط می‌نست و در در اطراف و کائف عالم گردش می‌کرد، به هنگام نماز به هر جا می‌رسید، دیدم گاهی که در فرمان او بودند، از سنگ‌هایی که حمل آن به دست بشر امکان پذیر نبود، فوراًمسجدی یا تختی برای او می‌ساختند تا آن حضرت در آن مسجد نماز گزارد.»(۳۰ سامی)

به این ترتیب دشت مُرْغاب در دوره اسلامی جایگاه سلیمان نبی شناخته شد. چنانکه در فارسنامه ابن بلخی آمده: «گور مادر سلیمان را از سنگ کرده‌اند. خانه‌ای چهار سو، هیچ کس در آن خانه نتواند نگریدن که گویند طلسمی ساخته‌اند، که هر که در آن خانه بنگرد، کور شود. اما کس را ندیدیم، که این آزمایش کند.»(۳۱ ابن بلخی)
آیا آنکه محمالله مستوفی نیز در نزه القلوب در وصف مرغزار مشهد سلیمان نوشته: «مرغزار کالان به جوار گور مادر سلیمان، طولش چهار فرسنگ اما عرض کمتر دارد. گور مادر سلیمان را از سنگ کرده‌اند، خانه چهار سو است...»

چنانکه آلبریخت فن ماندلسو Mandelso در سال ۱۶۳۸ میلادی آرامگاه کوروش را دیده، از نیاپشگاه کوچکی یاد می‌کند، که با سنگ مرمر سپید بر بالای سکوی بلندی برآمده از پله‌های سنگی بدون ملاط ساخته شده است. اشهر انتخاب آن به سلیمان نبی که مغایر با شرح احوال حضرت سلیمان و خارج نشدنش از ارض اقدس است، او را به پرس و جو وامی‌دارد.
مقیم شیراز و دکتر فرایر درمی‌یابد، سلیمان مورد نظر از خلفای عباسی است. و نه حضرت سلیمان پیامبر و پادشاه قوم یهود، نکته‌ای که فرصت الدوله شیرازی نیز در کتاب آثار عجم به آن می‌پردازد، نقل قول می‌کند، چون برخی جمشید را با سلیمان یکی می‌دانند، شاید مادرش در اینجا مدفون باشد، و اما در یکی از تواریخ اروپا مرقوم است، که مادر سلیمان بن

چهارشنبه ۳ مرداد۱۳۹۷– سال‌نودوسوم – شماره۲۷۰۵۸

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۶۴ **اخباریات**

کریم فیضی

لوح

در کوچه باغ اندیشه –۹۰

فرورفتگان و فرارفتگان

کسی که تعلقش نسبت به جان و جهان قطع نشده باشد، اتصالش به جانان محل تردید است.

تفاوت خدا و انسان و انسان در زمان است. خدا زمان ندارد و انسان چیزی غیر از زمان. فرورفتگان در زمان سنگین‌اند و فرارفتگان از زمان سبک.

گردبادها هربار که علیه خورشید ائتلاف کرده اند، با فضحّت تن به نابودی داده اند. ائتلاف علیه خورشید نتیجه ای جز شکست ندارد.

مسئله طبیعت زمان و مسئله ماوراء طبیعت «لا زمان» است. کسی که از زمان نگذرد، به ماوراء طبیعت نمی‌رسد.

ایران و ایرانی یک چیز است. تنها کشوری که از ملتش و تنها ملتی که از کشورش تفکیک نمی‌پذیرد و جدا نمی‌شود، ایران است.

خیانت به انسان خیانت به خداست،همچنانکه جنایت به انسان زنده به گور کردن خداست. در انسان خدا را ندیدن، اجحاف در حق انسان و آنگاه خداست.

تورم در شکل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی‌اش هزینه‌ای است که ما ایرانیها به جهت ایرانی بودنمان بسه تاریخ پرداخت می‌کنیم. به طور کلی، زندگی در ایران در هیچ دوره‌ای بدون هزینه‌های سهمگین نبوده است.

پیرها هرچه پیرتر می‌شوند، غمگین‌تر می‌شوند. رابطه حقیقی در عالم، رابطه مادر و فرزندی است اما همین رابطه هم بدون مهر و محبت بی‌ارزش است.

سخنی بالاتر و دقیق‌تر از «تقدیر» وجود ندارد.

«استیصال» بر جای نمی‌ماند. از این رو، ملت نآزاد به طور قطع ملتی مستاصل و مضطر است، حتی اگر خودش نداند و قبول نکند. از میزان اضطراب و استیصال و عدم استیصال و عدم اضطراب یک ملت می‌توان که آیا از آزادی بهره‌ای دارند یا بی‌بهره‌اند.

آنجا که آزادی نباشد، چیزی جز «اضطراب» و «استیصال» بر جای نمی‌ماند. از این رو، ملت نآزاد به طور قطع ملتی مستاصل و مضطر است، حتی اگر خودش نداند و قبول نکند. از میزان اضطراب و استیصال و عدم استیصال و عدم اضطراب یک ملت می‌توان که آیا از آزادی بهره‌ای دارند یا بی‌بهره‌اند.

متناقض‌تر از تناقض، «روحانی‌مادی» است. روحانی مادی تناقضی است که راهی برای حلش وجود ندارد.

کسانی که ادعای اصلاح همه‌چیز و همه‌کس را دارند، فریبکاری بیش نیستند!

آنچه بر یک فرد حکومت می‌کند، اراده و آنچه بر یک ملت حکومت می‌کند، تقدیر است. تقدیر عبارت است از اراده الهی. اراده الله تقدیر است و محتوم.

جسم سرنوشتی جز فرسودگی ندارد و روح سرنوشتی جز رهایی. جسم رهایی نمی‌شناسد و روح آرامگاه کوروش می‌برده و مدت هفت شبانه روز اقامت می‌داده اند، تا درمان پذیرند! (۳۸ کرزن)

فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۶۴ **اخباریات**

کریم فیضی

در کوچه باغ اندیشه –۹۰

فرورفتگان و فرارفتگان

دعا قلم آفرینش است. خداوند کتاب خلقت را با قلم دعا نوشته است.

کسی که از مردمان مأیوس نشود و از انسانها قطع امید نکند، بویی از توحید، نبوده است.

گزاره‌ها بین «سلب و ایجاب» در نوسانند. از سلب به ایجاب می‌روند و از ایجاب به سلب.

چه باید کرد با جامعه‌ای که با ظلم زنده است و از بین رفتن بی‌عدالتی می‌میرد؟!

جامعه‌ها تا زمانی اصلاح می‌پذیرند که «آزادی» قربانی نشده‌باشد.

اصلاح یک جامعه زمانی ممکن است که آزادی در آن محفوظ باشد. جامعه‌ای که آزادی را از دست داده باشد، با «اصلاح» وداع کرده است.

کسی که به متافیزیک بیش از فیزیک اعتقاد نداشته باشد، هنوز نمی‌داند طبیعت چیست.

انسانها در زمان به دنیا می‌آیند تا از زمان بزرگ‌تر شوند.

اگر این اتفاق نیفتد، در زمان نابود خواهند شد.

شعر زندگی دچار تنگی قافیه شده است، از زمانی که حاکمان بر شاعران امر می‌کنند...

خاص‌تر از جامعه‌ای که تارش ظلم و پوشش بی‌عدالتی است، قابل تصور نیست.

رابطه حقیقی در عالم، رابطه مادر و فرزندی است اما همین رابطه هم بدون مهر و محبت بی‌ارزش است.

سخنی بالاتر و دقیق‌تر از «تقدیر» وجود ندارد.

کسانی که تقدیر را چیزی معادل «جبر» می‌دانند، هیچ فهمی از معانی دقیق ندارند.

توحید نیازمند فهم است. خدایی که به صورت تصادفی کشف شود، با تصادفی دیگر زایل می‌شود.

ایران، در یک کلام همان ایرانی است از دم تا بادم. بنابراین، ایران یک کشور نیست، هشتاد میلیون کشوراست!

کسی که خدا را در انسان نیابد، انسان را هم در خدا نخواهد یافت و این آغاز سیری است که انتهاپش حیوانیت و دردنگی است.

تناقض هنر آدمی است و هنر فضیلت‌او. بدینگونه نسب تناقض به انسان و نسب انسان به هنر و نسب هنر به فضیلت او می‌رسد.

اینکه می‌گویند: بار زندگی روی عقل است، حرف صحیحی است اما کمتر کسی می‌داند که بار خود عقل را عقیق بر دوش می‌کشد.



سخن

اشاره: پروفسور دکتر ارهاد وزیر اقتصاد جمهوری فدرال آلمان هنگام مسافرت خود به تهران، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در دانشگاه تهران خطابه‌ای به زبان آلمانی ایراد کرد که توسط آقای مهندس عیسی شهابی دانشیار دانشکده ادبیات به فارسی ترجمه شد و اینک در ذیل از نظر خوانندگان می‌گذرد.

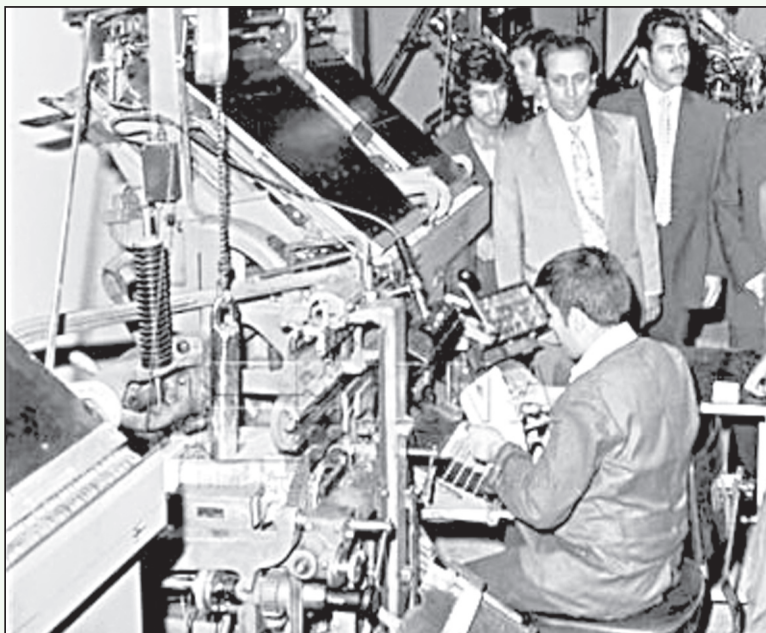
من تصور نمی‌کنم که همه این ملل که به‌طور عموم کشورهای درحال ترقی خوانده می‌شوند آنقدر وقت داشته باشند که وضع اقتصادی و اجتماعی و بالاخره وضع سیاسی خود را که با آن دو ارتباط مستقیم دارد چنان مستحکم سازند که در مقابل خطراتی که آنها را تهدید می‌کند مطلقاً مصون و مأمون بمانند. طبعاً هر پرسش را پاسخی در پی است و جواب این سؤال آن است که باید هر چه زودتر تدابیر لازم را اتخاذ کرد. سؤال دیگری که با آن مواجه هستیم آن است که آیا این کشورها اصولاً قادر هستند که صرفاً با نیروی خود وضعی به وجود آورند که اجرا این تحولات را در یک مدت زمان معین - که از لحاظ سیاسی و اجتماعی حائز اهمیت بسیار است - میسر سازد؟ البته جواب این سؤال نمی‌تواند برای همه کشورها یکسان باشد زیرا تفاوتی که کشورهای مختلف با یکدیگر دارند و مخصوصاً اختلاف مراحل ترقی هر یک از آنها فوق‌العاده زیاد است ولی اگر روی هم رفته و به‌طور کلی قضاوت کنیم می‌خواهیم بگوییم نه، این کشورها قادر به آن نیستند زیرا باید فکر کرد که وسایل لازم از کجا باید تهیه شود. حجم فعالیت این کشورها عموماً هنوز زیاد نیست و همچنین درآمدهای ملی آنها نیز کمتر از آن است که بتواند به شکل وجوه حاصله از صرفه‌جویی و یا به‌صورت درآمد به‌دست آمده از مالیات این قدرت را به کشور بدهد که اقدامات لازم را برای فراهم ساختن این بهبودی‌ها در مهلت مقرر به عمل آورد. بدیهی است که در اینجا نمی‌توان وضع کشوری را در یک مورد معین و یا از لحاظ فعالیتی که برای رسیدن به یک هدف بخصوص ابراز می‌شود ملاک عمل و قضاوت قرارداد.

البته راه حل عملی این نیست که توانگر و فقیر را با هم در دیگی ریخته به هم بزینم و از آن به‌اصطلاح یک کلکتیویسم افراطی بسازیم. نه، جواب صحیح این است که کشورهایی که در مراحل جلوتری از ترقی هستند باید بر مسئولیت و وظایف خود آگاه باشند و به آن کشورها که عقب‌تر مانده‌اند در مجاهداتشان معاونت کنند. از سویی دیگر البته باید در کشورهایی هم که خواهان این معاضدت هستند آمادگی برای دادن تضمینات لازم و ایجاد هرگونه تأمینی که ما ناچار از مطالبه آن هستیم وجود داشته باشد و اگر بخواهند ما علاوه بر اعتمادی که داریم تضمینی هم داشته باشیم که آنچه که امروز بنا می‌کنیم تنها جنبه تقویت اقتصادی نداشته بلکه مقدمه متحد ساختن دنیای آزاد برای انجام یک وظیفه عام و اتخاذ یک مجاهدت مشترک می‌باشد باید این تضمینات و تأمینات به‌طور دائم برقرار باشند. با توجه به بعضی مسافرت‌ها که انجام داده‌ام و پاره‌ای از نظریات که در طی آن کسب کرده‌ام می‌خواهم با رعایت کامل جنبه احتیاط اظهار دارم: آنچه که ممکن است خطرناک باشد این است که کشورهایی که در مراحل عالی تکامل صنعتی هستند در زمینه افزایش قدرت تولید و ادامه پیشرفت اوضاع اجتماعی و بالا بردن سطح

زندگی افراد خود نسبت به کشورهایی که هنوز در حال ترقی هستند سرعت بیشتری دارند و در نتیجه ممکن است قهراً وضعی پیش بیاید که نه تنها آنها را به هم نزدیک نکند بلکه برعکس فاصله فیما بین را زیاده‌تر هم سازد و من ایمان کامل دارم که این وضع چنان غیرقابل تحمل می‌باشد

تجدید حیات آلمان، به واسطه پروفسور ارهاد ۳/۲

راه پیشرفت و ترقی



چاپخانه ای در دهه ۳۰

که ممکن است در نتیجه آن دنیای آزاد از داخل منفجر گردد. بنابراین ما می‌خواهیم با یکدیگر اشتراک مساعی کنیم و به‌کار ادامه دهیم و همین مسأله هم دلیل حضور من در اینجا است. ما در اروپا در مراحل اولیه ترقی از یک لحاظ شرایط بهتری داشتیم، زیرا ما از لحاظ وقت به این شدت وحدت در مضیقه نبودیم بلکه زودتر از همه دست به‌کار شدیم.

ما آن روزها نمونه یا سرمشقی در برابر چشم نداشتیم و مردم هنوز به این شدت برای رسیدن به هدف مجاهدت نمی‌کردند بلکه هنوز هدف مشخصی در کار نبود و به این واسطه با وجود تمام هیجانات سیاسی هر یک از تحولات با آرامش بیشتری صورت می‌گرفت. به‌علاوه تعانس بیشتری در کار بود و گویی اراده خداوند وضع دنیا را چنان خواسته بود که فقط کشورهای اروپایی و در پی آن کشورهای متحده آمریکا مجاز باشند از ترقیات صنعتی و مزایای ناشی از آن برخوردار گردند ولی اینک ملاحظه می‌کنیم که دیگران نیز باید از این مزایا متمتع باشند و دیگر برتری و رجحانی در کار نیست.

البته هنوز اختلافاتی از لحاظ مراحل و سطح زندگی وجود دارد ولی حقیقت این معنی که افراد کلیه کشورها باید به رفاه و آسایش بیشتری نائل آیند قولی است که جملگی بر آنند.

من طی مسافرت‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌ام که با وجود تمام اهمیت و ضرورتی که بالا بردن سطح تولید محصولات کشاورزی (بالاخص در کشور شما) دارد دیگر قابل انکار نیست که یک کشور تنها با ترقی در زمینه کشاورزی به‌سادگی قادر نخواهد بود خود را به پایه کشورهای مدرن صنعتی رسانده هم‌طرز آنها قرار گیرد و در اینجا مقصودم از لحاظ قدرت فنی نیست بلکه منظوم رسیدن افراد یک ملت به افراد ملت دیگر است. بنابراین کشورهای مدرن صنعتی باید امکانات صنعتی شدن تمام

دنیای آزاد را فراهم سازند. شکی نیست اختلاف بین کشورها از لحاظ مراحل تکامل همیشه باقی خواهد ماند ولی با وجود این باید کوشش کرد و تا حدی که ممکن است از آن کاست.

قبلاً اشاره کردم که ما از یک لحاظ دارای شرایط بهتری بودیم و اینک در تعقیب آن باید

بگویم که شما هم از نظری دیگر مقتضیات بهتری دارید:

ما مجبور بودیم دستگاه‌های صنعتی خود را با وسایل و ابزار ناقص بنا نهاده در توسعه آن بکوشیم. البته من نمی‌خواهم بگویم که شما می‌توانید همه مراحل مقدماتی را حذف کنید ولی به هر حال این موقعیت مساعد را دارید که با کمک مادی خارجی و با به‌کارآفتادن سرمایه خارجی، برای صنعتی کردن کشور خود از همان اول از دستگاه‌هایی استفاده کنید که از لحاظ فنی با علی درجه کمال هستند و طبعاً از نتایج خوب اجتماعی آن خیلی زودتر بهره‌مند گردید.

به عقیده من در دنیای آینده دیگر نمی‌توان مانند گذشته طبق تصورات ساده آن زمان کشورها را به کشاورزی و صنعتی و فروشنده و خریدار طبقه‌بندی کرد، بلکه دنیا در آتیه وضع دیگری خواهد داشت و با مجتمع ساختن نیروها قهراً اختلافات به مراتب بیشتری حتی از لحاظ هر یک از کشورها به تنهایی نیز حاصل خواهد شد. تاکنون یک مسأله خطرناک هم در پیشرفت سیاسی دنیا این بود که بسیاری از کشورها کم و بیش فقط به زراعت و پرورش یک نوع محصول بخصوص پرداخته اساس اقتصاد خود را بر درآمد حاصل از آن استوار می‌ساختند و در نتیجه اقتصادشان تابع نوسانات بازار دنیا و اتفاقات غیرمترقبه بود و در مواقع بحرانی هیچگونه پشتیبانی نداشتند و این مسأله در آتیه به صورت خطرناک‌تری هم در خواهد آمد زیرا منجمده در شیمی جدید و تکنیک دائم مواد خام جدیدی ظهور می‌کند که هیچ معلوم نیست در بین مواد خام طبیعی که امروز در اختیار ما قرار دارد چه مقامی را احراز خواهد کرد. این موضوعی است که من مکرر به آن برخورد کرده‌ام.

مثلاً بیش از همه در مورد کشورهایی که سابقاً به صورت مستعمره بودند، سرزنی که سابقاً و حتی امروز هم پس از برطرف شدن

استعمار نسبت به کشورهای استعمار کننده می‌شود، نه به جهت تحت رقبت در آوردن ملت‌ها و یا مسائلی از این قبیل بوده است، نه، این مسائل فراموش شده و گاهی هم روابط بین کشور استعمار کننده و مستعمره چنان عادی بوده که اصولاً ملامتی از این نظر مورد ندارد.

بلکه نیشی که بر پیکر این کشورها فرو رفته و هنوز آنان را رنجه می‌دارد این است که با مستعمره به اصطلاح فقط به عنوان یک کشور خریدار فرآورده‌های صنعتی کشور استعمار کننده رفتار می‌شد و ما برآنیم که این وضع را براندازیم و ناچاریم که چنین کنیم. اکنون باز همان سؤال اول مطرح است: چگونه باید همه چیز را روی هم ریخت و خواسته و آگاهی‌های مشترکمان را مجتمع ساخت؟ من به خوبی متوجه اشتیاق شدید کشورهای در حال ترقی - اجازه دهید یک دفعه دیگر این اصطلاح را برای این دسته از کشورها به کار برم بدون آنکه وجه تمایزی برای آنها قائل باشم - هستم که می‌خواهند با سرعت از فقر رهائی یافته و به آسایش و امنیت عظیم اجتماعی نائل آیند.

خود من هم اگر به جای شما می‌بودم و انجام وظیفه‌های خطیر را در پیش می‌داشتم عیناً همین حال را پیدا می‌کردم. ما در آلمان پس از شکست تقریباً وظیفه‌ای مشابه را بر عهده داشتیم فشار مردم و خواسته‌های اجتماعی آنها به نهایت زیاد بود ولی ناگزیر بودیم به علت آلمان بگوئیم: بچه‌های عزیز همه کار را در آن واحد نمی‌توان به انجام رساند. ما ناچاریم برای هر امری نوبتی قائل شویم و با رعایت آن به حل مشکلات بپردازیم ولی بی‌ش از همه چیز باید در حین عمل با دلایلی مشهود پیشرفت حاصل را نمودار ساخته بدانوسيله مردم را مومن و معتقد کنیم که راهی که برگزیده‌ایم به صواب است، پس از آنکه چنین روحیه و ایمانی در ملتی پیدا شد آمادگی برای کمک به آنها از خارج و از طرف کشورهای صنعتی امری بدیهی و مکمل آن است. البته میزان کمکی که در هر مورد به خصوص لازم است باید با بررسی و آزمایش تعیین گردد زیرا در همه دنیا آمادگی کمک دهندگان و کمک‌گیرندگان به یک اندازه نیست. لکن قدر مسلم این است که مسئولیتی که در این زمینه برعهده کشورهای جلو رفته هست در تمام دنیا محرز شده و مورد تصدیق همگی است.

من اینطور احساس می‌کنم که بر همه ما (در اینجا مقصودم تنها کشور خودم نیست) روشن است که ما همه سرنوشتی مشترک داریم که اعم از خوب یا بد برای همگی یکسان و همان است که همه را یکسره به هم می‌پیوندد و در قبال آن اقتصاد فقط جزئی از موجودیت ما را تشکیل می‌دهد.

من در این مورد همیشه می‌گویم اگر ما بخواهیم از لحاظ اقتصادی آزاد باشیم و بدون رادع و مانعی برومند گردیم، باید پیوسته بر این معنی آگاه باشیم که آزادی که ما را به هم می‌پیوندد و روحیه‌ای که بر اثر آن ما ایجاد می‌شود قابل تقسیم نیست.

آزادی سیاسی و اقتصادی و آزادی فردی را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد بلکه این بوته آزمایشی است که یا ما از آن پیروز و سربلند بیرون می‌آئیم و یا شکست می‌خوریم. لیکن ایمان راسخ دارم (و اگر غیر از این بود، در آلمان به عنوان یک خوشبین افراطی معرفی نشده بودم) که اکنون ما در راهی افتاده‌ایم که ما را را نوید موفقیت می‌دهد. و امیدوار می‌سازد که آزادی خود را حفظ خواهیم کرد و در جهانی که به هم پیوسته است صلح و یگانگی برقرار خواهد ماند.

منبع: مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

مهر ۱۳۳۸



ادامه از صفحه اول

یک طبیعت‌گرا (ناتورالیست) یک خدا ناباور (اتئیست) یا ملحد، توضیحی که به رویدادها و پدیدارهای طبیعی و یا اساساً هر حادثه و پدیده دیگری می‌دهد تفاوتش از توضیحی که یک انسان متدین و خدا‌باور می‌دهد از زمین تا به ثریا است. تاکید می‌کنم از زمین تا به ثریا است. توضیح یک طبیعت‌گرا یا یک خدا‌ناور به شرایط نوزادی که به لحاظ جسمی و ذهنی ناقص به دنیا آمده است و از نارسایی‌های جسمی و اختلالات ذهنی و عصبی و روانی رنج می‌برد، این است که پای اختلالات ژنتیکی و وراثتی در میان است و می‌توان با مشاهدات و مطالعات و اطلاعات و دستاوردهای علمی بیشتر و مطمئن‌تر و موثق‌تر از آن پیشگیری کرد و نوزادان نسل‌های سپسین را از چنین اختلالات و نارسایی‌های وراثتی و ژنتیکی ایمن داشت. به دیگر سخن دست به اصلاح ژنتیکی دست زد و روند وراثت را در مسیری مطلوب‌تر و مطمئن‌تر و ایمن‌تر و مصون‌تر از اختلالات و نارسایی‌های ژنتیکی و وراثتی انداخت. در چشم او نه پای خیری و نه شری در فهم آنچه اتفاق افتاده در میان است و نه مسئله به لحاظ اخلاقی جای بحث و مجادله دارد. قصوری هم در میان نیست. از این مشت‌ها و نمونه‌های حوادث طبیعی خروارها حوادث طبیعی دیگر را بر همین سیاق می‌توان بی‌هیچ شکوه و شکایتی توصیف کرد. توصیف‌های علمی و طبیعت‌گرایانه و کاملاً متنوع از هر نوع موضع‌گیری‌های اخلاقی و ارزشی.

برای یک خدا‌باور و انسان متدین چنین توضیحاتی بسنده و قانع‌کننده نیست یا دست کم همیشه قانع‌کننده و مکفی نیست. در چشم او رویدادها تنها در درون کلاف‌های درهم تنیده‌ای از روابط نامرئی و نهان‌ترشان می‌توانند معنایشان را بر ما آشکار کنند. و در این مسیر و از این طریق است که می‌توان تا کنه هستی نسبت آنها را ردیابی و رصد کرد. برای انسان خدا‌باور یا معنوی دل‌ایه‌ها و زیرلایه‌های نهان‌تر این صورت‌ها و شکل‌ها و ریخت‌ها و واقعیت‌ها و ظواهر و مظاهر نابایدار هستی که چونان رود هیراکلیتوس پیوسته و بی‌وقفه در دیموت و کینونت‌اند و در «بودن‌ها» و «شدن‌های» دم به دم عالم علت‌ها و معلول‌ها، مرتبه و مراتب دیگری از رابطه‌ها و مناسبت‌های نهان و نامرئی و گوهرین ترهم هست که قانون و خرد و منطقی از جنس دیگری است. و وقتی چونان نور بر عالم علت‌ها و معلول‌ها می‌تابند و رخنه می‌کنند در دم خرق عادت می‌شود و چهره دیگری از واقعیت در برابر ما و پیش‌روی ما سر برمی‌کشد و معجزه یعنی همین البته که نه تنها و نه فقط همین! آن نگاه بیرونی انسان خدا‌نا‌باور یا طبیعت‌مدار در اینجا و در چشم انسان خدا‌باور و معنوی، رنگ می‌بازد و سر از منظر و معرفتی دیگر برمی‌کشد که عمیقاً درونی و حضوری و همدلانه است و عمیقاً رازآمیز و گرانبار از حس حیرت‌های اصیل و گوهرین روحانی و متعالی و تعالی‌جویانه و غنی و پرمایه از احساس جلالت، والایی و شرم در حضور و در پیشگاه امر «متعال» و یگانه و کنه رازآمیز «هستی» یا «وجودیت» موجودیت چیزها، نسبت و رابطه‌ای که هم عمیقاً معنوی و عمیقاً روحانی و اخلاقی و همدلانه است، هم عمیقاً توأم با احساس مسئولیتی سنگین و حساس به حضور هر آفریده‌ای در جهان. انسان معنوی و خدا‌باور حضور و سرنوشت

خود را در درون تارهای ظریفی از رابطه‌ها و مناسبت‌های عمیقاً روحانی و رازآمیز می‌بیند و می‌زید. در درون یک چنین رابطه و نسبتی عمیقاً روحانی و خدا‌باورانه است که پای خیر و شر به میان کشیده می‌شود و دامن زده می‌شود. به دیگر سخن تا خدا هست و پای خیر در میان است، شر هم هست و

مسئله ضرور را تنها در نسبت با یگانه و اصل الوهیت که سرچشمه هر خیر و خوبی است می‌توان فهمید. به بیانی صریح‌تر و شفاف‌تر، تا خدا هست شر هم هست. در حدیثی از پیامبر نقل شده است که هر خیری نزد توست و هیچ شری از توییست: «الخير كله بيدك الشریس الیک» (مستدرک الوسائل ۴/ ۱۴۲). آنچه ما شر را شری می‌کنیم و صفت شر به آن می‌دهیم تنها در نسبت با سرچشمه خیر می‌توانیم شر را بفهمیم و شر را بپذیریم. اینکه گفته می‌شود شر امری علمی

پاسخ به یک پرسش



است به این معناست که خود مستقلاً شر به ما هو شر به فهم در نمی‌آید و در فهم در نمی‌گنجد مگر اینکه به سرچشمه خیر ارجاع داده شود. نکته دیگر آنکه حرکت به سوی عدم دارد. اما پاره دوم سؤال اینکه چرا کثیر مردمان ترجیح می‌دهند در پرده نمایش زندگی با نقاب نفاق و صورتک ریا و ماسک دورنگی ظاهر شوند و این چنین در پرده نمایش زندگی بازی کنند؟ سؤال مهمی است که توضیح می‌طلبد و آسان نمی‌توان از کنارش گذشت. در قرآن هم به این مسئله اشاره شده است: کثیر مردمان مشرکند و قلیل شان موحد. «آلته من الاولین و قلیل من الآخرين». به تعبیر حضرت مولوی در مثنوی:

آدمی خوارند اغلب مردمان

از سلام علیکشان کم جو امان
برغم اینها قرآن قوام انسان را در حسن و نیکویی دید و به سرشت نیکوی انسان بشارت داد و مهر تایید نهاد. "احسن تقویم خلقت آدمی را بر "اسفل سافیلین" مقدم داشت: «لقد خلقنا الانسان في احسن التقويم» ثم ردناه اسفل سافیلین «(سوره التین). جهان بشری ما جهان احسن‌ها و اسفل‌هاست، رنگارنگ و پر از نقاب‌ها و نفاق‌ها. جانوران حیات وحش ایمن و مصون از چنین نقاب‌ها و نفاق‌ها و دورنگی‌ها و تناقض‌ها و تضادها و تنش‌های خردکننده هستند. نوزاد بوزینه، بوزینه‌زاده می‌شود و بوزینه می‌زید و بوزینه می‌میرد. این تنها نوزاد انسان است که در معرض خطر بوزینه زیستن و بوزینه مردن و از خویش بیگانگی و از کف دادن چهره انسانی خویش قرار دارد. بوزینگان مسخ و از خویش بیگانه نمی‌شوند این آدمیانند که می‌توانند مسخ و از خویش بیگانه شوند و مسخ و از خویش بیگانه بزنند و مسخ و از خویش بیگانه بمیرند. کثیر مردمان شیفته و فریفته و دلباخته و سوسه‌دست‌آورد های فوری و عاجل زندگی دنیویند؛ حتی با هزینه و حاصل خرمنی از دسترنج و تلاش و عرق جبین دیگران. و ستم و ظلم و بی‌عدالتی یعنی همین. البته نه فقط همین! یکتا و یگانه و موحدانه زیستن چنان آسان و سهل الوصول نیست. ظواهر و مظاهر دستاوردهای دنیوی اش هم آنقدر فراوان نیست. اگر هم هست از جنسی دیگرست که چندان به مذاق دنیا پرستان و دنیوی مشریان و طالبان دنیا گوارا و خوش نمی‌آید.

یک زندگی اصیل و استوار بر شانه اصالت‌ها و ارزش‌ها و باورهای گوهرین هم مسئولیت‌خیز است، هم همت و عشق می‌طلبد و دلیری ایستادن و استقامت و استواری و پایداری و ماندن در میانه میدان و در آوردگاه، دست و پنجه فشردن با وسوسه‌های شیطانی و افعال و اعمال شروانه. نیک ماندن و نیک زیستن هم عشق می‌طلبد هم همت و دلیری قربانی کردن و شهادت فدیة دادن‌های سخاوتمندانه پی به پی و بی‌منت و پیراسته از رنگ ریا و رفتارهای ریا کارانه. عرصه جولان سیمرغ می‌طلبد و اراده و عزمی استوار و روح بلند توبه ساری و بردباری. تحمل سختی راه و از خویش گسستن و اراده و عزم استوار سفر کردن و شوق سلوک معنوی و پرهیزکاری و اخلاص و ایمان زلال و کشش و کوشش بی‌وقفه و پیوسته و نفسگیر به سوی قاف یکتایی و حیات موحدانه. چیزی که کثیر مردمان از آن می‌گریزند. آنها

تمایل ندارند اوقات روزینه خود را که تنور زندگی را شعله‌بیز و گرم دستاوردهای عاجل و فوری و ضروری کوتاه دامن و کوتاه قامت می‌کند و دستشان را پر از نان و نمک‌های تازه خور و خوارک و خواب روزینگی، در محراب ارزشهای آرمانی و ایدالی و دست‌نایافتنی و بعید قربانی کنند.

سؤال مهم و اساسی دیگری که در اینجا مطرح و با موضوع یادداشت کوتاه اکنون ما مرتبط می‌شود این است: چرا اساساً آدمیان چنینیم؟ چرا بسیاران



چنین رفتاری کنند و اندکان چنان؟ اگر خداوند ما را آفریده، چرا چنین آفرید و چنانمان نیافرید؟ در قرآن نیز وقتی فرشتگان از خداوند پرسیدند آیا می‌خواهی جانشینی در زمین قرار دهی که فساد انگیزد و خون بریزد؟ «واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اني علم ما لا...» (بقره/۳۰). خداوند پاسخ ملائک را نداد! تنها فرمود: آنچه من می‌دانم شما نمی‌دانید! چند نکته ظریف و عمیق در پاسخ نگفتن خداوند به پرسش ملائک در اینجا قابل طرح است که به آنها فرصت وار اشاره می‌شود:

نخست آن که این سطح آگاهی یا "علم" بشری پیامبر است که در برابر مسئله‌ای این چنین بنیادین و با ابعاد این چنین "هستی شناسانه و مرزی یعنی مسئله "شرور" به سقف می‌رسد. در قرآن فراوان به چنین موارد مرزی و حدی و سقفی آگاهی بشری پیامبر اشاره شده است. قصه هبوط، مسئله روح مسئله بنیادین رنج در قرآن همه یکسر پرده از سقف و مرز آگاهی و فهم بشری پیامبر برمی‌گیرند. آگاهی و فهمی که هر بار به مرز و سقف می‌رسد و در مقام حیرت خود را در برابر رازی می‌بیند که به فهم در نمی‌آید. در درون جغرافیای تنگ آگاهی و فهم بشری او در نمی‌گنجد: «و يسألونك عن الروح قل الروح من امر ربي و ما اوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء/۸۵). علم ما اندک است و دست عمر کوتاه و خرمای شیرین حقیقت برنخیل راز هستی! «و ما اوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» در همین مفهوم "الله اکبر" که هر صبح و ظهر و شام از ماذنه مساجد شنیده می‌شود و ما آسان و چه بسا ناشنیده از کنارش می‌گذریم؛ اندکی تامل کنید. پیامبر در مقام حیرتی عمیق و اصیل و گوهرین آن را شنید. اصلاً الله اکبر تنها و تنها در مقام حیرت شنیده می‌شود. در مقام حیرتی نبوی؛ حیرتی پیامبرانه! شرم حضور و حیایی رسولانه! حیرتی گرانبار از احساسی رازآمیز نه معمولی و متعارف. احساسی غنی و پرمایه و لبریز از حس حضور در پیشگاه جلالت حق. احساسی عمیقاً توأم با شرم حضور و خشیت و خضوع در برابر کنه ناپیدا و رازآمیز و ذات نامتعیین و بی‌صورت «جود مطلق» و در یک کلام «محض وجود»!

در دو دیگر آنکه حقیقت انسان بودن و معنای آفرینش الهی انسان و معنای حضور انسان در جهان یک

راز است؛ راز و سری نهان و ناپیدا و نهفته میان انسان و اصل الوهیت، میان انسان و خداوند. حتی انسان خود نیز در فهم معنا و حقیقت انسان بودن خویش در برابر رازی بس عظیم ایستاده است. به عبارتی ساده حقیقت انسان در ژرفای ناپیدا و در ظلماتی عظیم و ژرفناک نامتعیین گم می‌شود و برای همیشه دست نایافتنی به قوت خود باقی می‌ماند و خواهد ماند. «الله اکبر» یعنی همین! به تعبیر نغز و دلنشین حافظ:

از هر طرف که رفتم جز حیرتم نیفزود

ز نهار ازین بیابان وین راه بی نهایت

یا:

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز

ورنمدر مجلس‌رندان خبری نیست که نیست

به دیگر سخن هیچ پاسخ عقلی و منطقی مرتبط بر مسئله «شر» نیست. با ابزارهای عقل و منطق و استدلال و احتجاج نیز نمی‌توان پاسخی نهایی و جامع و مکفی به مسئله شرور داد. شر یک راز است. تنها با اصل الوهیت که سرچشمه هر خیری است، می‌توان شر را توصیف کرد و فهمید. ممکن است گفته شود وقتی عقلاً و منطقاً نمی‌توان ماهیت و منشاء واقعی مسئله "شرور" را توضیح داد چه راه یا راههای دیگری پیش‌روی ما نهاده است که در برابر و در مواجهه به مسئله شرور نشکنیم و شر بر ما سروری نکند؟ گمان می‌برم راه‌های بسیار دیگری پیش‌روست. بن بست در میان نیست. در اینجا به پاره‌ای از این راه‌ها اشاره می‌شود. یک راه این است که نخست هستی را با تمامیتش بپذیریم. تعبیر ژرف بینانه حضرت حافظ را ببینید:

در کارخانه عشق از کفر ناگزیر است

آتش که را بسوزد گربولهب نباشد

یا:

در این چمن گل‌بیخار کس نچیداری

چراغ مصطفوی با شرار بولهبی ست

اینجا حرف‌های معمولی و متعارف نیست. پرمایه و غنی از تجربه‌های عمیق یک زندگی معنوی و بیداری و بینش و منش عاشقانه انسانی است برآمده از اعماق وجدان تاریخ و فرهنگ ملتی پخته و سخته و آزموده و سرد و گرم دهر چشیده و قره‌ای از سنت‌های دینی و دیانت و معنویتی اصیل و عرفان و ایمانی گوهرین. اتفاقاً همه تجربه‌های اصیل و گوهرین عرفانی نیز همین را بما می‌گویند. حضرت مولوی را در مثنوی ببینید:

حق فرستاد انبیا را با ورق

تا گزید این دانه‌ها را بر طبق

پیش ازین ما اَمّت واحد بدیم

کس ندانستی که ما نیک و بدیم

قلب و نیکو در جهان بودی روان

شب همه شب بود و ما چون شبروان

تا برآمد آفتاب انبیا

گفت ای غش دورشو صافی بیا
سه دیگر آنکه زندگی را با اراده و عزم و همت خوب بودن بیاراییم. ما می‌توانیم چنین باشیم و چنان نباشیم. می‌توانیم چنین کنیم و چنان نکنیم. راه روزینگان و بوزینگان را نرویم. از کثیران نباشیم و از قلیلان باشیم. از اصحاب مشتمه نباشیم و از اصحاب میمنه باشیم. انتخاب با ماست. این گوی و این میدان! آراستن زندگی به خوبی‌ها هم فضیلتی است بس عظیم هم توفیقی بس بزرگ هم سعادت مبارک و مقدس. «نا بینا شود هر آنکه نتواند دید.»

سه دیگر آنکه تن تسلیم به سروری و سیادت شر نسپاریم. زبینه و برازنده خوبی و خیر نیست که بدی بر او سروری و سیادت کند. در سنت‌های دینی و معنوی ایرانیان عهد باستان به ویژه در باور مزدآ پرستان پیروزی نهایی از آن سپند مینو و خیر و خوبی خواهد بود و انگره مینو و نیروهای اهریمنی شکست خواهند خورد و سروری جهان را نیروهای راستی و خوبی در کف خواهند گرفت. قرآن شریف نیز همین را وعده و مژده داده است و شیعیان و همه سنت‌های معنوی موعود محور نیز این چنین باور دارند و انتظار می‌ورزند.

قاب امروز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۳ مرداد ۱۳۵۷
(برابر با ۱۹ شعبان ۱۳۹۸، ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۸) نقل شده است

مشهد - خبرگزاری پارس: ساعت ۱۱ بامداد روز شنبه هفته جاری بهنگام تشییع جنازه مرحوم شیخ احمد کافی واعظ خراسانی در مدخل فلکه حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) عده‌ای از اخلاگران و آشوبگران فرصت طلب و مختل نظم و آرامش عمومی با رخنه بدخل صفوف تشییع کنندگان و پس از دادن چند شعار ضد ملی به چند تن از پاسبانانی که برای حفظ نظم مشایعین را بدرقه می‌کردند حمله‌ور شده و با وارد کردن ضربات کارد به قسمت راست سینه یکی از پاسبانان بنام علی‌اصغر اکوزردی وی را از پای درآوردند که در نتیجه این پاسبان در دم جان می‌سپارد. اخلاگران بدنبال حمله بیرحمانه خود به این هم اکثفا نکرده و ۷ نفر دیگر از پاسبانان را با ایراد ضرب و جرح مصدوم می‌نمایند و در نتیجه زرد و خوردی که بین پلیس و این قبیل اخلاگران رخ می‌دهد ۲۴ نفر از آنها مجروح و مصدوم می‌شوند و بلافاصله کلیه مجروحین و مصدومین اعم از پاسبانان و اخلاگران به بخش سوانح بیمارستان شاهرضا منتقل و پس از درمان و پانسمان تعداد پنج نفر پاسبان از بیمارستان مرخص و تعداد ۱۹ نفر از اخلاگران که بصورت سرپائی معالجه شده بودند تحویل مقامات امنیتی شده و در حال حاضر پنج نفر از اخلاگران و ۲ نفر از پاسبانان مصدوم تحت درمان قرار دارند.

دیروز در کنار اخبار پرهیجان ترمیم کابینه، که از صبح زود خبرش به روزنامه رسید، و تأییم بعد از ظهر ادامه داشت بازار شایعات و تلفنهای مکرر و اخبار از قول «مقام موثق» گرم بود، بطوریکه بخشی از فعالتهای خبرنگاران مصروف کشف صحت و سقم این اخبار و پیدا کردن حقیقت قضیه بود. یکی از خبرنگاران در همان ساعات اول صبح خود را با سرعت به پلویون دولت در فرودگاه مهرباد رسانید و با اشخاصی که با نخست‌وزیر حرکت می‌کردند دیدار کرد. همه آنها مدعی بودند که نمی‌دانند به چه پستی منصوب خواهند شد و حتی نخست‌وزیر هم گفت مشاغل وزرای جدید بعد از معرفی اعلام می‌شود، در چنین وضع ابهام‌آمیزی برای هر یک از وزرای جدید مشاغل مختلف پیش‌بینی می‌شد، از جمله صالحی را وزیر کشور معرفی می‌کردند، باضافه ایکی جدیدی هم به روزنامه می‌رسید از جمله از قول «ایک مقام موثق» خبردادند که نه‌اندونی لباس رسمی پوشیده و در نوشهر منتظر نخست‌وزیر است تا وی هم به سمت وزیر معرفی شود.

خبرگزاری فرانسه گزارشی به نقل از منابع موثق در تهران نوشته است که مناسبات ایران و دو همسایه مهم آن عراق و عربستان سعودی در آینده نزدیک ابعاد گسترده و تازه‌ای خواهند یافت. این منابع به سفرهایی که قرار است در سطح بالا بین ایران و عراق انجام شود و همچنین سفر قریب‌الوقوع پرنس فهد بن عبدالعزیز ولیعهد عربستان سعودی اشاره می‌کنند و احتمال می‌دهند که مسئله ایجاد یک اتحاد نظامی در خلیج فارس که ایران همواره نسبت به آن نظر مساعدی داشته محتمل‌ترین موضوع مورد مذاکره بین ایران و عراق در عربستان سعودی باشد.

«نحوه فعالیت شرکت‌های تعاونی مسکن کارگری مورد بررسی و تجدید نظر قرار می‌گیرد. همچنین طرح جدید قانون کار در آینده نزدیک تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد و علاوه بر آن کارگران سراسر کشور خواستار تجدید نظر در قوانین و مقررات تامین اجتماعی نیز می‌باشند.» دیشب حسین قربانی‌نائب عضو دفتر سیاسی حزب رستاخیز و رئیس سازمان کارگران ایران در مجمع عمومی فوق‌العاده سازمان کارگران تهران که با شرکت بیش از یک‌هزار و پانصد نفر از نمایندگان و دبیران سندیکا‌های کارگری تشکیل شده بود ضمن اعلام خبر فوق اظهارداشت: چندی است که بی.بی.سی لندن به ملت ایران ناسزا می‌گوید این صدای شوم استعمار است و پیشرفت‌های ایران خاری است که به چشم استعمار فرو می‌رود. بی.بی.سی لندن از شکسته‌شدن چند شیشه به وسیله چند دانش‌آموز در ایران حرف می‌زند ولی نمی‌گوید که کارگران ایران و اقتصاد ایران چه کمکی به ملت انگلیس کرده‌اند که از ورشکستگی نجات یابد.



بحران آب-روستای «قزلر»، خراسان شمالی / عکس از: وحید خادمی

سرایه

<p>نیش مژگان چنان زدی به دلم که سر نیش در جگر بشکست نرسد نامه‌های من به تو ز آنک پر مرغان نامه‌بر بشکست قصه‌ای می‌نوشت خاقانی قلم اینجا رسید و سر بشکست خاقانی</p>	<p>رخ تو رونق قمر بشکست لب توقیمت شکر بشکست لشکر غمزه تو بیرون تاخت صف عقلم به یک نظر بشکست بر در دل رسید و حلقه بزد پاسبان خفته دید و در بشکست من خود از غم شکسته دل بدم عشقت آمد تمامتر بشکست</p>
---	--

۲۲۴۱

		۷			۹			
		۴	۸	۵				۹
۶	۲				۴	۸		
						۲	۳	۱
	۶						۴	
۹	۴	۱						
		۸	۲				۶	۳
۵				۷	۸	۱		
			۱			۵		

5	4	2	6	1	8	7	9	3
7	9	3	5	4	2	6	1	8
6	1	8	7	9	3	5	4	2
2	5	4	8	3	6	1	7	9
1	6	7	2	5	9	8	3	4
8	3	9	4	7	1	2	5	6
9	2	5	1	8	4	3	6	7
4	7	6	3	2	5	9	8	1
3	8	1	9	6	7	4	2	5

حل ۲۲۴۰

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

غذای بسیار اندک	سراینده همای و هملیون	خیاط ضمیر غایب	خودم سرزمین		نقره نامی دخترانه	بازده کار
رودید						
					عنب الثعلب	
					چاقو	
		وسيله احتیاطی درخت سایه گستر				نقش‌ها
حرف انتخاب			یا قوت			
مرغ می‌رود			باتری لاغر			
سازگاری کشور دویلین			نویننده و نگارنده نوعی شیرینی			
					تعجب خانم‌ها	
ویرگول شکوه					بزم	
		برابر متعفن	متخف امیر	گی		
سلاح اختجاری بشر مرد تعجب و شریف نظریه						
ت						

حل
۴۷۵۳

حل

۴۷۵۳